

زنان

سال سوم • بهار و آبان ۷۳ • ۷۲ صفحه • ۱۲۰ تومان

۲۰

ISSN: 1021 - 4054



حقوق سیاسی زن در ایران از بهمن ۵۷ تا امروز

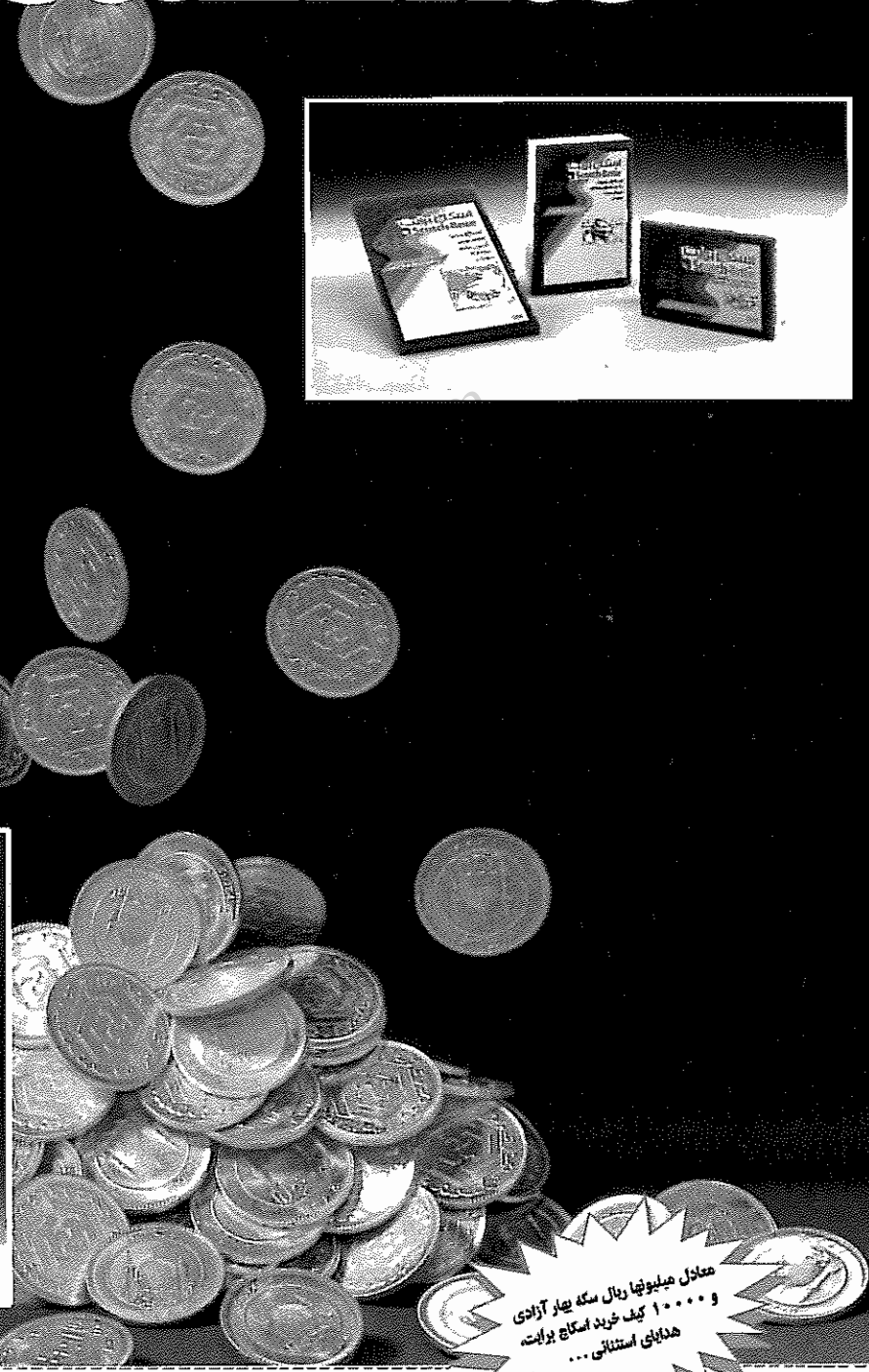
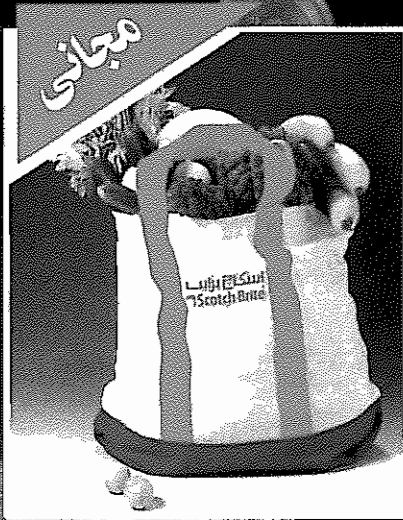
مجله زنان - شماره ۲۰ - بهار و آبان ۱۳۷۳ - ۷۲ صفحه - ۱۲۰ تومان

بیایا تا زر بر افشانیم ... فرصتی طلایی!

اسکاچ برایت Scotch-Brite™



باعمری طولانی



معادل میلیونها ریال سکه بهار آزادی
و ۱۰۰۰۰ کیف خرید اسکاچ برایت
هدایای استثنایی ...

شماره شناسنامه و محل تولد :
تلفن تماس :

فرم شرکت در مسابقه اسکاچ برایت 3M

فرم تکمیل شده شرکت در مسابقه را همراه با سه عدد پاکت خالی اسکاچ برایت 3M اصل به تهران صندوق پستی ۸۱۹-۱۵۱۱۵ ارسال نمایید.



نام و نام خانوادگی :
نشانی :

زنان

سال سوم شماره ۲۰ مهر و آبان ۷۳



زنان نشریه‌ای است اجتماعی که یک بار در ماه منتشر می‌شود.

گزارش و خبر

چرا زنان منشی مطب می‌شوند؟ آزاده خاکزاد ۲

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شهلا شرکت

ادبیات

خبر: ۱۲

مدیر داخلی: رزا افتخاری

آخرین قطار (شعر): شهین حنانه ۱۱

طراح گرافیک: کوروش شبگرد

شمارش (داستان): طاهره علوی ۲۶

امور مشترکین: شکوه اردلانی

پروین دولت‌آبادی و «بر قایق ابرها»: شهرام رجب‌زاده ۳۱

حروفچینی کامپیوتر: معصومه رحیمی

حوای کوچک (شعر): گراناز موسوی ۵۵

چاپ رنگی: هادی، تلفن: ۳۱۱۲۵۸۶

صدای مانا (شعر): شهناز چوپانکاره ۵۵

چاپ متن: ممتاز، تلفن: ۳۱۱۸۰۳۲

زن (داستان): خوان بوش، ترجمه مینا مهربان ۶۰

صحافی: شاهد

اندیشه

شرحی از نگاهی دیگر: عبدالعلی دستغیب ۵۶

روی جلد: کوروش پارساژاد

... و این بار تیشه شیرین بر سنگ: پروین اردلان ۱۷

هنر

همسر، سوژه خوب، پرداخت... الهام خاکسار ۳۸

نقش هنر: سپیده خانبلوکی ۷۰

حقوق

حقوق سیاسی زن در ایران از بهمن ۵۷ تا امروز: مهرانگیز کار ۱۸

فقه، زن، ارزشها: سیدمحسن سعیدزاده ۴۴

بچه بزرگتر! لیندا بورنستین، ترجمه ندا سهیلی ۱۴

عواطف و پرخوری: جسیکا اسنایدر ساچز، ترجمه مژگان رنگیدن ۲۸

تحول هویت جنسی در دختران: پاملا آشرست و زایدا هال، ترجمه شروین شمالی ۳۶

زهر تلخ عصبانیت: هریت وبستر، ترجمه زهره زاهدی ۴۱

موجودات ذره‌بینی در خانه و حساسیت بچه‌ها: ترجمه علی اندیشه ۵۲

زنان اروپایی و دنیای سیاست: ۶۶

حسادت، این حس دردناک و تحقیرآمیز: دکتر ناتانیل براندن، ترجمه مژگان سپهر ۶۸

معرفی کتاب: ۷۱

صندوق پستی: ۵۵۶۳ - ۱۵۸۷۵

تلفن: ۸۳۶۴۹۸

فاکس: ۸۸۳۹۶۷۴

شماره سریال بین‌المللی: ۴۰۵۴ - ۱۰۲۱

License Holder & Editorial Director:
Shahla Sherkat

زنان در زمینه فعالیت‌های، هنری، آموزشی و خدماتی آگهی می‌پذیرد.

Zanaan is a Persian-language
journal published monthly.

زنان در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.

مطالب ارسالی بازگردانده نمی‌شود.

Each issue contains articles and
reports related to the women's
problems.

حقوق چاپ، انتشار و نقل مطالب، طرحها و عکسها برای مجله زنان محفوظ است.

چرا زنان منشی مطب می‌شوند؟

آزاده خاکزاد



- چند ساعت کار می‌کنید؟
- از ۱۰ صبح تا ظهر و از چهار عصر تا هشت شب.
- چقدر حقوق می‌گیرید؟
- پنج هزار و ۵۰۰ تومان.

● مراجعه کنندگان شما زیادند؟
○ در اینجا چهار دندانپزشک کار می‌کنند و من دستیار هر چهار دندانپزشک هستم. بعضی روزها مطب شلوغتر است. ولی به طور متوسط، بیش از بیست بیمار در روز پذیرفته می‌شوند.

● حداقل و حداکثر دستمزد دندانپزشکان چقدر است؟
○ در مورد کار دندانپزشکی نمی‌توان رقم قطعی داد. در یک جلسه، کوچکترین کار ۵۰۰ تومان و بزرگترین کار در حدود ۱۰ هزار تومان است.

● چقدر حقوق می‌گیرید؟
○ ۱۲ هزار تومان.

● از حقوقتان راضی هستید؟
○ من هم منشی و هم دستیار هستم و از هشت‌ونیم صبح و تا نه شب کار می‌کنم. سی هزار تومان حقوق، حق من است. ممکن است من اصلاً هیچ احتیاجی هم به این حقوق

در کلینیک دندانپزشکی واقع در خیابان رسالت، خانمی را ملاقات کردم که علاوه بر منشیگری، دستیار هم است. به طور تصادفی و بدون وقت قبلی به سراغش رفتم، ابتدا نسبت به پاسخگویی تردید داشتم اما عاقبت دل به دریا زد و با گفت‌وگو موافقت کرد: ۲۳ ساله، دیپلمه و مجرد هستم. قبلاً مدتی فروشنده پوشاک بودم که برایم جالب نبود و الان دو سال است که اینجا کار می‌کنم.

● کارتان را با علاقه شروع کردید؟
○ در ابتدا نه، ولی پس از دو سال برخورد با بیماران و تجربه‌های مختلفی که به دست آورده‌ام، احساس می‌کنم به کارم علاقه‌مندم.

● چند ساعت در روز کار می‌کنید؟
○ پیش از ساعت ورود بیماران، ساعت ۸/۵ صبح برای روشن کردن دستگاهها و استریل کردن ابزار می‌آیم و ساعت پایان کار را هم نمی‌توانم پیش‌بینی کرد.

● منشیگری مطب پزشکان، سالهاست که به درست یا خطا، به عنوان حرفه خاص زنان شناخته شده‌است. هر چند که در سالهای اخیر به دلیل شیوع بیکاری و مشکلات اقتصادی، آقایان نیز به این شغل رو آورده‌اند اما هنوز برتری آماری در این زمینه از آن زنان و دختران است.

علی‌رغم تصور عمومی از درآمد بالای پزشکان، منشیهای مطب آنان با حرفه‌ای پر مشکل و کم‌درآمد درگیرند. برای بررسی وضعیت آنان به سراغشان رفتیم اما در بسیاری موارد با استقبال توأم با امتناع از گفت‌وگوی آنان مواجه شدیم. انگیزه این اجتناب، همین تنها دستاویز معاش بود و اضطراب از قضاوت و برخورد کارفرما. تنها گروهی که از نادیده گرفته شدن گلایه داشتند؛ از تهیه چنین گزارشی استقبال کردند. در چنین شرایطی، آنچه را فراهم آمده‌است می‌خوانید: █

● منشی متخصص قلب: «دکتری که قبلاً با او کار می‌کردم، به من به چشم دکوراسیون سالن انتظار نگاه می‌کرد و من آنجا نماندم.»

نداشته باشم اما دلیل ندارد که کاری را با حجم و مدت زیاد انجام دهم و حقوق متناسب با آن نگیرم.

*

در ساختمان پزشکان واقع در سیدخندان، خانمی، منشی دو پزشک، یکی متخصص اطفال و دیگری قلب و عروق است. او با گرمی از گفت‌وگو استقبال می‌کند:

● چه شد که منشیگری را انتخاب کردید؟

○ من دانشجوی رشته روان‌شناسی هستم و در حین ادامه تحصیل باید کار هم بکنم. به نظرم کار مناسب برای من، همین کار منشیگری است.

● چند ساعت در روز اینجا هستید؟

○ از سه و نیم - چهار بعد از ظهر کارم را شروع می‌کنم. هر کدام از پزشکان روزانه حدود بیست مریض دارند و معمولاً تا هشت شب اینجا هستم.

● حق ویزیت چقدر است؟

○ چهارصد تومان.

● و حقوق شما؟

○ از هر پزشک سه هزار تومان حقوق می‌گیرم.

● خودتان با چقدر حقوق راضی هستید؟

○ هشت هزار تومان.

● بیمه هستید؟

○ نه، چون کمتر از یکسال است که در اینجا کار می‌کنم.

*

در مقابل خانمی نشسته‌ام که سالها تجربه منشیگری دارد. مطب بسیار شلوغ است.

برای گفت‌وگو، ناگزیر وقت می‌گیرم. در ساعت مقرر، مطب کاملاً خلوت است:

۳۶ ساله، مجرد و دیپلمه هستم. انواع دیپلمه‌های دیگر را هم دارم؛ از تایپ و کامپیوتر تا دوره آرایشگری.

● کار شما فقط وقت دادن به بیماران است؟

○ نه. من دستیار دکتر هم هستم. بعضی بیماران که عمل کوچکی دارند و نمی‌خواهند در بیمارستان بستری شوند و هزینه گزافی بپردازند؛ در مطب، عمل سرپایی می‌شوند.

● در این گونه موارد با مشکلی هم مواجه می‌شوید؟

○ کار من هم به عنوان دستیار و هم به عنوان منشی ایجاب می‌کند که رفتار سنجیده‌ای داشته باشم. اینجا آدم با افراد مختلفی برخورد می‌کند و گاهی مسائل غیرمنتظره‌ای پیش می‌آید.

● چقدر حقوق می‌گیرید؟

○ برای منشیگری ده‌هزار تومان و برای عملهای سرپایی به عنوان دستیار، در صدی از هر عمل به من تعلق می‌گیرد.

● اگر موقعیت شغلی دیگری برایتان پیش بیاید، کار منشیگری را رها می‌کنید؟

○ نه، من تا الان از کارم بسیار راضیم. وقتی شخصیت و احترام آدم حفظ می‌شود و بالاخره حق زحماتش هم داده می‌شود، توقع دیگری وجود ندارد.

*

در مطب یک متخصص قلب در حوالی ونک، دختر جوانی مشغول کار است. مطب بسیار شلوغ است و خانم منشی اتاق مجزایی را که در آن نوار قلب می‌گیرند، برای گفت‌وگو پیشنهاد می‌کند. پس از سپری شدن زمانی که طی آن کار مراجعان را انجام می‌دهند، بالاخره به اتاق نوار قلب می‌رویم تا صحبت را شروع کنیم. همزمان، بیماران برای گرفتن نوار قلب سر می‌رسند.

● می‌خواهید زمان دیگری را برای گفت‌وگو انتخاب کنیم؟

● الان بهترین فرصت است. ترجیح می‌دهم آقای دکتر اصلاً در جریان این گفت‌وگو قرار نگیرد.

● در مطب به عنوان یک منشی چه کارهایی می‌کنید؟

○ به بیماران وقت می‌دهم، حق ویزیت

می‌گیرم، تایپ می‌کنم و نوار قلب می‌گیرم. ● قبل از اینکه اینجا بیاید، جای دیگری هم کار می‌کردید؟

○ بله، در دو مطب دیگر هم کار می‌کردم ولی کارم را ادامه ندادم. پزشک اول به من به چشم دکوراسیون سالن انتظار نگاه می‌کرد و وقتی مطمئن شدم به خاطر مشخصات ظاهری و جوان بودنم مرا استخدام کرده، آنجا نماندم. پزشک دوم هم با وجودی که از این جهات برعکس بود، با حقوقی مرا استخدام کرد که ادامه کار برایم غیر ممکن بود.

● الان چقدر حقوق می‌گیرید؟

○ اینجا چون تازه مشغول کار شده‌ام هنوز حقوق نگرفته‌ام اما قرارم با دکتر این بود که از هشت هزار تومان بیشتر باشد.

● خودتان مایلید چقدر حقوق بگیرید؟

○ اگر دوازده هزار تومان بگیرم، راضی‌ام.

● به خانواده‌تان هم کمک مالی می‌کنید؟

○ اگر چیزی برایم باقی بماند. با این حقوقها و با توجه به اینکه در ماه، دوهزار تومان پول تاکسی می‌دهم؛ حقوقم فقط برای پول توجیبی خودم کفایت می‌کند. البته من از حقوق این کار انتظار خرید خانه و ماشین و این جور چیزها را ندارم. اما با این وضع برای رفع احتیاجات اولیه زندگی یا مثلاً یک مسافرت داخلی هم مشکل دارم.

● کارتان را دوست دارید؟

○ اگر صادقانه بخواهید، من اصلاً از این کار بدم می‌آید. این کار فاقد خلاقیت است و در نهایت هم با وجود اطلاعات شفاهی که آقای دکتر به من می‌دهند، تجربه‌ای که بتوانم به عنوان مهارت از آن استفاده کنم، به دست نمی‌آید. مجموعاً حس می‌کنم در کارم پیشرفتی ندارم. حتی اگر مدت‌های مدید هم اینجا کار کنم، باز هیچ وقت شرایط بهتری پیدا نمی‌کنم.

● با این اوصاف چرا این شغل را پذیرفته‌اید؟

○ برای اینکه در کنکور قبول نشدم و عملاً وقتم در خانه تلف می‌شد. ببینید من بیست‌وسه ساله و پرنرزی هستم و هنوز هم بزرگترین آرزویم رفتن به دانشگاه است. در



اینجا به هر حال، خوب یا بد، مشغول کار هستم و فکر می‌کنم همین تأمین پول توجیبی مختصر هم از دست دراز کردن پیش پدر و مادر بهتر است، چون آنها هم به هر حال مسائل و مشکلات مادی خودشان را دارند.

● دکتر معمولاً در روز چند بیمار دارد؟

○ بین بیست تا سی مریض.

● چقدر حق ویزیت می‌گیرد؟

○ بار اول که پرونده ندارند، با اکو و

تست، ۸۰۰ تومان و از بار دوم به بعد که

برایشان پرونده تشکیل می‌دهیم، ۷۰۰ تومان

حق ویزیت می‌دهند. ویزیت معمولی، ۴۰۰

● کارت‌تان چه جاذبه‌ای داشت که ماندگار شدید؟

○ از نوع کارم خوشم می‌آید چون با مردم ارتباط نزدیک دارم.

● در این مطب فقط به عنوان منشی کار می‌کنید؟

○ نه، نوار قلب هم می‌گیرم و به کارهای مطب، مثل پرداخت قبض آب و برق و نظافت، نظارت دارم. به طور کلی مسئولیت

اداره مطب بر عهده من است.

● چقدر حقوق می‌گیرید؟

○ ۱۰ هزار تومان.

○ پزشکی که برایش کار می‌کنم، ۷۰ ساله است و برایم حکم پدر دوم را دارد. آن قدر به او توجه دارم که حتی مرخصیه‌های سالیانه‌ام را با او تنظیم می‌کنم تا در این سن و سال زیر بار فشار و حجم زیاد کار، تنها نماند و با این همه توجه و تعهدی که در کارم دارم، طبیعی است که انتظار داشته باشم او هم مشکلات و موقعیت مرا درک کند.

● از بیماران، چه توقعی دارید؟

○ گرچه گاهی فکر کرده‌ام که کارفرمای من باید به مسائل من توجه کند اما هیچ وقت فکر نکرده‌ام که بیماران باید به من فکر کنند. من آنها را دوست دارم و هیچ توقعی از آنان ندارم.

● فکر می‌کنید اگر زمانی متأهل شوید و مجبور باشید بخشی از خرج خانه را نیز تقبل کنید باز هم می‌توانید فقط برای دلتان کار کنید؟

○ در چنین شرایطی، با دکتر صحبت می‌کنم و تقاضای افزایش حقوق می‌کنم.

● و اگر پاسخ منفی شنیدید؟

○ ریسک ازدواج با شرایط نامناسب مالی را قبول نمی‌کنم. از ازدواج صرف‌نظر می‌کنم.

● یعنی در ازدواج، بر خلاف کار، پول حرف اول را می‌زند!

○ منظور من چنین چیزی نبود. ممکن است من حاضر به ازدواج با شرایطی محدود از نظر مالی شوم. در چنین شرایطی مطمئناً

● خانم منشی: «این کار فاقد خلاقیت است و در نهایت هم با وجود اطلاعات شفاهی که دکتر به من می‌دهد، تجربه یا مهارتی به دست نمی‌آورم.»



تومان و ویزیت بیمارانی که اکو و تست و نوار قلب دارند، چهار هزار تومان است.

✽

خانمی که در خیابان فاطمی منشی یک پزشک متخصص قلب است، می‌گوید: «دیلمه و ۳۱ ساله هستم. ازدواج نکرده‌ام با شش خواهر و دو برادرم زندگی می‌کنم و به جز مادرم، همه افراد خانواده کار می‌کنند. با انگیزه مالی کار نمی‌کنم و خانواده هم نیازی به کمک مالی من ندارد.»

● چند سال سابقه کار دارید؟

○ ۱۱ سال است که در این مطب کار

می‌کنم.

● از حقوقی که می‌گیرید راضی هستید؟

○ نه. من حداقل باید ماهیانه بیست و پنج هزار تومان حقوق بگیریم.

● با توجه به سابقه کارت‌تان و مسئولیتهایی که دارید چرا در مورد افزایش حقوق با دکتر صحبت نمی‌کنید؟

○ من همان طور که برای دکتر احترام فوق‌العاده‌ای قائلم، برای شخصیت خودم هم ارزش قائلم. اوایل کار، چند مرتبه به این موضوع اشاره کردم و وقتی دیدم جدی تلقی نشد، دیگر هیچ وقت موضوع را مطرح نکردم.

● فکر می‌کنید او باید نسبت به مسائل شما توجه نشان دهد؟

در انتخابم، معنویاتی را مدنظر قرار داده‌ام که کمبودهای مالی را برایم جبران خواهد کرد. ● به هر حال این کمبودهای مالی را باید به گونه‌ای جبران کنید.

○ خوب شاید آن وقت دیگر نتوانم فقط برای دلم کار کنم و مجبور شوم رابطه‌های معنوی دیگر را فدا کنم. نمی‌دانم.

✽

متأهلها، مشکل دارترها

در مطب کوچک یک پزشک متخصص جراح استخوان، بیماران به هم‌فشرده، نشسته یا ایستاده‌اند. منشی ۳۵ ساله مطب، چهره‌ای بسیار خسته دارد. می‌گوید: «مهمترین انگیزه‌ام



اما علاوه بر منشیگری، تمام دستگاهها و ابزارهای معاینه را ضد عفونی می‌کنم، ملافه‌ها را به اتوشویی می‌برم و در اتاق معاینه هم دستیارم.

● به عنوان دستیار، حقوق مجزایی می‌گیرید؟

○ نه، همان حقوق اولیه ماند که ماند. شبهایی که مریض زیاد داریم و دکتر مثلاً باید برای بیمار آی. یو. دی بگذارد، من باید کنار دکتر باشم. بعد تمیز کردن و ضد عفونی کردن همه وسایل هم دوباره به عهده من است. دستهایم دائماً با خون و مواد ضد عفونی کننده

○ اولش قرار بود شش هزار تومان بگیرم اما روز قرارداد، دکتر پنج هزار تومان نوشت. ● هیچ یادآوری یا اعتراضی نکردید؟ ○ همان موقع گفتند اگر از کارت راضی باشم، حقوقت را زیاد می‌کنم. فکر کردم باید

کوتاه بیایم که فعلاً مشغول کار شوم. من ناچارم برای کمک به زندگی، کار کنم. از نظر محیط کار هم چون فقط با خانمها سروکار دارم خیلی راحت‌ترم. به علاوه به خانمها هم نزدیک است اما اگر کار پردرآمدتری پیدا کنم، اینجا نمی‌مانم. ● بالاخره موفق به گرفتن حقوق

در انتخاب این شغل، کسب درآمد و نزدیک بودنش به محل زندگی‌ام است. از ساعت سه تا حدود نه شب کار می‌کنم و شش هزار و پانصد تومان حقوق می‌گیرم.» ● بیمه هستید؟

○ نه، من در اینجا هیچ امکانی ندارم. گاهی حتی از پسی دوا و دکتر بچه‌هایم هم بر نمی‌آیم.

● این حقوق باری از زندگی شما برمی‌دارد؟

○ مسلم است که نه، ولی ناچارم. قبلاً مربی پولک‌دوزی بودم و در خانه هم مرواریددوزی می‌کردم. کار دایمی با سوزن و نخ مرا خسته و بیمار کرد. میگرن شدید پیدا کردم و پزشکم کار با سوزن و نخ را قدهن کرد. به هر حال باید برای کمک به بودجه خانواده کار دیگری را شروع می‌کردم.

● ولی شما در حال صحبت با من هم دارید سوزن می‌زنید؟

○ به هر حال، هنوز هم این کار، شغل دوم من است و ناچارم در خانه هم همین کار را داشته باشم. چون مستأجرم و سه فرزند دارم.

● شغل شوهرتان چیست؟

○ کارگر تریکوباف است و فقط زمستانها کار دارد.

● در فصلهای دیگر چه می‌کند؟

○ دائماً دنبال کار است اما فعلاً که من باید خرجی خانه را تأمین کنم.



● یک روز دکتر گفت: «می‌دانم شما به عنوان یک خانم، از سرایداری که فعلاً کار نظافت مطب را به عهده دارد، دقیق‌ترید، اگر مایلید مطب را نظافت کنید و حق الزحمه بگیرید.»

در تماس است و حساسیت پوستی پیدا کرده‌ام.

● تا چه ساعتی کار می‌کنید؟

○ قرارمان تا ساعت هشت بود اما اگر یک شب سر ساعت هشت بروم، فردایش دکتر با من سرسنگین می‌شود. معمولاً تا نه می‌مانم.

● فکر می‌کنید حقوقتان باید چقدر باشد؟

○ اگر همان ۱۲ هزار تومان تعیین شده از طرف وزارت کار را بگیرم، کاملاً راضی‌ام.

● درآمد مطب به طور متوسط چقدر است؟

○ حداقل ممکن، که خیلی به ندرت پیش

شش هزار تومانی شدید؟

○ بله، اما با ماجرا. بعد از چند ماه، یک روز دکتر گفت: می‌دانم که شما به عنوان یک خانم، از سرایداری که فعلاً کار نظافت مطب را برعهده دارد، دقیق‌تر هستید. اگر مایلید شما مطب را نظافت کنید و سه هزار تومان حق الزحمه بگیرید. در ازای این قول، هر روز مطب را مثل خانه خودم تمیز کردم. آخرماه سرایدار آمد و مدعی شد که دربی خبری مطلق، هر روز می‌آمده و مطب را تمیز می‌کرده است. نتیجه اینکه دوهزار تومان به سرایدار رسید و هزار تومان به من!

● پس الان فقط به بیماران وقت می‌دهید؟

○ نه، البته دیگر کاری به نظافت ندارم،

● دلتان می‌خواهد چقدر حقوق بگیرید؟

○ بالاخره اگر تا ده هزار تومان حقوق بگیرم شاید مشکلاتم کمتر شود.

*

در حوالی مجیدیه، خانم ۲۸ ساله‌ای که منشی دکتر زنان است، می‌گوید: «متأهلم و یک پسر سه‌ساله دارم. شوهرم کارمند شرکت واحد است. یک هفته مادرم مسئول نگهداری فرزندم است و هفته دیگر شوهرم که کارش، چرخشی است. سالها در خیاطخانه کار کردم، چشمهایم ضعیف شد و آن کار را کنار گذاشتم. در خانه، تزریقات هم قبول می‌کنم.» ● با چه حقوقی استخدام شدید؟



می‌کنم. او نیز از حقوق کمی که می‌گیرد گله‌مند است. از او می‌پرسم که چرا در چنین شرایطی کارش را ادامه می‌دهد. او چنین اظهار می‌کند: «برای زنان انتخاب کار خیلی محدودتر از مردان است. بنابراین زنی که از نظر مالی نیازمند است، با حقوق ناچیز هم فکر می‌کند باید موقعیت را غنیمت بشمارد.»

✱

بیماران کم‌لطف، منشی‌های کم‌حوصله

در مطب پزشک جراح مغز، واقع در سیدخندان، انبوه بیماران منتظر تمام فضای سالن انتظار را پر کرده و گروهی نیز به پله‌ها و فضای بیرونی مطب کشیده شده‌اند. بالطبع در چنین شرایطی امکان گفتگو میسر نیست. با خانم منشی قرار گفت‌وگو را برای آینده می‌گذارم و بالاخره این فرصت به دست می‌آید:

○ ۳۱ ساله و مجرد هستم و با پدرم زندگی می‌کنم.

● چه شد که مشغول به کار شدید؟
○ دوست داشتم در اجتماع باشم و استقلال مالی هم داشته باشم.
● از موقعیت شغلی خودتان راضی هستید؟

○ نه چندان. متأسفانه هنوز گروهی فکر می‌کنند ما فقط عروسکیم و بود و نبودمان تأثیری در وضع هیچ کس ندارد.

● تجربه خاصی در این زمینه دارید؟
○ من فقط به یک نمونه اشاره می‌کنم شخصی که داوطلب ازدواج با من بود، بعد از اطلاع از شغلم، تمایلش به ازدواج با من کم شد. من فکر می‌کنم لازم است که اهمیت شغل ما و ارزش آن برای مردم روشن شود.

● وظیفه شما در مطب چیست؟
○ در این مطب، من ۴۰ هزار پرونده ر بایگانی کرده‌ام. دکتر از ساعت چهار به بعد در حدود ۴۰ مریض را ویزیت می‌کند. تاز ملاقات این تعداد بیمار در شرایطی است که من روزانه به بیش از ۱۰۰ نفر پاسخ منفی می‌دهم. معمولاً بیماران این مطب برای چهار



● مستأجرید؟
○ بله، در دو اتاق زندگی می‌کنیم.
● چقدر اجاره می‌دهید؟
○ ۱۰ هزار تومان.

● ساعت کارتان چقدر است؟
○ از ۱۰ صبح تا ظهر و از چهار عصر تا هشت شب.

● چقدر حقوق می‌گیرید؟
○ پنج هزار و ۵۰۰ تومان حقوق.
● پس چطور زندگی می‌کنید؟
○ با گرفتاری و قرض و مکافات. همیشه بدهکاریم. دیگر نمی‌دانم چه باید بکنم. زندگی هم‌ماش شده بدبختی.
● در همین مطب، با چقدر حقوق رضایت کامل دارید؟

○ نمی‌دانم. ۱۰ - ۱۵ هزار تومان. جای دیگر دست کم ۱۰ هزار تومان حقوق می‌دهند.

● پس چرا اینجا مانده‌اید؟
○ گرفتارم، خانم. از طرفی هم اینجا محیطش سالم است و به خانم‌ها هم نزدیک است. دست کم پول کرایه ماشین نمی‌دهم.

✱

با یک منشی جراح استخوان صحبت

می‌آید، شبی شش - هفت هزار تومان. شبهایی که آی. یو. دی و از این قبیل کارها داریم، تا چهل هزار تومان. به طور متوسط دکتر شبی ۲۵ هزار تومان درآمد دارد.

✱

در مطب دکتر داخلی واقع در خیابان هلال‌احمر، از زرق و برق خبری نیست. اتاق انتظار، فضای نسبتاً وسیعی از ساختمانی قدیمی است. هنگامی که به خانم منشی می‌گویم برای تهیه گزارش آمده‌ام، خنثی نگاه می‌کند. نه تمایل به پنهان کردن مطلبی دارد و نه اشتیاقی به بازگویی موضوعی. کوتاه و مختصر جوابم را می‌دهد. چهل ساله و متأهل است و سه فرزند دارد.

● شوهر شما چه کاره است؟
○ فعلاً بیکار است.
● قبلاً چطور؟
○ جوشکار بود.
● فرزندان‌تان چه می‌کنند؟
○ پسر بزرگم ازدواج کرده و دو پسر دیگرم سربازند.

● پس در خانواده فقط شما شاغلید؟
○ بله، شوهرم دنبال کار است. به سرباز هم که کار نمی‌دهند.

● دکتر ارتوپد: «وقتی ما که تحصیل کرده‌ایم، زیر بار گرانی خم شده‌ایم، نباید در مورد تأمین مالی منشی محتاط و حسابگر شویم.»

یا پنج ماه بعد وقت می‌گیرند.

● بیماران از اینکه شما این قدر دیر به آنها وقت می‌دهید ناراحت نمی‌شوند؟

○ این موضوع واقعاً ربطی به اهمال یا کم لطفی من نسبت به بیمار ندارد. من اگر مدیریت کافی نداشته باشم، حتی همان ۴۰ نفر هم عملاً موفق نمی‌شوند پیش دکتر بروند.

● خوب اگر بیماری در همان لحظه به پزشک نیاز داشت چه باید بکند؟

○ در مورد بیمارهای اورژانس، وضع فرق می‌کند. در مطبی که روزانه ۱۵۰ نفر وقت می‌خواهند؛ تنها راه، رعایت نوبت است.

● چنین استدلالی تا چه حد از نظر بیماران قانع کننده است؟

○ در تمام مطبهای شلوغ واقعاً راه دیگری وجود ندارد. بیماران خودشان باید به این موضوع توجه کنند اما ظاهراً قانع نمی‌شوند و دست آخر برای ما مشکل ایجاد می‌کنند.

● چگونه؟

○ با انواع و اقسام روشها، مثلاً تهدیدهای شفاهی یا فحاشیهای تلفنی. گفتش دردناک است اما بعد از اداره کردن مطبی که جای سوزن انداختن ندارد، این چنین در معرض فرسایش عصبی قرار گرفتن، کم لطفی بعضی بیماران است.

● دکتر را در جریان این برخوردها قرار داده‌اید؟

○ نه، دانستن یا ندانستن او که مشکلی را حل نمی‌کند.

● در حال حاضر از حقوقتان راضی هستید؟

○ من الان ۱۰ هزار تومان حقوق می‌گیرم. گرچه از نظر مالی کاملاً بی‌نیاز نیستم ولی هنوز جنبه مالی شرط اولم نیست.

● خودتان با چقدر حقوق موافقید؟

○ حقوقی که من می‌گیرم حتماً جای زیاد شدن دارد اما دکتر همیشه از جنبه‌های دیگر به کار و مسائل من توجه کرده‌اند. وقتی درخواست وام کردم، بلافاصله موافقت کردند و بعد هم مطلقاً حاضر به تسویه حساب نشدند. گاهی، زمستانها که مطب شلوغ است

و من مجبورم بیشتر بمانم، دکتر برای بازگشت من به خانه آژانس می‌گیرند تا در کوچه و خیابان مشکل پیدا نکنم. حمایت‌های معنوی هم که دیگر قیمت ندارد. ایشان همیشه در انتظار آن گونه رفتار می‌کنند که گویی بخشی از موفقیت شغلیشان بستگی به حضور من داشته‌است.

● پس شما از کاری که می‌کنید کاملاً راضی هستید؟

○ من نسبت به بیشتر همکارانم رضاع خوبی دارم، اما خیلی از آنها واقعاً مشکل دارند. دوست نزدیک من که برای دو پزشک کار می‌کرد و به سختی تحت فشار مالی بود، اگر در ازدحام مطب یادش می‌رفت از یک مریض ویزیت بگیرد، مجبور می‌شد یک چهار



راه دنبال بیمار بدود و اگر ناموفق برمی‌گشت، دکتر از حقوقش کم می‌کرد. این خانم زمانی که از پزشکان کارفرمایش درخواست افزایش حقوق کرد، هر پزشک ۲۵۰ تومان به حقوقش اضافه کرد!

● حقوق آن خانم چقدر بود؟

○ از دو پزشک پنج هزار تومان می‌گرفت که بعد شد پنج هزار و ۵۰۰ تومان. نتیجه اینکه نماند و رفت.

*

یکی از واحدهای ساختمان پزشکان

واقع در خیابان مطهری، در ساعت پنج بعدازظهر، مملو از بیمار است. آقای منشی، در میان بقیه بیماران خسته، روی پله‌های مقابل در ورودی مطب، به انتظار نشسته است:

○ دو ساعت است که منتظرم.

● وقت قبلی داشتید؟

○ بله.

● می‌دانید چه وقت باید دکتر را ببینید؟

○ نه.

● با خانم منشی در این مورد صحبت نکردید؟

○ چرا، ولی این خانم آن قدر بداخلاق است که آدم جرأت نمی‌کند حرفی بزند. خوب اگر قرار است دکتر ساعت هفت مرا ببیند، چرا به من ساعت پنج وقت می‌دهد؟

● به نظر شما در این میان مقصر کیست؟

○ دکتر که تقصیری ندارد. بی‌توجهی از منشی است.

*

خانمی با کودکی در آغوش، در مطب پزشک اطفال منتظر است. می‌پرسم:

● این مطب همیشه شلوغ است؟

○ نمی‌دانم. اولین بار است که به اینجا می‌آیم.

● چرا به دکتر قبلی مراجعه نمی‌کنید؟

○ آنجا هم شلوغ بود، هم منشی کم حوصله و بداخلاقی داشت.

● یعنی شما به خاطر بداخلاقی خانم

منشی، دکترتان را عوض کردید؟

○ تقریباً. از منشی قبلاً وقت می‌گرفتم اما هر وقت که می‌رفتم، باید با بچه مریض، ساعتها معطل می‌شدم. یکبار در سالن انتظار بچه‌ام را بغل کرده و منتظر ایستاده بودم. بچه‌ام به تابلوی روی دیوار دست زد. خانم منشی عصبانی شد و در حضور همه به من پرخاش کرد.

● راجع به این برخورد با پزشک صحبت نکردید؟

○ والا خود آقای دکتر هم آن قدر سرسنگین و بی‌حوصله بود که جرأت نکردم

● خانم منشی: «پزشک کارفرمای من مناعت طبع زیادی دارد و قدرشناس است و توجه و دقتم از دید او پنهان

نمی‌ماند.»

شوند.

به بیماران وقت دهد و خلاصه باید مطب باز باشد.

*

● منشی شما وظیفه دستکاری هم دارد؟

○ گاهی به من کمک می‌کند.

● الان مثل اینکه مطب شما منشی ندارد؟

○ مدتی خواهرم، منشی مطبم بود که ازدواج کرد و رفت. بعد هم شخص دیگری را آوردم که او هم با تغییر محل سکونتش دیگر به کار در مطب ادامه نداد. در حال حاضر هم منشی ندارم.

● خوب اگر فکر می‌کنید کار منشی

چندان مهم نیست و فقط صرف هزینه اضافه است چرا منشی استخدام می‌کنید؟

○ مسلماً هر مطبی به منشی احتیاج دارد.

اما آنها هم نباید زیاد پر توقع باشند.

● یعنی درخواست یک حقوق معتدل

پرتوقعی است؟

○ ببینید، پزشکانی هستند که در شمال

شهر مطب دارند. صبح و عصر هم کار می‌کنند و تخصص‌هایشان هم امکان درآمد

خوبی را میسر می‌کند، ولی این موضوع

عمومیت ندارد. با اوضاع و ازیتهای فعلی، معمولاً درآمدهای چشمگیری وجود ندارد و

منشی یک دکتر ارتوپد در این مورد می‌گوید: «اصلاً منشی باید انگیزه و علاقه داشته باشد، منشیهایی که با بیماران برخورد منفی دارند، به طور حتم فاقد این انگیزه هستند.»

● خود شما تا حالا چنین برخوردهایی با بیماران نداشته‌اید؟

○ به هر حال در کار ما، همه نوع برخوردی به وجود می‌آید. من فقط یک بار از

دست بیمار عصبانی شدم. آن هم به این دلیل

بود که آن شخص مدعی شد من بیماری را بدون نوبت پیش دکتر فرستادم. به آن بیمار

گفتم: من تنها چیزی که می‌توانم به شما بدهم، صداقتم است. وقتی صداقت مرا باور

نداشته باشید، واقعاً می‌رنجم. امکان ندارد

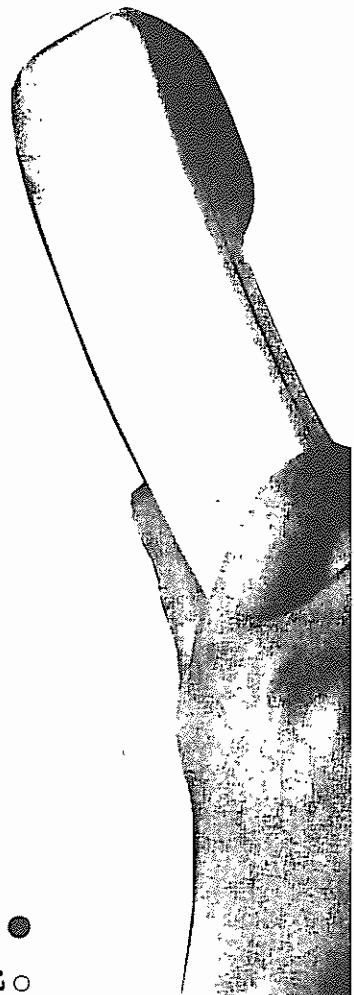
بیماری را حتی اگر فامیل یا آشنای دکتر باشد، بدون نوبت راه بدهم. بنابراین در مقابل

چنین بهتانی، طبیعتاً ناراحت می‌شوم.

*

● بیمه هستید؟

○ نه، من در اینجا هیچ امکانی ندارم. گاهی حتی از پس دوا و دکتر بچه‌هایم هم بر نمی‌آیم.



◀ استدلال پزشکان

با تنی از پزشکان هم به گفت‌وگو نشستیم تا ببینیم آنها بر اساس چه ضوابطی منشی خود را انتخاب می‌کنند، چه توقعاتی از آنها دارند و دلایشان برای تعیین میزان حقوق آنها چیست.

دکتر دندانپزشکی می‌گوید: «من ترجیح می‌دهم که منشی‌هایم از میان بازنشستگان دولت باشند. در این صورت از پرداخت حق بیمه آنان معاف خواهیم بود!»

● چنین افرادی انرژی لازم برای اداره مطب را دارند؟

○ بله. منشیگری کار چندان دشواری نیست.

● منشی شما چه ساعتی به مطب می‌آید؟

○ معمولاً قبل از من می‌آید. چون باید تا حدودی وسایل کار مرا منظم کند و در ضمن

حرفی بزمن و دوباره سرزنش شوم.

*

منشی جراح مغز و اعصاب در مورد نحوه ارتباط با بیماران می‌گفت: شاید از نظر بیماران، من زیاد خوش برخورد نباشم. رفتار من با بیماران همیشه توأم با رعایت فاصله بوده است. احساس می‌کنم بیماران خوششان می‌آید با منشی اختلاط و درد دل کنند. من ترجیح می‌دهم بیش از نیاز کاریم با کسی مرتبط نشوم.

● رفتار صمیمانه با بیماران چه اشکالی دارد؟

○ اول از همه مریض توقع پیدا می‌کند که به محض ورودش ویزیت شود یا مثلاً هر وقت زنگ بزند، فوراً وقت بگیرد. بیماران معطل

ما هم باید از صرف هزینه‌های اضافه پرهیز کنیم.

● مگر دندانپزشکی درآمد ندارد؟

○ درآمدها ارتباط مستقیم با گرانی و تورم دارد. قیمت مواد مورد نیاز دندانپزشکی نسبت به سال گذشته ۱۰ برابر شده است.

● شما که روند رشد گرانی را ظرف

یکسال، ۱۰ برابر تخمین می‌زنید؛ فکر نمی‌کنید همین تورم و گرانی در زندگی منشی شما هم موثر بوده است؟

○ من شتاب افزایش قیمت‌ها را به طور

مستقیم روی دستمزد بیماران تأثیر ندادم. من

نمی‌توانم دندان‌ها را که پارسال مثلاً با ۳۵۰

تومان می‌کشیدم، یکمترتبه به دوهزار تومان افزایش دهم یا نرخ پر کردن دندان را ۱۰

برابر کنم.

● در حقیقت رعایت بیماران را



کرده‌اید؟

○ بله، به طور حتم.

● شما که بر رضایت تک تک بیماران تأکید دارید، ناراضی‌منشی را بی‌اهمیت قلمداد می‌کنید؟

○ ببینید مطب یک محل خصوصی است و یک پزشک باید در جهت رضایت بیمار تلاش کند. من اگر با رشد تورم، قیمت‌ها را بالا ببرم؛ بیماران پراکنده خواهند شد.

● یعنی فکر می‌کنید منشی شما باید جوابگوی این تورم باشد؟

○ نه. من مقدار زیادی از توژم را با اضافه‌کاری و حذف بعضی از هزینه‌های مطب جبران کرده‌ام، مانند صرف‌نظر کردن از منشی. هر کسی، از جمله یک منشی، از کارش انتظار تأمین مالی دارد. وقتی سوددهی درآمد مطب به اندازه‌ای نیست که من بتوانم منشی را از این جهت راضی کنم، ترجیح می‌دهم از داشتن منشی صرف‌نظر کنم.

● منشی‌های شما بیمه بوده‌اند؟

○ من فکر می‌کنم بهتر است به جای پرداخت بیمه‌ای که در نهایت اداره بیمه از آن

در مورد منشی‌های مطب ضروری است.

*

○ یک متخصص کودکان می‌گوید: «یک منشی خوب باید بتواند با بیمارانی که فرهنگ‌های مختلفی دارند، ارتباط برقرار کند و کنار بیاید.»

● این سازش، به نظر تان تا چه حد قابل حصول است؟

○ البته آسان نیست.

● پس کار آنها تا این حد حساس است؟

○ بله. مسلم است. یک منشی خوب بر تمام امور مطب یک پزشک نظارت دارد.

● با توجه به حساسیت کار منشی‌گری، آیا فکر می‌کنید آنها نباید از کاری که می‌کنند توقع مالی داشته باشند؟

○ من توقع مالی را در اینجا نسبی می‌بینم. ممکن است خانمی با هشت هزار تومان حقوق، بر اساس روحیه یا نیازش، قانع نشود و خانم دیگری با همان میزان کار، با حقوق کمتر راضی شود. اما نکته مهم در اینجا درآمد خود پزشک است.

● چه طور؟ مگر درآمد پزشکان کم

ارتباط نزدیک با جریانات علمی روز باشد. من برای شرکت در کنگره علمی خارج کشور که لازمه کارم است مجبور شدم حدود یک میلیون تومان برای ۱۰ روز هزینه بردارم. آیا انتظارات مالی خود پزشک که درگیر مستقیم با مشکلات بیماران است و ۳۰ سال درس خوانده است، تأمین شده که منشی چنین انتظاری دارد؟

● و تاوان را باید منشی شما بردازد؟

○ توجه کنید که منشی‌گری شغل دوم افراد است و هیچ‌کس از حقوق منشی‌گری نباید انتظار تأمین زندگی را داشته‌باشد. من با شناختی که از امکانات مالی پزشکان دارم؛ هیچ جایی برای این طلبکارها و اظهار نگرانی‌های نابجا نمی‌بینم چون این طرف قضیه هم خالی است.

*

یک متخصص قلب می‌گوید: «مسأله این است که کلاً یک پزشک، از ساعت دوونیم بعدازظهر تا ساعت ۱۰ شب کار می‌کند. اجاره مطب و بقیه هزینه‌ها که از کل درآمدش

● در این مطب فقط منشی هستید؟

○ نوار قلب هم می‌گیرم و به کارهای مطب، مثل پرداخت قبض آب و برق و نظافت نظارت هم دارم.

ذی‌نفع می‌شود؛ پول بیمه را به خود منشی بدهم.

● اما این کار در دراز مدت به نفع خود منشی نیست. برای شما چه فرق می‌کند که پول را به چه کسی بدهید؟

○ منشی‌ها به طور حتم به پول‌هایی که از مردم می‌گیرند و به دست پزشک می‌دهند، توجه می‌کنند. اینکه یک پزشک مجبور به پرداخت اجاره بهای مطب، تهیه مواد اولیه و بسیاری هزینه‌های دیگر است، از نگاه منشی‌ها پنهان می‌ماند. مطب من در هفته، دو روز تعطیل است و ساعات کاریم هم محدود است. منشی من اگر در محل دیگری، هفته‌ای ۴۰ ساعت کار کند، کارفرمایش باید همین بیمه و مالیاتی که من موظف به پرداخت هستم، بردازد. بنابراین مثلاً تغییر قوانین بیمه

است؟

○ با شتاب گرانی موجود و نظارت شورای اقتصاد بر نرخ ویزیتها و احتساب مالیات و اجاره مطب و هزینه‌های دیگر، درآمد یک پزشک کاملاً قابل برآورد است.

● خوب مگر منشی‌ها هم با همین تورم و گرانی مواجه نیستند؟

○ خطای عمده آنجاست که همه از پزشک انتظار دارند چاره‌جو و مشکل‌گشا باشد و به تنهایی همه مشکلات دیگران را حل و فصل کند، در حالی که هیچ‌کس به پزشک فکر نمی‌کند. من به عنوان کسی که قرار است بیمار، مداوا و معالجه کنم و آدم نجات بدهم، نیاز به امکاناتی دارم که همه به شکل فشار مالی، تحمیل کننده است. یک پزشک با مشکلات مالی، مطب راه می‌اندازد ولی هنوز هم باید مطالعه‌ای همه جانبه داشته‌باشد و در

کسر می‌شود، می‌بیند که درآمدش، نه قابل مقایسه با ساندویچی بغل مطب است، نه با درآمد آهنگر محل و نه با بسیاری از بیماران خودش برابری می‌کند.

● منشی خود را چگونه انتخاب می‌کنید؟
○ ما از میان همین دیپلمه‌هایی که بیکار هستند و می‌آیند یکی - دو سال منشی هستند و بعد شوهر می‌کنند و می‌روند، منشی پیدا می‌کنیم. پول بیمه‌شان را می‌دهیم و مالیات هم می‌دهیم. منشی‌گری اصلاً کار موقتی است. درآمد ما واقعاً زیاد نیست. آنها هم به محض اینکه کار بهتری پیدا کنند، می‌گذارند و می‌روند.

● منشی شما، دستیار شما هم هست؟

○ بله در بعضی امور، کارهایی انجام می‌دهد.

● برای اجتناب از هزینه‌های اضافی، از





● کارت‌ان چه جاذبه‌ای داشت که ماندگار شدید؟

○ از نوع کارم خوشم می‌آید چون با مردم ارتباط دارم.

منشی صرف‌نظر نمی‌کنید؟

○ کار مطب که بدون منشی انجام نمی‌شود!

● در حال حاضر به منشی‌تان چقدر حقوق می‌دهید؟

○ منشی باید روزانه هشت ساعت کار کند تا مطابق قانون وزارت کار، مبلغ تعیین شده‌ای بگیرد، یعنی حدود ۱۱ هزار تومان. اما منشی من با وجودی که روزانه هشت ساعت کار نمی‌کند، تلاش کرده‌ام حقوقش را به حقوق قانونی برسانم و حق بیمه‌اش را هم به طور مجزا می‌پردازم.

✱

با دکتر ارتوبدی به گفت‌وگو نشستیم. وی عقیده داشت: «ممکن است قانون یا وزارت کار، میزانی را به عنوان حقوق برای منشیها در نظر گرفته باشد، اما توجه کنیم که این میزان حداقل دستمزد است و یک منشی هم مانند هر فرد دیگری به هر حال در شرایط فعلی این جامعه زندگی می‌کند و باید بتواند تا حدودی مشکلات خود را رفع کند.

● چرا فکر می‌کنید یک پزشک باید به مسائل و مشکلات منشی‌اش توجه داشته باشد؟

○ پزشکی که نسبت به مسائل رفاهی منشی‌اش بی‌تفاوت است، پزشک موفقی نیست. بعضی پزشکان سالی یکی - دو بار منشی عوض می‌کنند. تصور من این است که منشی، عامل بخشی از موفقیت مطب، چه در مورد بیمارها و چه برای خود پزشک است. بنابراین حتی اگر بخواهیم، گرانی را بهانه قرار دهیم، قضیه توجیه نمی‌شود. وقتی ما که جزء تحصیلکرده‌ها هستیم و همه فکر می‌کنند باید درآمد و رفاه بسیار خوبی داشته باشیم؛ زیر بار گرانی خم شده‌ایم، نباید وقتی نوبت به تأمین

مالی منشی‌مان رسید، محتاط و حسابگر شویم و خیال کنیم که او فقط برای سرگرمی کار می‌کند یا کارش ساده و بی‌مسئولیت است.

● از منشی‌تان چه توقعی دارید؟

○ اصلاً فکر اینکه منشی باید مریض جلب کند، فکر درستی نیست. ما از منشیها چنین انتظاری نداریم. وظیفه منشی تفهیم ارزش زمان به بیماران است. ما فقط از منشی انتظار داریم که در برخورد با مریض بتواند به او آرامش و اعتماد به نفس دهد و وقت را تنظیم کند.

● تا حالا شده که مریضهای شما از برخورد منشی‌تان به شما گله کنند؟

○ بله. در طول سالهای طبابتم چنین مواردی هم بوده‌است. البته غالباً مریضهای آشنا به خودشان اجازه چنین کاری می‌دهند. به هر حال بیماران، پزشک خود را به خاطر یک یا دو برخورد اشتباه منشی رها نمی‌کنند. اما طبیعی است که من هم مایلم مریضهای من احساس راحتی کنند و وقتی به مطب من می‌آیند مشکلی نداشته باشند.

● در مقابل این گله‌ها شما نسبت به منشی چه عکس‌العملی نشان دادید؟

○ هیچ. معمولاً پس از مدتی کار با منشی، دقیقاً خلق و خوی او را می‌شناسم و بیشتر در این میان، بیماران را مقصر می‌دانم. زیرا عمده شکایات بیماران، در مورد وقت دادن و منتظر ماندن است. یک منشی در روز با انواع روحیات و حتی زیاده‌خواهیها مواجه می‌شود. بالاخره او هم یک انسان است. گاهی خسته‌تر است و گاهی صبورتر.

● به منشی‌تان چقدر حقوق می‌دهید؟

○ این را از خود خانم منشی پرسیدم. از ایشان خواهم پرسید، لطفاً شما هم بگویید.

○ ۲۰ هزار تومان. با بیمه‌ای که می‌پردازم در حدود ۲۵ هزار تومان.

● اجازه می‌دهید با خانم منشی‌تان هم صحبت کنم.
○ با کمال میل.

✱

خانم منشی گرچه در جریان مستقیم موضوع گزارش نبود اما با رغبت پیشنهاد مصاحبه را پذیرفت. هنگامی که از انگیزه‌هایش برای انتخاب این شغل پرسیدم، پاسخ داد: «من در کنار نیازی که به درآمد مالی دارم، به فعالیت اجتماعی نیز علاقه‌مندم. ۱۸ سال است که دیپلم گرفته‌ام و فقط در دو جا کار کرده‌ام.»

● در حال حاضر از کارت‌ان رضایت دارید؟

○ کاملاً. من در همکاری با دکتر و از طرفی به خاطر نوع کارم بینش و تفکر روشنی پیدا کرده‌ام و از حیث درآمد هم کاملاً راضیم.

● حقوق‌تان چقدر است؟

○ با بیمه، ۲۵ هزار تومان.

● در کنار منشی‌گری، دستیار هم هستید؟

○ نه. دستیار پزشک باید تخصص داشته باشد. من به بیماران وقت می‌دهم و تنها در سالن انتظار با آنان مرتبطم. این را هم اضافه کنم که خودم می‌دانم دستمزد از حقوق متعارف همکارانم بیشتر است.

● از اول به این کار علاقه‌مند بودید؟

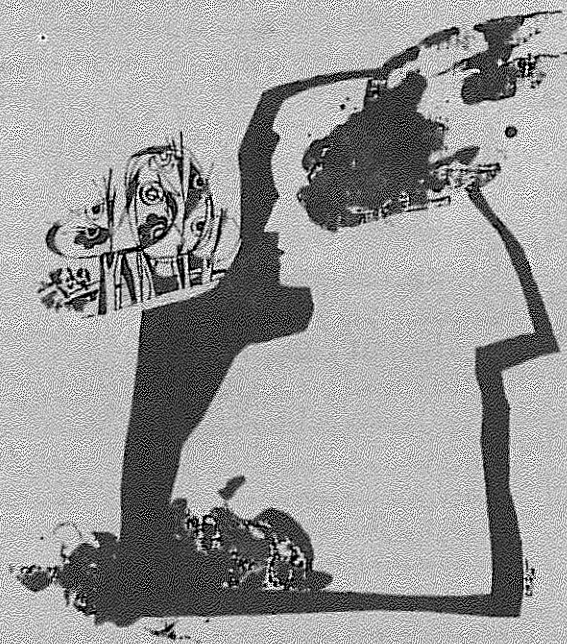
○ قبلاً تصور می‌کردم منشی‌گری کاری کسالت‌آور و بی‌تحریک است. اما پس از مدتی کار در فضای اینجا، فهمیدم که به تعداد بیماران، روحیات و مشکلات مختلف وجود دارد و شخص در موقعیت منشی به وضوح این تفاوتها را می‌بیند و می‌تواند با بیماران و نوع کارش برخورد فعالی داشته باشد.

● از ابتدا با حقوق بالا استفاده شدید؟

شهرین حنانه

آخرین قطار

گفتی که می آیم
در یک غروب
با آخرین قطار
تا آخرین ایستگاه
تا تو
من رنگهای سرخ را
برابرها می باشم
شاید تو زودتر برگردی ■



○ نه. تدریجاً اضافه شد.

● فکر می کنید چرا حقوقتان نسبت به دیگران زیاد است؟

○ پزشک من مناعت طبع زیادی دارد و قدرشناس است. در مقابل، من هم منشی وظیفه شناسی بوده ام و دلسوزانه کوشیده ام توجه و توانم را معطوف به مطب و بیماران کنم. منشیگری، کار ساده ای نیست. به هر حال روحیه ای خاص می طلبد.

● چه کارهایی در مطب به عهده شماست؟

○ من خودم مایلم که بر یک سری کارهای مطب نظارت کنم و البته این را بگویم که توجه و دقتهای این چنینی، از دید دکتر پنهان نمی ماند و طبعاً او هم رعایت مرا می کند.

● رابطه شما با بیماران چگونه است؟

○ بسیار عادی. بیماران را دوست دارم.

● بیماران چه تصویری در مورد کار شما

و خودتان دارند؟

○ بسیاری از همراهیهای من با دکتر، داوطلبانه است. در مورد بیماران هم همین روحیه را دارم. گاهی حتی به بیمارانی که در بیمارستان بستری می شوند، سر می زنم و آنها هم از دیدنم خوشحال می شوند. آنها حس قلبی مرا به خوبی درک می کنند و در رفتارشان، این باور را نشان می دهند. بیماران شهرستانی، که اکثراً باغدار و کشاورزند، گاهی که به دیدن دکتر می آیند، برای من میوه سوغات می آورند. اینکه بیمار در شهر یا روستایش به فکر من بوده است، برایم دلچسب و لذتبخش است. من فکر می کنم مردمی که به اینجا می آیند، مشکل دارند. حداقل این است که دردمندند و به کمی مدارا نیاز دارند و معمولاً پاسخ این مدارا را با لطف و محبت می دهند ■

خبر

◀ پست قضاوت برای بانوان فارغ التحصیل رشته‌های قضایی

اخیراً لایحه‌ای به مجلس شورای اسلامی برده شده که طبق آن بانوان می‌توانند با پستهای قضایی در دادگاهها استخدام شوند. بنا به اظهارات مدیر کل کارگزینی دادگستری کل کشور با تصویب این لایحه طی دو ماه آینده، بانوان فارغ التحصیل در رشته‌های قضایی به عنوان مشاور محقق در دادگاهها مشغول به کار خواهند شد. تاکنون تنها ۴۰ نفر از بانوان فارغ التحصیل رشته‌های قضایی به صورت قراردادی در دادگاهها به کار مشغولند.

◀ طرح بازنستگی زنان کارگر

کلیات طرح بازنستگی زنان کارگر با ۲۰ سال سابقه کار به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. براساس این طرح، زنان کارگر همچون زنان کارمند پس از ۲۰ سال کار، بدون شرط سنی می‌توانند بازنشسته شوند.

بنا به گفته مدیر عامل سازمان تأمین اجتماعی این طرح در مرحله اول ۱۵ هزار زن کارگر را شامل می‌شود و بالغ بر ۲۰۰ میلیارد تومان برای صندوق تأمین اجتماعی هزینه در برخواهد داشت. وی همچنین اظهار داشت که پرداخت این هزینه در توان سازمان نیست و از این رو سازمان تأمین اجتماعی برای اجرای طرح مذکور نیاز به مشارکت دولت دارد. کلیات لایحه مزبور فعلاً به

تصویب رسیده است و قرار است جزییات آن در شور دوم مجلس به بحث گذاشته شود.

◀ نمایشگاه سفال و نقاشی نابینایان

دومین نمایشگاه سفال و نقاشی دانش آموزان مدرسه دخترانه نابینایان تهران در فرهنگسرای آزادی برپا شد.

این نمایشگاه پانزدهم شهریور افتتاح شد و تا پایان شهریور که خاتمه یافت، همچنان مورد استقبال تماشاگران قرار گرفت.

در این نمایشگاه ۲۸۰ اثر سفال و ۲۰۵ تابلوی نقاشی با مضامینی چون طبیعت بی‌جان، گل و گیاه، تصاویر خیالی از مریبان و معلمان، با عنوان «هستی و طبیعت، در قالبی از نادیده‌ها» به تماشا گذاشته شد.

نخستین نمایشگاه آثار جمعی دختران نابینا، دی‌ماه گذشته در مدرسه دختران نابینا برگزار شده بود. مهوش سپهر و لیلا آشتیانی‌پور، مریبان سفال و نقاشی این دختران نابینا بودند.

◀ معافیت مدهای کودک و مؤسسات توانبخشی از پرداخت مالیات

مجلس شورای اسلامی پس از بررسی لایحه معافیت مالیاتی کلیه مؤسسات خصوصی شاغل در امور مربوط به حمایت و توانبخشی معلولان و ارائه خدمات به عقب‌ماندگان ذهنی و انجام خدمات در شبانه‌روزیها و مهدهای کودک،

ماده واحده آن را به شرح زیر به تصویب رساند:

کلیه مؤسسات خصوصی که با مجوز سازمان بهزیستی کشور امور مربوط به حمایت و توانبخشی معلولان و ارائه خدمات به عقب‌ماندگان ذهنی و انجام خدمات در مراکز روزانه و شبانه‌روزیهای نگهداری معلولین و کودکان بی‌سرپرست را به عهده دارند و همچنین مهدهای کودک از پرداخت مالیات بر درآمد معاف می‌باشند مشروط بر اینکه سازمان مذکور بر درآمد و هزینه آنها نظارت داشته و مؤسسات فوق، حداقل ظرفیت ۱۰ درصد از مددجویان خود را بدون دریافت هرگونه دستمزد به افراد معرفی شده از طرف سازمان بهزیستی اختصاص دهند. این قانون نسبت به عملکرد منتهی به سال ۱۳۷۳ و بعد از آن جاری خواهد بود.

◀ سومین دوره نخست‌وزیری باندرانایکه

خانم سیرینا باندرانایکه برای سومین بار به مقام نخست‌وزیری سریلانکا منصوب شد.

خانم چاندیریکا کوماراتگار که پنج‌شنبه گذشته، از طریق انتخابات به مقام ریاست جمهوری سریلانکا دست یافت؛ مادر خود، سیرینا باندرانایکه را به عنوان نخست‌وزیر برگزید.

سیرینا که ۷۸ سال دارد، پس از ترور همسرش در سال ۱۹۶۰ برای اولین بار به نخست‌وزیری رسید. وی احتمالاً در چند روز آینده به همراه اعضای کابینه این کشور سوگند یاد خواهد کرد.

◀ زنان ورزشکار در هیروشیما

زنان آسیایی در بازیهای آسیایی ۹۴، تقریباً در تمامی رشته‌های ورزشی، حتی وزنه‌برداری و فوتبال که ویژه آقایان است، شرکت جستند و نتایج چشمگیری نیز به دست آورده‌اند.

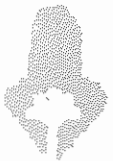
این بازیها نشان داد که زنان آسیایی درصددند در بسیاری از رشته‌ها برتری به دست آورند. در این بازیها تنها ورزشکاری که موفق به کسب پنج مدال طلا شده است، یک زن ژیمناست چینی به نام موکولی لان است که با کسب یک مدال برنز، جمعاً به شش مدال دست یافته است.

◀ یک بازیگر زن فرانسوی و مسئولیت حفظ میراث سینمای جهان

کاترین دونوو، بازیگر سرشناس فرانسوی، از سوی مؤسسه علمی - فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) به عنوان «سفیر حفظ میراث سینمای جهان» برگزیده شد.

این بازیگر ۵۱ ساله، که از ۱۳ سالگی بازیگری را آغاز کرد، در دهه ۱۹۶۰ از معتبرترین ستاره‌های سینمای فرانسه بود. به نظر می‌رسد اعتبار بین‌المللی او، عامل مهمی برای این انتخاب بوده است.

میراث سینمایی جهان، در معرض آسیبهای گوناگون است. در حالی که آمار غیررسمی از نابودی نیمی از فیلمهای تولیدشده در قبل از سال ۱۹۵۰ حکایت می‌کند و گفته می‌شود که نسخه‌ای از آنها موجود نیست، قبول عنوان سفیر حفظ میراث سینمای جهان، وظیفه سنگینی را بر



دوش ری خواهد گذاشت. او از این پس برای پیدا کردن نسخه‌های قدیمی فیلمها به کشورهای مختلف دنیا سفر خواهد کرد.

◀ ترک یک عادت خطرناک

طبق بررسیهای آماری، مرگومیر کودکانی که به روی شکم خوابانده می‌شوند، بیشتر از کودکانی است که به پهلو و یا طاقباز خوابانده می‌شوند.

سالیان دراز به والدین توصیه می‌شد طبق یک روش قدیمی نوزادان خود را به روی شکم بخوابانند تا در صورت برگرداندن شیر، بچه بتواند نفس بکشد و از خفگی نجات یابد. امروزه آمار نشان می‌دهد که مرگ ناگهانی اطفالی که بر روی شکم خوابانده می‌شوند، میزان بالاتری دارد. برای این گفته، هنوز استدلال مشخصی ارائه نشده است و تنها حاصل یک نتیجه‌گیری آمار است. البته طاقباز خواباندن و یا به پشت خواباندن اطفال نمی‌تواند خطر مرگ را صد در صد برطرف کند، بلکه فقط درصد وقوع آن را کاهش می‌دهد.

تنها دلیل مشخص شده برای از بین رفتن این کودکان این است که چون اکثر والدین، بچه‌ها را روی تشک یا بالش نرم و به حالت دَتر می‌خوابانند. در این حالت بچه می‌تواند نفس بکشد اما به دلیل گود بودن بالش یا تشک، در حین تنفس، دی‌اکسیدکربن در اطراف بینی جمع شده و چون راه خروج چندان زیادی ندارد، دوباره با تنفس کودک به داخل ریه فرستاده می‌شود و موجب خفگی او می‌گردد.

◀ بهداشت روانی زنان

بنا به گزارشهای مرکز اطلاعاتی ملبورن و مرکز مشاوره امور بهداشتی، زنان بیش از مردان با مشکلات بهداشت روانی مواجهند و به امکانات بهداشت بیشتری در این زمینه نیازمندند.

این گزارش نشان می‌دهد که فقر، موقعیت اجتماعی پایین و خشونت در خانواده از عوامل افزایش‌دهنده فشار روحی در زنان می‌باشند. زنان در هنگام کودکی بیش از مردان مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند. یک پنجم چنین کودکانی در سنین جوانی، ناسازگاریهای روانی و رفتاری جدی از خود بروز می‌دهند.

این گزارش نشان می‌دهد که حاملگی، فشار روحی مضاعفی را بر زنان وارد می‌کند، سقط جنین و مرده به دنیا آوردن نوزاد نیز اثرات منفی بسیاری بر سلامت و بهداشت روانی آنان دارد.

◀ آنجلازوکوفسکی، رئیس رادیو و تلویزیون بین‌المللی کاتولیکی

آنجلازوکوفسکی که مسئول مرکز ارتباطات مذهبی در ایالت اوهایوی آمریکا، مشاور شورای رسانه‌های جمعی واتیکان و تولیدکننده ویدئو کاست برنامه‌های مذهبی برای کشیهای کاتولیک و مدارس است، به عنوان رئیس سازمان بین‌المللی رادیو و تلویزیون کاتولیکی انتخاب شد.

کنگره جهانی سازمانهای بین‌المللی رسانه‌های جمعی کاتولیکی که تحت عنوان «کرامت انسانی در یک فرهنگ رسانه‌ای» به مدت چهار روز در پراگ برگزار شده بود، برای مدت چهار سال، زوکوفسکی را به عنوان رئیس این سازمان بین‌المللی برگزید. انتخاب یک زن در چنین مقامی، در طول تاریخ مسیحیت بی‌سابقه است.

◀ وضع اسفبار زنان

نپالی

روسپیگری در نپال غیرقانونی است و هیچ مکان مشخصی به نام خانه فساد در این کشور وجود ندارد اما دزدیدن دختران و تجارت زنان در آن ریشه عمیقی دارد و بسیار حادثتر از آن است که در ظاهر به نظر می‌رسد.

تجارت دختران، کار سازمان یافته‌ای است که به دست دلالتان محبت و دیگر خلافکاران انجام می‌گیرد و در سرتاسر نپال گسترش دارد.

دختران کم سن و سال از کوهستانهای دوردست به قیمت گزافی به خانه‌های فساد در شهرهای بزرگ هند فروخته می‌شوند. در حال حاضر حدوداً دو هزار دختر نپالی که تقریباً هشت تا ۱۰ درصد زنان جوان نپال را تشکیل می‌دهند، در خانه‌های فساد هند به سر می‌برند. فقر شدید، زمینه را برای تجارت دختران

مساعدتر کرده است. دختران کم سن و سال و بی‌بیم در خانواده‌های فقیر با امیدهای واهی شغل یر درآمد و ثروت سرشار به دام انداخته می‌شوند و به طور غیرقانونی به خارج از نپال برده می‌شوند. این زنان آلوده به بیماری ایدز و دیگر بیماریهای مقاربتی، در بازگشت به کشور، سلامت عمومی جامعه را تهدید می‌کنند.

پانولین اودی، بانوی سوندی که در بخش نپالی یونسکو کار می‌کند، در آخرین کتابش عمق فاجعه را نشان داده است. او نتیجه پژوهشهای چندین سازمان مددکار اجتماعی نپال را گردآورده و سعی کرده این مسئله را از دیدگاه بازار تحلیل کند. اودی می‌نویسد: «خروج قاچاقی دختران غیرقانونی است و تحمیل روسپیگری به زنان، کاری غیرانسانی می‌باشد که ارزشهای معنوی جامعه نپال را به شدت تهدید می‌کند.»

مؤلف کتاب چنین نتیجه می‌گیرد که: «تمام کشور نپال از عواقب تجارت دختران و در نتیجه سقوط ارزشهای معنوی آسیب خواهد دید، مگر اینکه دولت سیاست جامع و کارآمدی برای مقابله با این مشکل در پیش گیرد.»

این گزارش رسماً در ۳۰ اوت ۱۹۹۳ در یک جلسه مشورتی روزنامه‌نگاران، مددکاران اجتماعی، کارشناسان حقوقی و دانشگاهی منتشر شد. جلسه مذکور برای بحث در مورد یافته‌های گزارش فوق تشکیل شده بود.



● مهدکودک، زمینه وجود بچه‌های دیگر را در محیط اطراف برای بچه اول عادیتر می‌کند و او می‌تواند نکات مثبتی را که در خلال بازی یا برخورد با همسالان خود می‌آموزد، در روابط خواهر و برادری خود نیز به کار گیرد.

آمارهای به دست آمده، به این نتیجه رسیده‌اند که افراد مشهور جهان اکثراً فرزند اول خانواده بوده‌اند. فرزندان ارشد غالباً کمال‌گرایند، آرمانها و اهداف بزرگی در سر می‌پرورانند، معمولاً می‌توانند رهبران خوبی باشند و بیشتر گرایش دارند که مثلاً وکیل مدافع باشند تا یک شاعر.

امروزه، به ویژه سه عامل، مشخصه‌های شناخته‌شده مربوط به بچه‌های ارشد را کاملاً تحت‌الشعاع قرار داده است. اولین عامل،

جواب او متوجه شدم که فکرها و ایده‌های بزرگی در سردارد. می‌خواست «رئیس جمهور» شود. چه کسی! پسر کوچکی که حتی نمی‌تواند توپ فوتبالش را درست کنترل کند. حتی شک داشتم که بتواند در آینده رئیس یک اداره کوچک شود، چه رسد به رئیس جمهور. اما بعدها بیشتر در رفتار او دقیق شدم و فهمیدم که پسر می‌تواند مرد موفقی شود. بیش از یک قرن است که محققان طبق

امروزه با افزایش تعداد مادران شاغل و تعداد کودکان در مهدکودکها، شکل‌گیری شخصیت فرزند ارشد، به ویژه در سالهای اول رشد دچار تحولاتی شده‌است. باید دید که این تحولات چگونه بر شخصیت این کودکان تأثیر می‌گذارد. ❏

روزی با پسر ده‌ساله‌ام در مورد کارها و مشاغل مختلف حرف می‌زدیم. از او پرسیدم که دلش می‌خواهد بعدها چه کاره شود؟ از

بچه بزرگتر!

لیندا بورنستین
ترجمه ندا سهیلی



● یکی از دلایل پیچیدگی شخصیت فرزند ارشد، این است که والدین از او انتظارات فراوانی دارند. آنها انتظار بیشتری دارند و کودک تلاش بیشتری به خرج می‌دهد.



مادران شاغل است که تعدادشان روبه فزونی است. بچه روزه‌روز توجه کامل و دقیق مادر را از دست می‌دهد. عامل دوم تمایل والدین به داشتن فرزند کمتر است که موجب می‌شود فرزند کوچکتر نیز به اندازه فرزند ارشد مورد توجه و رسیدگی قرار گیرد. عامل سوم ازدواج مجدد والدین است که در آن صورت موقعیت بچه ارشد تا حد زیادی تغییر خواهد کرد.

مادران شاغل

در زمانی نه چندان دور، که مادران بیشتر در خانه می‌ماندند تا بچه‌هایشان را بزرگ کنند، بچه‌های اول اغلب تماس کمتری با سایر کودکان داشتند و به جز مواردی که با عموزاده‌ها یا خاله‌زاده‌ها، دوستان و یا همسایه‌ها برخورد داشتند، دنیای آنها تا حد زیادی با دنیای افراد بزرگسال آمیخته بود. در نتیجه این کودکان می‌آموختند که رفتار و منش بزرگ‌ها را تقلید کنند و مانند آنان رفتار کنند و بی‌جهت نیست که مردم غالباً فرزند اولشان را «پخته‌تر» می‌دانند. امروزه چون بسیاری از مادران شاغلند، بچه اول معمولاً مهدکودک می‌رود و در آنجا مدام با بچه‌های دیگر در تماس است. محققین می‌گویند بچه‌هایی که این گونه بزرگ می‌شوند، شباهت بیشتری به خواهر و برادر کوچکتر خود دارند. آنها می‌آموزند که جهان را از چشم سایر کودکان نظاره کنند و تمایل کمتری به تقلید رفتار بزرگ‌ها دارند و دلشان نمی‌خواهد بیشتر وقت خود را با بزرگ‌ها بگذرانند. کودکانی که روزی در مهدکودک می‌گذرانند، از سنین پایین مهارت‌های اجتماعی بیشتری از قبیل شراکت با سایرین و کارهای گروهی کسب می‌کنند. تحقیق در مورد خردسالان نشان می‌دهد که بچه‌های ارشد که در مهدکودک بزرگ شده‌اند، ورود خواهر یا برادر جدید را بهتر و راحت‌تر می‌پذیرند. در واقع محیط‌هایی مانند مهدکودک، زمینه وجود بچه‌های دیگر را در محیط اطراف برای بچه اول عادیتر می‌کند و او می‌تواند نکات مثبتی را که در خلال بازی یا برخورد با همسالان خود می‌آموزد، در رابطه خواهر و برادری خود نیز به کار گیرد.

خانواده کوچکتر

پدر و مادرها معمولاً آرزوها و خواسته‌هایشان را در فرزند ارشد متجلی می‌بینند، خصوصاً اگر این فرزند پسر باشد. بچه ارشد همیشه به طور خاص مورد توجه و محبت قرار می‌گیرد، از آموزش‌های ویژه بهره می‌برد و از آنجایی که موفقیت او در خانواده بازتاب زیادی دارد، همیشه تحت فشار است تا هرکاری را به نحو احسن انجام دهد.

اکنون خانواده‌ها، نسبت به سابق، فرزند کمتری دارند. در واقع والدین به این نتیجه رسیده‌اند که بهتر است با داشتن بچه کمتر، توجه و رسیدگی خود را به طور یکسان بین کودکان خود تقسیم کنند. امروزه بچه‌های دوم و حتی سوم نیز توجه زیادی می‌بینند، مانند رفتن به کلاس موسیقی یا زبان و داشتن امکانات کمک درسی، درست به اندازه بچه اول. به همین خاطر است که پدر و مادر می‌توانند بر تکالیف همه بچه‌ها نظارت داشته باشند و دروس آنها را کنترل کنند و بدین ترتیب فرزندان دوم و سوم نیز می‌توانند به اندازه فرزند ارشد، موفقیت کسب کنند.

ازدواج مجدد

زندگی در خانواده‌ای که یکی از طرفین ازدواج مجدد داشته، ممکن است خصوصیات و موقعیت بچه اول را تغییر دهد. زمانی که هریک از والدین، بچه خود را به زندگی جدید وارد می‌کنند، ترتیب تولدها به هم می‌ریزد و این امر خواه‌ناخواه نتایج خاصی به بار می‌آورد.

خانمی می‌گفت: «زمانی که ما ازدواج کردیم چون شوهرم یک دختر بزرگ داشت، دختر بزرگ من در مقام دوم قرار می‌گرفت. او بین بزرگتر و کوچکتر گم می‌شد و این حالت، اعتماد به نفس او را به شدت خدشه‌دار کرده بود.»

این جریان وقتی پیچیده‌تر می‌شود که والدین جدید بخواهند فرزند جدیدی نیز داشته باشند. نوزادی که با این شرایط متولد می‌شود، برای این پدر و مادر حکم فرزند ارشد را دارد اما به گونه‌ای متفاوت. زمانی که بچه جدید به دنیا می‌آید، کودک یا کودکان دیگری هم در محیط هستند که نیاز به توجه و

محبت دارند. مادرانی که از ازدواج سابق خود فرزندان دارند، غالباً به فرزند جدیدشان وابستگی خاصی پیدا می‌کنند. حتی گاهی احساس می‌کنند دقیقاً هیجانانگیز بچه اول را دارند. در واقع بچه‌ای که پس از ازدواج مجدد به دنیا می‌آید، اکثراً مانند بچه دوم رفتار می‌کند. او سعی دارد رفتار بچه بزرگتر را تقلید کند و عیناً مانند او باشد.

مشخصه‌های پایدار

علی‌رغم تغییراتی که در خانواده‌های امروزی رخ داده است، نتایج تحقیقاتی که در مورد خصوصیات فرزند ارشد در صد سال اخیر صورت گرفته، همچنان به قوه خود باقی است. برخی خصوصیات ویژه فرزندان ارشد چنین است:

کسب پیروزی: یکی از دلایلی که فرزند ارشد شخصیت پیچیده‌ای دارد، این است که آنهایی که برای بار اول پدر و مادر می‌شوند از کودک خود انتظارات فراوانی دارند. البته این بدان معنی نیست که پدر و مادر عمداً سعی دارند کودک را تحت فشار قرار دهند.

در واقع بی‌تجربگی و ذوق‌زدگی باعث می‌شود که والدین به نوعی فکر کنند بچه ارشدشان قادر است هرکاری را انجام دهد. طبیعتاً کودک هم می‌خواهد آنها را راضی کند و به خواسته‌های آنان جامه عمل بپوشاند. بدین ترتیب گردش دایره‌وار شروع می‌شود: انتظار بیشتر، تلاش بیشتر.

مسئولیت‌پذیری: زمانی که کارهای خانه را تقسیم می‌کنیم، کدام یک از اعضای خانواده می‌تواند با اطمینان خود را کسی بداند که پدر و مادر مشکلترین کارها را به او سپرده‌اند؟ البته بچه ارشد. اطرافیان فکر می‌کنند می‌توانند کاملاً روی او حساب کنند، چون او بچه بزرگ خانه است و در نهایت تمام این مسئولیتها را می‌پذیرد، چون در هر حال مهارت و توانایی او از خواهر و برادر کوچکترش بیشتر است. زمانی هم که برای خوب انجام دادن کارش، مورد تشویق و تمجید قرار می‌گیرد، دوست دارد همه او را بسیار «قابل اعتماد» بشناسند. به همین دلیل است که این بچه‌ها اغلب توانایی دستیابی به پستهای مهم و آمادگی قبول مسئولیت بیشتر را

دارند.

کمال‌طلبی: تمایل به کسب کمال در هر چیز، از میل آنها به راضی کردن ما ناشی می‌شود. به عبارت دیگر آنها تا حد زیادی سختگیر می‌شوند و درکارها و رفتارشان نوعی وسواس به خرج می‌دهند که تنها عامل آن توقع بالا و بیش از حد والدین آنهاست. به همین سبب آنها درآینده مدیران سختگیری می‌شوند و از زیردستان خود انتظار دارند که کارشان را کامل، و دقیقاً به همان روش مشخصی که از آنها خواسته شده، انجام دهند.

نیاز به تسکین: کسانی که برای بار اول پدر و مادر می‌شوند، معمولاً نمی‌گذارند بچه زیاد گریه کند. مادری می‌گفت: «به محض اینکه دخترم صدایش درمی‌آمد، برای آرام کردنش از جا می‌پریدم.» زمانی که فرزند دوم او به دنیا آمد او خیلی راحت‌تر با قضیه برخورد کرد و به بچه فرصت می‌داد تا خودش ساکت شود. نتیجه آن شد که بعدها زمانی که بچه بزرگتر، عصبانی و ناراحت می‌شد، نیاز به آرام کردن و دل‌داری داشت اما بچه کوچکتر خودش با مسأله کنار می‌آمد. زندگی آرام: از آنجایی که فرزندان ارشد زمان بیشتری را با بزرگترها می‌گذرانند، برای پذیرش مسئولیت آمادگی بیشتری دارند. آنها به طور کلی با بزرگترها و معلمان خود بهتر کنار می‌آیند، قابل اطمینان هستند و مسئولیت محوله را خوب انجام می‌دهند. به نظر می‌رسد که این کودکان در زمینه‌های مختلف، کمتر حالت سرکشی و طغیان دارند و بیشتر مایلند زندگی آرام و بی‌دغدغه‌ای داشته باشند. ■

چند توصیه:

رابطه والدین با بچه اول نکات مثبت و منفی بسیاری دارد. شاید شما در برخورد با فرزند ارشدتان بیشتر اوقات عصبی شوید، یا خود را کاملاً وقف او کنید و یا شخصیت و خصوصیات او را درک نکنید. این توصیه‌ها به شما کمک می‌کند که با او رابطه بهتری برقرار کنید:

- آرام باشید: سعی کنید هر بار که کودک برای انجام کاری غر می‌زند و نمی‌تواند از عهده آن برآید، عصبانی نشوید و کمی کوتاه بیایید. او مدتی وقت لازم دارد تا بداند چگونه کارهای خود را انجام دهد. اگر بگذارید خودش بعضی کارهای ساده و پیش‌پا افتاده را انجام دهد، برای هر دو شما بهتر است.

- واقع‌بین باشید: فرزند اول برای شما موجودی خارق‌العاده است. حتی گاهی فکر می‌کنید او بسیار باهوش است. این اطمینان شما، اعتماد به نفس او را بالا می‌برد اما مواظب باشید زیاده‌روی نکنید. اگر توقعات شما بیش از حد معمول شود، او برای دستیابی به آرزوهای بلندپروازانه شما شکست خواهد خورد. درواقع او از خواهر و برادر کوچکترش، مهارتها و قابلیت‌های بیشتری دارد. او اولین کسی است که می‌تواند خودش لباسش را بپوشد، کفشش را پا کند و درکارهای خانه به شما یاری رساند. بنابراین منطقی است اگر مسئولیت بیشتری به او واگذار کنید. در ضمن متوجه بزرگ شدن بچه‌های دیگر و تغییر موقعیتشان باشید.

- تمرینات لازم: کودکی که روز را در مهدکودک سپری می‌کند؛ ضمن بازی، شراکت و رعایت حق دیگران را می‌آموزد و یاد می‌گیرد که چگونه با دیگران کنار آید. اگر کودک شما مهدکودک نمی‌رود و روز را بیشتر با شما و دیگر بزرگسالان می‌گذراند، سعی کنید این اصول را در خانه به او بیاموزید. اگر با او بازی می‌کنید، نوبتش را رعایت کنید، یا مثلاً یک کیک کوچک را بین او و عروسکش به طور مساوی تقسیم کنید. وقتی با بچه‌های فامیل یا دوستانش بازی می‌کند، به او بگویید که باید اسباب بازیهایش را به آنها هم بدهد و احساس و طرز فکر سایر کودکان را برایش توضیح دهید تا او بتواند در آینده مهارت‌های اجتماعی خود را بهتر پرورش دهد.

تقویت های موی سر دینه



سرشار از ویتامین های طبیعی و املاح معدنی
برای سلامت، طراوت و جلوگیری از ریزش
غیرعادی موی سر

...و این بار تیشه شیرین بر سنگ

گفت‌وگو با سیمین اکرامی مجسمه‌ساز معاصر



نبینند و طرح، علاوه بر هماهنگی با فرم طبیعی سنگها، با طراحی عمومی پارک نیز تناسب داشته باشد تا نقش سنگها نشانگر خلاقیت آدمی و نقش طبیعت باشد. کار روی چهار سنگ به طور همزمان از اول خردادماه ۷۳ آغاز شده است.»

کار، هر روز از صبح تا شام ادامه دارد. زنی هنرمند بر دامنه کوه با سنگهای بزرگ می‌ستیزد تا نقش آدمی بر طبیعت جاودانه بماند. در پارک جمشیدیه اکنون از پایین دژه، تخته سنگی با دو حفره نمایان می‌شود اما کمی بالاتر، خرطوم ۱۲ متری فیلی را می‌بینیم که از دل خاک و سنگ برآمده است.

بالاتر، در پس تخته سنگی که به مشت انسان شبیه است؛ جغد سنگی، آرام و خاموش نشسته است: «جغد را طبیعت ساخته بود، ما هم از دور آن را تشخیص دادیم، جغدی زیبا و جذاب بود اما سنگ در برابر تغییرات سخت بود و به آسانی تن به طرح من نمی‌داد. در جریان کار چندین بار نوکش افتاد و مجبور شدیم دوباره سنگها را بتراشیم. پوسته نازک و قرمز روی سنگ را که برداشتیم، جغد با دو لکه سبز و قرمز نمایان شد و ترکیبی زیبا از رنگها به وجود آورد که جغد را زیباتر کرد.»

خرس نیمه خفته نیز کمی بالاتر از مجسمه جغد، با چهره و اندامی سبز فضای کوهستان را تسخیر می‌کند.

اکرامی در مورد مجسمه چهره انسان می‌گوید: «چهره انسان تا حدی به انتزاع میل کرده است و این فرم به سبک خودم شباهت دارد.»

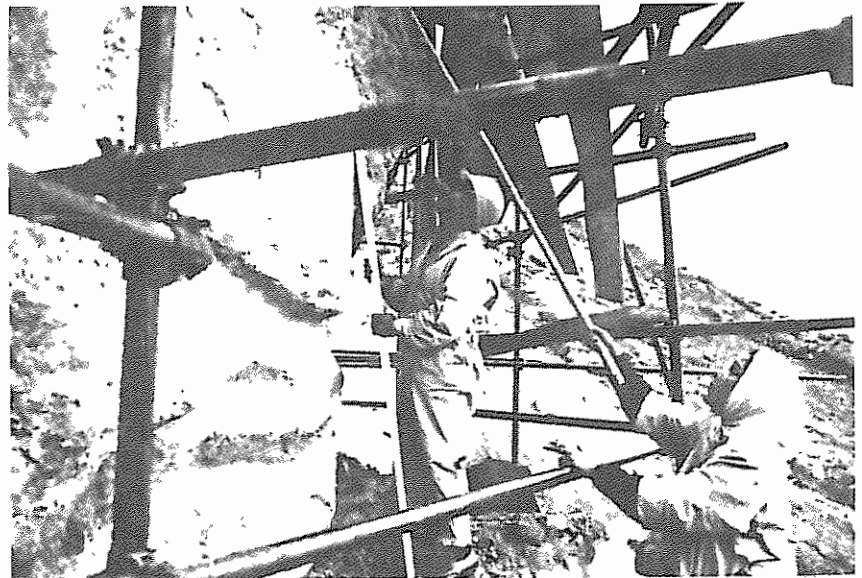
داشتن فرزندان خردسال، فعالیت هنری نداشتم اما این به معنای جدایی کامل از هنر نبود. در این سالها مطالعه و تجربه پیگیر در فضای خانه‌ای که مباحث فرهنگی از جمله مباحث اصلی آن بود، زمینه‌ساز ارتقای من شد و پس از آن با اندوخته روحی و ذهنی بالایی کار خود را دوباره از سر گرفتم.»

در این دوره او از چوب، گچ، سنگ و برنز آثاری نو خلق کرد: «از سال ۶۶ به بعد که کار حرفه‌ای خود را دوباره از سر گرفتم، ماکت مجسمه آرم پست مکانیزه شیراز را از فولاد ساختم که البته طرح در حد ماکت متوقف شد. در سال ۷۰ به سفارش شهرداری تهران، مجسمه برنزی آرم سازمان نوسازی شهر تهران و در سال ۷۲، مجسمه برنزی زمین را بر اساس نقشه ابوریحان بیرونی ساختم. مجسمه زمین قرار است در پایون دولت فرودگاه مهرآباد نصب شود.»

سیمین اکرامی در تابستان ۷۳، به دعوت شهرداری تهران، طراحی و نظارت بر اجرای ساخت پنج مجسمه سنگی جغد، فیل، خرس، چهره و مشت انسان را در پارک جمشیدیه بر عهده گرفت: «بر هر یک از این سنگها در گذر سالیان دراز طرحهایی نقش بسته است و طرحهای من نیز باید در راستای تکمیل فرم طبیعی سنگها باشد. کوشش بر آن است که اجرای طرحها چنان باشد که سنگها آسیب

پارک جمشیدیه از دامنه البرز تا ارتفاع ۲۱۰۰ متری به سوی قله گسترش می‌یابد. در گستره ۲۵ هزار هکتاری پارک جمشیدیه، ذهن و دست خلاق مجسمه‌سازان هنرمند از دل سنگ نقش برمی‌آورد و این بار نه فرهاد، که شیرین با زبان تیشه با سنگ سخن می‌گوید و خلاقیت آدمی را در مجسمه‌های سنگی بزرگ جاودانه می‌کند. ❦

سیمین اکرامی مجسمه‌ساز معاصر، پنج تخته سنگ بزرگ، با بلندی چهار و نیم تا نه متر در اختیار دارد تا آنچه را باد و باران در طول قرن بر این سنگها نقش زده‌اند، تکمیل کند و بر اساس طرح طبیعی، ترکیب‌بندی و ساخت کلی سنگها، نقشهای با معنایی بیافریند که حکایت از خلاقیت و ذوق هنری دارد. اکرامی می‌گوید: «سه سال در رشته مجسمه‌سازی دانشگاه ایالتی مورگان در مرینلند امریکا درس خواندم و پس از آن در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به تحصیل در این رشته ادامه دادم و همزمان با استادانی چون پرویز تناولی کار کردم. در سال ۵۳ با بهرام دبیری که در آن زمان دانشجوی رشته نقاشی بود، ازدواج کردم و پس از آن هر دو در کارگاه مشترکمان کار می‌کنیم. در فاصله سالهای ۵۵ تا ۶۶ به دلیل



● زنان در مناصب عالی قوه مجریه مشاهده نمی‌شوند و این غیبت ناشی از تصریح عبارت «رجال سیاسی» در شرایط انتخاب ریاست جمهور است که طبعاً در تفویض سایر مناصب عالی به زنان ایجاد مانع کرده است.

در ۱۵ سال اخیر چنان بوده و هست که صاحبان طرزفکرهای مختلف برای یافتن راه‌حل فعال شده‌اند و می‌خواهند حقوق زن را از بن‌بستی که در آن گرفتار شده است، نجات دهند.

ورود به این مطلب و بحث پیرامون برخی جلوه‌های آن، جلسه را به تشنج کشید و جمعی از زنان هموطن مقیم خارج از کشور از ادامه بحث که در شکل تحلیلی و جامعه‌شناختی می‌توانست مفید باشد، جلوگیری کردند و جلسه سخنرانی را به جلسه‌ای برای اعلام شعار از بلندگوها و هتاک‌ها و افترازی و انواع دیگری از واکنشها که ذکر آن را لازم نمی‌دانم، تبدیل کردند. بی‌آنکه درباره نحوه برخورد آنها داوری کنم، علاقه‌مند هستم متن مقاله‌ای را که تحت تأثیر جو متشنج ناشی از رفتار تنی چند از شرکت‌کنندگان در کنفرانس، مجال ارائه درست را به دست نیاورد، به چاپ برسانم. لذا متن ارسال می‌شود تا چنانچه مسئولین آن نشریه محترم، چاپ آن را مفید تشخیص دهند، اقدام بفرمایند.

زنان ایران در دو مرحله پدیداری و نهادینه شدن انقلاب به ایفای نقشهای گوناگون سیاسی برانگیخته شدند. آنها که در مرحله پدیداری و شکل‌گیری انقلاب با شیفتگی حضور یافتند، در مرحله نهادینه شدن انقلاب که با استقرار ضوابط جدید شروع شد، متوجه مسائل مرتبط با جنسیت خود شدند و به این باور رسیدند که نیروهای سنتی به لحاظ تأکید بر مبانی جنسیتی، ادامه حضور آنها را در امور تحمل نمی‌کنند.

سردبیر محترم مجله زنان با سلام، همان‌گونه که اطلاع دارید، اینجانب بنا به دعوت بنیاد پژوهشهای زنان ایران در تابستان سال جاری، در دانشگاه یو. سی. ال. لوس آنجلس حضور یافته و در کنفرانس «زن و سیاست» شرکت کردم و به ایراد سخنرانی پرداختم. مضمون مقاله تحلیلی من عبارت بود از: «بررسی نقشهای حضور سیاسی زنان در امور و نتایج آن از ۲۲ بهمن ۵۷ تاکنون». این بررسی بدون موضع‌گیری سیاسی، از نوعی که رایج و متداول و مرسوم است، انجام شده است زیرا به عقیده من حقوق زن در کلیت خود تعیین‌کننده است و نیازی نیست تا در پناه ایدئولوژیهای سیاسی از آن دفاع کنیم. از این دیدگاه طبعاً از نقش حضور سیاسی زنانی هم که در جریان امور سیاسی سالهای ۵۷ به بعد حضور یافته و با سیاستهای رسمی موافق بوده‌اند، سخن رفته است. بررسی، حامل این نتیجه‌گیری است که زنان ایران به طور کلی دارای چنان ظرفیت بالقوه سیاسی شده‌اند که در تحولات آینده تعیین‌کننده خواهند بود. حضور زنان سنتی در مجامع سیاسی، هر چند در شکل‌های غیرحزبی و پراکنده، این بخش از زنان را در گذار زمان به یک نیروی توانمند سیاسی تبدیل کرده است و مشاهدات عینی و شخصی نگارنده، حکایت از آن دارد که آنها نیز راجع به حقوق زن و کاستیهای آن به شدت حساس شده‌اند و حساسیت خود را در جریان دادرسیهای مربوط به اختلافات زناشویی در دادگاهها و سایر مراجع قانونی بروز می‌دهند. حاصل سخن اینکه واکنشهای زنان و برخوردهای سیاسی موافق و مخالف آنها با مسائل مرتبط با جنسیتشان

حقوق سیاسی

در مقابله با این عوامل بازدارنده که بخشی از حقوق مکتسبه زنان را مخدوش می‌ساخت؛ زنان معترض، لب به اعتراض گشودند و در جریان تحولات سیاسی در مواضع مختلف قرار گرفتند. بدین ترتیب نیروی سیاسی زنان که تا پیش از شکل‌گیری انقلاب نهفته بود، از قوه به فعل درآمد. آنها در دو جبهه، گاهی همسو با ارزشها و ضوابط اعلام شده سیاستهای رسمی و گاهی در اعتراض و مقابله با آن به فعالیت پرداختند، به حدی که در دوران حساسی از حیات سیاسی ایران که آمیخته با بحران و جنگ بود، نقش نیروی زنان شاخص شده است. اینک زنان نتایجی را که حاصل تلاشهای فردی و جمعی آنهاست، به چشم می‌بینند. صاحب نظران و طراحان برنامه‌های سیاسی، چه در خارج و چه در داخل کشور، متقاعد شده‌اند که نباید نیروی زنان را در محاسبات خود نادیده بگیرند. به سخن دیگر، اهل سیاست تحت تأثیر رفتارهای سیاسی - اجتماعی زنان قرار گرفته و به این نتیجه رسیده‌اند که در ایران امروز، بدون جلب و جذب نیروی زنان و توجه



● به جرأت می‌توان گفت زنان ایران بیش از سایر زنان توانسته‌اند مدیران سیاسی کشور خویش و همچنین مخالفان آنها را متوجه و متقاعد کنند که زنان نیروی تعیین کننده در رویدادهای سیاسی هستند و نمی‌توان آنها را نادیده گرفت.

حضور زنان سنت‌گرا در صحنه‌های مختلف، جنبه کاملاً شرعی به خود گرفته است و حتی آنان را به انگیزه ایفای تکلیف شرعی به صحنه‌ها کشانده است. این حضور، بی‌آنکه به داوری درباره تمام جهات آن پردازیم، در مسیر زمان اثری شگرف بر مسأله ممنوعیت خروج زن از خانه بدون اجازه شوهر و انزوای او در چارچوب امور خانگی به جا گذاشته است. در جریان انقلاب، شاهد حضور امواج خروشان زنانی بودیم که تا پیش از آن، شرکت در اجتماعات را جزو وظایف خود نمی‌دانستند و در حصار غیرقابل نفوذ خانواده، نیروهای بالقوه‌ای بودند که به راحتی در صحنه‌های اجتماعی جلب و جذب نمی‌شدند. این تکلیف شرعی سلطه بلامنزاع ریاست خانواده را جداً متزلزل کرد و تا حدودی از میزان سلطه‌پذیری زنان سنت‌گرا کاسته شد. برای ایفای تکلیف شرعی، مردان سنت‌گرا، زنان خود را از حضور در فضای سیاسی، که بی‌دبی بدان مکلف می‌شدند، منع نمی‌کردند. آنان از این حضور دل‌نگرانی هم نداشتند چرا که آن را مخلّ مبانی عقیدتی خود نمی‌دانستند.

در کنار امواج خروشان زنان باحجاب که انقلاب را همراهی می‌کردند، گروه دیگری از زنان که بینش متفاوتی داشتند و از دوران پیش از انقلاب در امور اجتماعی و علمی مشارکت می‌کردند، نیز در نهایت همدلی و همسویی حضور می‌یافتند و جمعی از آنها برای ایجاد رابطه مؤدت‌آمیز با انبوه زنان باحجاب و برای آنکه از هر نوع برخورد دیدگاهی در مرحله حساس پدیداری انقلاب پرهیز کرده باشند، در بسیاری از تظاهرات انقلابی از پوششهایی نظیر روسری هم استفاده

به خواسته‌های آنان نمی‌توان حکومت کرد، همچنان که نمی‌توان داعیه حکومت را در سر پروراند. بنابراین زنان در عرصه اندیشه و فکر سیاسی که متمایل به دگرگونی در سنتهای کهن است، حضور یافته‌اند و حتی خاطر کسانی را که نمی‌خواهند شرایط زمان و مکان را به نفع تأمین حقوق سیاسی زنان در نظر بگیرند، پریشان کرده‌اند.

در این گزارش ضمن آنکه آمار نشان می‌دهد که مشارکت زنان ایران در مدیریت امور کشور بسیار اندک است، تأکید می‌شود که توجه به حقوق زنان در شکل‌گیری اندیشه سیاسی متمایل به حفظ قدرت یا متمایل به کسب قدرت به سرعت روبه‌فزونی است. بررسی مطبوعات ایران به خوبی نشان می‌دهد که زنان در مرکز مذاکرات و بحثهای درون حکومتی در آمیخته با برخوردهای ذهنی و دیدگاهی قرار دارند و بررسی مطبوعات ایرانی خارج از کشور نیز به خوبی نشان می‌دهد که زنان در مرکز توجه مخالفان سیاسی قرار گرفته‌اند. با آنکه در آستانه سال ۲۰۰۰ میلادی برنامه‌های تدوین شده‌ای در امر اعتلای موقعیت زنان ایران در اختیار نداریم اما به جرأت می‌توان گفت که زنان ایران بیش از سایر زنان توانسته‌اند مدیران سیاسی کشور خویش و همچنین مخالفان آنها را متوجه و متقاعد کنند که زنان نیروی تعیین کننده در رویدادهای سیاسی هستند و نمی‌توان آنها را نادیده گرفت.

علی‌رغم این زمینه مساعد، تدوین برنامه در امر اعتلای موقعیت زنان و تدارک آمادگی برای حضور وسیع آنها در مدیریت جامعه بسیار دشوار شده است، که باید در قالب انواع بحثها مورد مطالعه قرار گیرد. ماهیت این برخوردهای دیدگاهی درباره حقوق زن، در شرایط کنونی

زن در ایران از بهمن ۵۷ تا امروز

مهر انگیز کار

می‌کردند. رفتار سیاسی این گروه و اصرار و شیفتگی آنها بر همدلی و همسویی با گروه اول، طبعاً به این تعبیر شد و می‌شود که آنان نیز لااقل با بُعد عقیدتی انقلاب، سرسبز نداشتند. بنابراین زنان، در پیکره انقلاب با گرایشهای گوناگون ظاهر شدند و بدین سان عصر جدیدی در زندگی زنان ایران پدیدار شد که اینک ۱۵ سال از آغاز آن می‌گذرد و می‌توان گفت که تشکیل این کنفرانس یکی از مظاهر نمادین این عصر است.

ب: نهادینه شدن انقلاب:

هر چند که عصر حاضر را می‌توان تا حد زیادی متأثر از حضور پرتور زنان دانست اما در گذار زمان، شرایطی به وجود آمد که برخی از حقوق مکتسبه زنان را سلب کرد و زنان را خشمگین و معترض ساخت. در عین حال نتایج قانونی و عملی خاصی به وجود آمد که جمع دیگری را خشنود نمود. در نتیجه زنان ایران در ۱۵ سال اخیر بیش از سالهای دیگر قرن

ایجاب می‌کند که این موضوع از بُعد دینی هم مورد نقد و بحث قرار گیرد و بینشهای متفاوت فقهی را در موضوع مهم و حساس حقوق زن مطرح سازد. کاملاً مسلم است که زنان با ورود به عصر جدید (از ۲۲ بهمن ۵۷ تا کنون) که به زندگی سیاسی آنها بُعد عقیدتی و دینی هم داده است، دیگر نمی‌توانند فارغ از بینشهای دینی، موقعیت خود را اعتلا و شرایط زیست خود را تغییر دهند.

◀ ورود به عصر جدید

الف: پدیداری انقلاب

هر انقلابی دارای ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خاصی است و بر مبنای فکری مشخصی استوار است. انقلاب ایران ضمن دارا بودن این ابعاد، به لحاظ رهبری مذهبی آن، از بُعد مذهبی گسترده‌ای هم برخوردار بود که به تمام زوایای سیاسی، شکل اعتقادی بخشید. در جریان انقلاب به مناطق حساس زمانی برخورد می‌کنیم که

بیستم، متوجه مسائل مهم و اساسی مرتبط با جنسیتشان شده‌اند و نسبت به آن واکنش نشان داده‌اند. گرایشهای سیاسی عام که در قالب شعارهای ضداستبدادی و ضداستعماری، زنان را مانند مردان در جریان انقلاب مجذوب خود کرده بود؛ در گذار از مرحله پدیداری، جای خود را به گرایشهای سیاسی خاص در جهت تأمین حقوق زنان سپرد. در این تحولات، زنان معترض با هدف تأمین حقوق خود در برابر برخی ضوابط جدید و در حال استقرار، به موضع‌گیری جمعی، که لزوماً حزبی نبود، پرداختند. این‌گونه موضع‌گیریها، بلافاصله بعد از اعلام ضرورت حفظ «حجاب» و لغو «قانون حمایت خانواده» و سلب «حق قضاوت» از زنان پدیدار شد. اما چون حجاب در اصول جمهوری اسلامی، جایگاه حساس و مهمی را به خود اختصاص داده و از جمله مهمترین موازن فقهی که جمهوری اسلامی منادی آن است اعلام شد و ضمناً حق قضاوت زنان و قانون حمایت خانواده نیز از دیدگاه فقهای جمهوری اسلامی مغایر احکام شرع تلقی شد؛ در نتیجه این‌گونه موضع‌گیریهای زنان معترض نهادینه نشد و جای خود را به حضور و مقابله موضعی و پراکنده آنان در مراکز مختلف اجتماعی سپرد و به تدریج گرایشهای عام سیاسی هم از آن زدوده شد. جنگ عراق با ایران به این واکنش پایان بخشید و مشکلات جنگ چنان گسترده شد که جایی برای بیان گرایشهای مربوط به حقوق زن به مفهوم



خاص آن باقی نماند. در دوران جنگ زنان معترض فضای مناسب برای بیان گرایشهای خود به مفهوم خاص آن در اختیار نداشتند و نقش زنانی که همسو با سیاستهای رسمی در تحکیم اهداف حکومت به فعالیت برانگیخته شده بودند، وسیع و گوناگون شد. آنچه مسلم است پس از خاتمه جنگ، تا حدودی شرایط فرهنگی برای بیان احوال زنان مهیا شده است اما نحوه برخورد با زنان در آغاز ورود به عصر جدید، ما را به این اندیشه وامی‌دارد که آیا در جریان این تحولات، حتی اگر حاوی بار مثبت آتی و آتی باشد، زنان در موقعیت شایسته خود قرار گرفته‌اند؟ در چنین شرایطی است که نقش زنان متفکر ایرانی برجسته می‌شود. دقت در اتخاذ تدابیر مناسب از سوی زنان متفکر و دوری از احساسات تند و لجام گسیخته، به آنان مجال می‌دهد تا به‌طور دقیق موقعیت زنان را ارزیابی کنند و در انتخاب استراتژی، در جریان تندباد حوادث قرار نگیرند. زنان متفکر، در داخل و خارج کشور، بر وضع خویش آگاهند و شاید به این باور رسیده‌اند که هر چند زنان، پیکره انقلاب را با شور و شیفگی آراستند و به عصر جدید گام نهادند، اما حال در برخورد با شرایط زیست در عصر جدید ناگزیرند از برخوردهای سطحی و غیرمنطقی اجتناب کنند و به یاری عقل و خرد،

متناسب با فرصتها و امکانات، شرایط را به نفع خواسته‌های حقوقی خود تغییر دهند.

◀ مشخصات کلی عصر جدید

مشخصات کلی این عصر تحت سه عنوان بررسی می‌شود:

۱- تعریف «حقوق زن»:

برخورد دیدگاهها و بینشها راجع به حقوق و حق حضور، مداخله و مشارکت وسیع زنان در امور، چنان بحران و آشفتگی ایجاد کرده است که دستیابی به یک تعریف جامع و مانع از «آزادی زن» را غیرممکن می‌سازد. به عبارت دیگر هر کس از ظن و گمان خود، تعریفی از حقوق زن ارائه می‌دهد که این تعاریف خواسته‌های گوناگون زنان را تأمین نمی‌کند.

در ایران امروز هیچ یک از مسئولان کشور، آشکارا علیه حقوق زن موضع‌گیری نمی‌کنند، زیرا همه تحت تأثیر عملکرد زنان در عصر جدید قرار گرفته‌اند. اما مشکل اصلی آن است که هر کس از دیدگاه خاص خود، حقوقی را برای زن توصیف می‌کند: جمعی خصوصیات جسمی زن را گواه می‌آورند و حفظ حقوق انسانی او را در گرو مراعات این ویژگیها و انواع قیود و محدودیتها ممکن می‌دانند. جمعی دیگر نقش مادرائه زن را برجسته می‌کنند و با حضور مساوی زن و مرد

● مسلم است که زنان با ورود به عصر جدید که به زندگی سیاسی آنها بُعد عقیدتی و دینی هم داده است، دیگر نمی‌توانند فارغ از بینشهای دینی، موقعیت خود را اعتلا و شرایط زیست خود را تغییر دهند.

در جامعه بدین دلیل مخالفت می‌کنند که مبادا به ایفای این نقش خدشهای وارد شود. جمعی نیز بر این باور پافشاری می‌کنند که اساساً ادامه محرومیت زنان از مناصب سیاسی، توجیه شرعی و اعتقادی دارد. برخی نیز از یک سو به خاطر آنکه به مذهب وفادارند و از سوی دیگر به خاطر آنکه موقعیت زنان را در دنیای حاضر مورد ارزیابی قرار می‌دهند، در صددند با تمسک به فقه پویا و درک شرایط زمان، برای «حقوق زن»، تعاریف جدید ارائه دهند تا با کاروان توسعه هماهنگ شوند. اینان به واقع در جاده‌ای صعب‌العبور گام می‌زنند زیرا به آسانی نمی‌توان سنت مستحکم گذشته را ویران کرد و وارد فضای جدید شد. از طرف دیگر تلاش مقید مذهبی این گروه در همه حوزه‌ها با مفاهیم آزادیخواهانه جهانی سازگاری ندارد و برخورد ارزشها، به بحران دامن می‌زند. به خصوص که دیدگاه اخیر هنوز موضوع را از طرق فرهنگی، به صورت بحثهای وسیع فقهی، حقوقی و اجتماعی توضیح نداده و با سایر دیدگاهها به بحث و تبادل نظر ننشسته است.

در کنار این تفکرات و دیدگاههای نوعاً بومی، آثار و نمونه‌هایی از یک جریان فکری در طبقه تحصیلکرده جامعه مشاهده می‌شود که حقوق زنان را آنچنان که در جوامع غربی مطرح است، مورد بحث قرار



می‌دهند. این جریان نیز دارای طرفداران آشکار و نهانی است که بی‌شک در مباحثات مربوط به حقوق زن در ایران امروز بی‌تأثیر نخواهند بود.

در شرایطی که برخوردهای دیدگاهی، در نحوه تعریف حقوق زن آشفتگی ایجاد کرده است و از آنجا که هیچ‌یک از این دیدگاهها تاکنون غالب نشده است؛ رسالت فرهنگی زنان متفکر برای سامان بخشی به این آشفتگی بسیار خطیر و برجسته به نظر می‌رسد. اگر آنان ضمن فعالیت و وسیع فرهنگی برای بهره‌برداری از برخوردهای دیدگاهی و تقویت آن دسته از تعاریف که می‌تواند به دیدگاههای مفید به حال زنان جهت غالب بدهد، فعال شوند و یک نهضت فرهنگی زنان پایه‌ریزی کنند، تا از زوایای مختلف به طرح کاستیهای حقوق خود پردازند، در این صورت زنان خود تعریف‌ساز خواهند شد.

۲- حضور سیاسی زن در «حقوق بشر»:

حقوق زن به عنوان یک مفهوم جهانی، جایگاه شاخصی را در موازین بین‌المللی به خود اختصاص داده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاقهای بین‌المللی، حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مربوط به آن و همچنین اعلامیه‌ها و کنوانسیونهای اختصاصی،

● زنان موافق، نه تنها در مراکز پشتیبانی از جبهه‌های جنگ، بلکه در امر اعزام شوهران و فرزندان خود به جبهه‌ها، نقشهای گوناگون داشتند که در مجموع بر میزان مداخله مؤثر و مشارکت وسیع آنها در جنگ و به تبع آن در سیاستهای رسمی افزوده است.

توجه به حقوق زن رابه خوبی نمایان می‌سازد، به نحوی که قاطعانه می‌توان گفت حضور سیاسی زن در اسناد حقوق بشر کاملاً تثبیت شده است.

مطالعات همه‌جانبه جهانی، این حقیقت را آشکار می‌سازد که زنان حقوق از دست رفته‌ای دارند و باید سعی وافر مبذول شود تا این حقوق احیا گردد. جوامع برای تدوین قواعد حقوقی شایسته و حضور مؤثر در مجموعه جهانی، ناگزیر هستند از سنتها، خرافات زدایی کنند و به احترام امضا و تأییدی که غالباً زیر مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی، میثاقها و اعلامیه‌ها برجا گذاشته‌اند، متناسب با موازین بین‌المللی به اصلاح وضع موجود زنان پردازند. تثبیت حقوق زن در اسناد حقوق بشر، امکانات وسیع و فرصتهای مناسبی در اختیار زنان متفکر ایرانی قرار می‌دهد تا بتوانند به توضیح منطقی حقوق زن پردازند. از یاد نمی‌بریم که آنان در مطالبات حقوقی خود می‌توانند به اسناد حقوق بشر که به امضای ایران رسیده است و همچنین عضویت ایران در سازمان ملل متحد که ضرورت توجه به مفاد اسناد را در بطن خود دارد، تکیه کنند زیرا صرف عضویت، برای کشورها ایجاد تکلیف می‌کند.

۳- حقوق سیاسی زن در قوانین داخلی:

شیوه بررسی این مبحث بدین‌گونه انتخاب شده است که ابتدا حقوق سیاسی زنان برپایه قوانین داخلی مورد مطالعه قرار گیرد و سپس مشارکت سیاسی زنان در عرصه عمل و اجرا به بحث گذاشته شود:

الف - حقوق سیاسی زنان:

یکی از پایه‌های دموکراسی، مشارکت همگان در تعیین سرنوشت سیاسی و اداره امور جامعه است و زنان در مجموعه این «همگان» قرار می‌گیرند. ارزیابی موقعیت زنان کشور ما در جریان یک بررسی تطبیقی حقوق بین‌المللی و داخلی چنین خلاصه می‌شود:

● حقوق بین‌المللی:

الف - در مورد حقوق و آزادیهای سیاسی، ماده ۳، کنوانسیون رفع تبعیض از زن، مصوب ۱۹۷۹ میلادی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلام می‌دارد: «دولتهای عضو، در تمام زمینه‌ها، خصوصاً در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، تصمیمات متناسب، من جمله از طریق قانونگذاری را در تأمین کامل توسعه و ترقی زنان، برای اجرا و استیفای هرچه بهتر حقوق بشر و آزادیهای اساسی، براساس تساوی زنان با مردان اتخاذ می‌نمایند.»



ب - مواد ۷ و ۸ کنوانسیون از دولتهای عضو خواسته است که برای رفع تبعیض نسبت به زنان در شئون اجتماعی و سیاسی، به ویژه در امور ذیل اقدام نمایند:

۱- حق رأی دادن در تمام انتخابات و در تمام همه‌پرسیهای عمومی و حق انتخاب شدن در تمام سازمانهایی که از طریق انتخابات عمومی به وجود می‌آیند.

۲- حق مشارکت در برنامه‌ریزیهای سیاسی دولت و اجرای آن، تصدی مشاغل عمومی و انجام کارهای عمومی و حکومتی در تمام مقاطع.

۳- حق مشارکت در سازمانها و مؤسسات غیرحکومتی (احزاب) و پرداختن به امور عمومی و سیاسی.

۴- امکان نمایندگی دولت متبوع در سطوح بین‌المللی و مشارکت در کارهای سازمانهای بین‌المللی.

● حقوق داخلی:

حقوق سیاسی زنان ایران در قوانین داخلی بدین شرح است:

الف - حقوق و آزادیهای سیاسی:

۱- «مشارکت عامه مردم (اعم از زن و مرد) در تعیین سرنوشت

فرهنگی و دیدگاهی آماده سازند.

ب - موانع موجود در برابری حقوق:

- موانع فرهنگی: دیدگاه سنتی مخالف با تساوی زن و مرد، سرسختانه در مواضع کهن خود باقی مانده و هنوز از مفاهیم خرافاتی فاصله نگرفته است. این دیدگاه که نقش حضور و مشارکت وسیع زنان را در مرحله پدیداری و نهادینه شدن انقلاب به چشم دیده است، ضمن ابراز هراس از افزایش حضور زنان و تأکید بر جداسازیها، دایماً در این اندیشه است که آنان را از مشارکت در امور سیاسی پس براند. این مانع که در همه جوامع، حتی در آخرین سالهای قرن بیستم، کم و بیش فعال است، در ایران نیز تدوین برنامه‌های جامع و کامل در جهت محرومیت‌زدایی و تأمین حقوق و تدارک آمادگی برای حضور مؤثر زنان در مدیریت سیاسی کشور را بسیار دشوار ساخته است.

- موانع دیدگاهی: دین که مبتنی بر منبع وحی الهی است، در مرحله اجرا، در دست افراد قرار می‌گیرد. در بُعد الهی، آنچه که مربوط به مسلمات و محکّمات دین است، قابل تغییر نمی‌باشد اما در بخش فقه، امکان اجتهاد وجود دارد. قسمت اخیر، براساس تحولات و دگرگونیهای اجتماعی، انعطاف‌پذیر است.

ب: مشارکت سیاسی زنان

● قوه مقتنه:

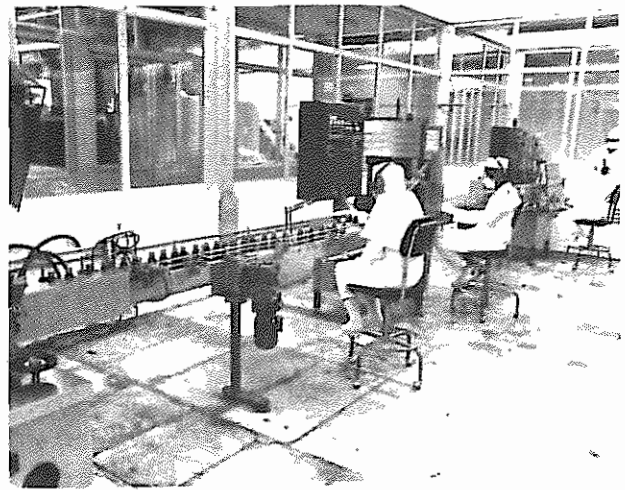
الف - مجلس خبرگان: به موجب اصل ۱۰۷ قانون اساسی، امر تعیین رهبر برعهده خبرگان منتخب مردم است. قانون انتخابات تعداد و شرایط خبرگان را تصریح کرده است که خبرگان منتخب مردم باید دارای شرایط زیر باشند:

«الف) اشتهار به دیانت و وثوق و شایستگی اخلاقی.

ب) اجتهاد در حدی که قدرت استنباط بعضی مسائل فقهی را داشته باشند.»

بنابراین در شرایط انتخاب خبرگان، نابرابری بر مبنای جنسیت مشاهده نمی‌شود. با این حال در جمع ۷۳ نفر اعضای مجلس خبرگان که در سال ۱۳۵۸ تشکیل شد، فقط یک زن عضویت داشت.

ب - مجلس شورای اسلامی: مجلس شورای اسلامی تاکنون چهار دوره قانونگذاری داشته است که جامعه زنان در جریان انتخابات به عنوان رأی‌دهنده حضور داشته‌اند اما میزان حضور آنها در جایگاه نماینده مجلس اندک بوده و هست. در سه دوره از



سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» (اصل ۳ و ۸ قانون اساسی).

۲- حاکمیت انسانها (اعم از زن و مرد) در تعیین سرنوشت اجتماعی خویش (اصل ۵۶).

ب - حقوق انتخاباتی:

۱- اداره امور کشور به اتکای آرای عمومی (زن و مرد) از طریق انتخابات و همه‌پرسی (اصل ۶ قانون اساسی و قوانین انتخابات و همه‌پرسی)

۲- حق انتخاب شدن (زنان و مردان) به نمایندگی مجلس شورای اسلامی و عضویت در شوراهای اسلامی محلی (مواد ۳۰ تا ۳۲ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و ماده ۲۴ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی)

ج - مناصب سیاسی:

۱- مرد بودن، براساس موازین فقهی، شرط لازم برای تصدی مقام رهبری است.

۲- رئیس جمهور از میان رجال (مردان) سیاسی و مذهبی انتخاب می‌شود (اصل ۱۱۵ قانون اساسی)

در قوانین مربوط به سایر مناصب سیاسی نظیر وزارت و استانداری، شرط جنسیت وجود ندارد اما عملاً این مناصب سیاسی در اختیار زنان نیست زیرا دیدگاهها و سلیق شخصی بعضی مدیران سیاسی جامعه، مخالف تصدی این مناصب توسط زنان است. در قانون اساسی هم به شرایط احراز وزارت اشاره‌ای نشده است.

● نتیجه‌گیری:

الف: مطابقتهای حقوقی:

در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان اعلام کرد در مواردی هم که حقوق داخلی با استانداردهای بین‌المللی مطابقت دارد، این تجانس و تطابق بعضاً قربانی برخی موانع اجرایی می‌شود که طبعاً برداشتهای سیاسی در پی دارد. بعضی کارگزاران و دست‌اندرکاران امور با به کارگیری سلیقه‌های شخصی، اصل حاکمیت قانون را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند که تبعات ناخجسته‌ای به دنبال دارد. زنان متفکر باید با برخورد و تلاش منطقی، با این آسیب اجتماعی مبارزه کنند. زنان باید از یک سو از حکومت بخواهند تا در اجرای صحیح قوانین اهتمام ورزند و از سوی دیگر زمینه را برای رفع موانع اجرایی حقوق زن از حیث



ب) مناصب میانی: در این مناصب تنها ردپایی از حضور ضعیف زنان در مشاغل مدیریت مشاهده می‌شود.

ج) مناصب اداری: در این بخش زنان حضور چشمگیر دارند و درصد قابل توجهی از مشاغل اداری در اختیار آنهاست.

● قوه قضائیه:

الف) مدیریت در سطوح بالا: زنان عملاً در پستهای مدیریت در سطوح بالای قوه قضائیه غایب هستند. در این مشاغل علاوه بر موانع قانونی که ممکن است اساس این غیبت شناخته شود، به لحاظ آنکه هنوز فضای قوه قضائیه به تریبی است که علی‌رغم برخی از تسهیلات قانونی، محدودیتهای شرعی برای زنان قابل هستند، آنها در مشاغل حساس پذیرفته نمی‌شوند.

ب) قضاوت: برپایه نظراتی که در جمهوری اسلامی درباره انطباق یا عدم انطباق قوانین و مقررات با موازین شرعی وجود دارد، زنان از حق قضاوت محروم هستند. بنابراین در قوانین ایران مرد بودن یکی از شرایط احراز شغل قضاوت است و زنان بر مسند قضاوت، در جایگاه قاضی انشاکنده رأی نشسته‌اند، هرچند در زمینه قضاوت زنان نظرات موافقی هم وجود دارد. اخیراً قوانینی به تصویب رسیده است که به زنان اجازه می‌دهد در سمت مشاور قضایی خدمت کنند.

ج) خدمات حقوقی: زنان در زمینه وکالت دادگستری، حضوری وسیع و فزاینده دارند. برای احراز این مشاغل توسط زنان، مانع قانونی وجود ندارد. البته در پاره‌ای موارد، استفاده از خدمات حقوقی زنان در بخش دولتی کمتر مورد تقاضا قرار می‌گیرد زیرا مشاوره حقوقی نوعی فضای خصوصی برای بحث و مذاکره با مدیران را می‌طلبد که چون مدیران در سطوح دولتی عموماً مرد هستند؛ این‌گونه همزیستی با سنتهای رایج در تعارض است.

● مطبوعات

نظر به اینکه مداخله مطبوعات در سیاست امری اجتناب‌ناپذیر است، میزان مشارکت زنان در مطبوعات نیز در ارزیابی حضور سیاسی آنها در امور واجد اهمیت است. اصولاً در ایران برای مشارکت زنان در نقشهای مطبوعاتی، ممنوعیت قانونی و فقهی نمی‌شناسیم. در شرایط اعطای امتیاز و تفویض سمت مدیر مسئول و استفاده از خدمات نویسندگی و امور فنی و ویراستاری و سایر مشاغل مطبوعاتی، نابرابری بر مبنای جنسیت وجود ندارد اما در عمل، نقش زنان در مقایسه با مردان در مطبوعات کشور ضعیف است. در امر



قانونگذاری، از ۲۷۰ نماینده مجلس، چهار نفر زن بوده‌اند. در چهارمین دوره، تعداد زنان نماینده به نه نفر رسیده است.

ج - نحوه برخورد زنان نماینده با امر قانونگذاری: این بخش از فعالیت زنان نماینده در مجلس شورای اسلامی به دو صورت قابل ارزیابی است:

۱- در جریان تصویب قوانین به نفع زنان و پیشنهاد طرحهای قانونی در جهت تأمین حقوق زنان، اعضای مؤنث مجلس شورای اسلامی در چهار دوره قانونگذاری فعال بوده‌اند و درباره مسائل زنان، ضمن بحث و مذاکره در مجلس شورای اسلامی، در حد توان به تغییر و تعدیل دیدگاههای نمایندگان مرد علاقه‌مندی نشان داده و صرف وقت کرده‌اند. از آن جمله تلاش پیگیر آنها برای تصویب طرح اصلاح قانون اعزام دانشجوی به خارج از کشور، مصوب ۱۳۶۴ و الحاق سه تبصره به آن به نحوی که اعزام زنان مجرد برای گذراندن مقطع دکترا در رشته‌های غیرعلوم انسانی، با داشتن ۲۸ سال سن میسر گردد که تا حال با شکست مواجه شده است و طرح الحاق یک تبصره به ماده ۴۲ آیین‌نامه داخلی مجلس برای ایجاد کمیسیون ویژه امور زنان که در شور اول مجلس رد شده است.

زنان نماینده در سایر موارد برای تصویب لوایح ناظر بر امور خانواده فعالیت داشته‌اند و در جلسات مربوطه از خود صبر و حوصله نشان داده‌اند. بنابراین آنها با وجود مشارکت ضعیف در امر قانونگذاری به لحاظ کمی، در امر توجه نسبت به مشکلات خاص زنان نقش دارند.

۲- در جریان قانونگذاری در سایر امور، زنان نماینده در مذاکرات بحث‌انگیز راجع به مسائل کلی، کمتر حضور خود را مطرح کرده‌اند.

● قوه مجریه

الف) مناصب عالی: زنان اساساً در مناصب عالی مشاهده نمی‌شوند. به نحوی که در بخش حقوق سیاسی توضیح داده شد، این غیبت ناشی از تصریح کلمات «رجال سیاسی» در شرایط انتخاب ریاست جمهور است که طبعاً در تفویض سایر مناصب عالی به زنان ایجاد مانع کرده است. استثنائاً یک منصب عالی به عنوان مشاور امور زنان به زنان اختصاص یافته که در میزان مشارکت در این مناصب تغییر قابل ذکری نمی‌دهد و همچنان باید پذیرفت که مشارکت زنان در بخش مناصب عالی در قوه مجریه منفی است.



● زنان نماینده برای تصویب لوایح ناظر بر امور خانواده فعالیت داشته‌اند و در جلسات مربوطه از خود صبر و حوصله نشان داده‌اند و در امر توجه نسبت به مشکلات خاص زنان نقش دارند.



حساس و مهم سرمقاله‌نویسی، مقاله‌نویسی و شرکت در بحثهای سیاسی، جای زنان در مطبوعات کشور بسی خالی است. این غیبت که به هیچ وجه ناشی از موانع قانونی و فقهی نیست، بدون شک حاکی از آن است که زنان هنوز به اهمیت حضور سازمان یافته خود در ارکان و نهادهای سیاسی کشور پی نبرده‌اند و از امکانات موجود بهره‌برداری کامل نمی‌کنند.

● ادبیات و هنر

زنان در خلق آثار ادبی و هنری مشارکت دارند و در این عرصه با عشق و علاقه حضور می‌یابند. آثار ادبی آنها به صورت شعر، قصه و ترجمه کتب که دارای درونمایه اجتماعی است، این نحوه از مشارکت را گزارش می‌دهد. آنها با خلق آثاری که در شکل ظاهری نمایانگر ایفای نقشهای فرهنگی است، ضمن ابراز تأثرات درونی که ناشی از نابرابریهای جنسیتی است، با موانع رشد زن، درگیری ذهنی گسترده‌ای دارند.

● احزاب

اساساً تشکل در جمهوری اسلامی مقید به چند قید است (اصل ۲۶ قانون اساسی). با قبول این دو قیود که فارغ از شرط جنسیتی است، زنان هم می‌توانند مانند مردان اقدام به تأسیس حزب کنند. نظر به اینکه در ایران امروز حزب وجود ندارد و تاکنون از اعطای امتیاز برای تأسیس حزب، به هر دلیل امساک شده است؛ لذا این امساک زنان را مانند مردان در برمی‌گیرد و در نتیجه زنان فاقد تشکلهای حزبی هستند.

وجود برخی انجمنها و گروههای غیرسیاسی و شبه‌سیاسی که در امر زنان فعال است، تشکلهای قانونی را در سطح انجمن و جمعیت محدود می‌سازد.

● جنگ

جنگ به عنوان رویدادی که با سیاست رابطه تنگاتنگی دارد، محکی است برای بررسی حضور و مشارکت زنان در امور مهم

سیاسی. مثلاً فعالیت مستمر زنان در امور پشتیبانی جنگ ایران و عراق که هشت سال به طول انجامید، حکایت از اشتغال فکری - سیاسی زنان داشته است. کما اینکه مخالفان نظام، هر نوع مشارکت در جنگ را تقبیح می‌کردند و به عکس موافقان نظام بر ضرورت این پشتیبانی تأکید می‌ورزیدند. هر دو در عمل در اعلام سلیقه‌های سیاسی، فعال بوده‌اند اما زنان موافق، نه تنها در مراکز پشتیبانی از جبهه‌ها، بلکه در امر اعزام شوهران و فرزندان خود به جبهه‌ها نقشهای گوناگون ایفا کردند که در مجموع بر میزان مداخله مؤثر و مشارکت وسیع آنها در جنگ و به تبع آن در سیاستهای رسمی افزوده است. در نتیجه این زنان



خود را بیش از گذشته صاحب حق می‌دانند و درباره کاستیهای حقوقی خود کنجکاو شده‌اند و به طرح پرسشهای اساسی در این زمینه می‌پردازند. آنان نیروی سیاسی پراکنده‌ای را تشکیل می‌دهند که باید جدی گرفته شوند.

◀ ارزیابی و نتیجه‌گیری کلی:

از شکلهای حضور زن و آثار سیاسی مترتب بر آن در عصر جدید، دو نتیجه‌گیری عمده حاصل می‌شود:

۱- توجه زمامداران به حقوق زنان:

به طور کلی حقوق زن به یک موضوع سیاسی قابل توجه تبدیل شده است و مدیران سیاسی غالباً به این نتیجه رسیده‌اند که باید آن را در محاسبات خود وارد کنند. زمامداران حساسیت موضوع را درک کرده و دریافته‌اند که باید به هر ترتیب «حقوق زن» را سروسامان بخشند. مضمون کلی گفتار آنها چنین است: «امروز زنان در سطوح بالای سیاسی و فرهنگی چون مجلس، دانشگاهها و مدیریتهای حضور جدی دارند اما اگر با زبان آمار بسنجیم، باید اظهار نارضایتی کنیم، زیرا هنوز نتوانسته‌اند به میزان مطلوب دست یابند.»

آنچه مسلم است دولت در تدوین و اجرای برنامه‌های سیاسی متناسب با واقعیتهای جامعه همواره با برخی عوامل بازدارنده روبه‌رو بوده است. این امر زمامداران را به پاره‌ای چاره‌جوییهای هماهنگ با نیازهای زمان برانگیخته است. در این زمینه می‌توان تأسیس «مجمع تشخیص مصلحت نظام» را شاهد آورد. موضوع حقوق زن که در جامعه کنونی ایران با کاستیهای روبه‌روست، از جمله مصلحتهای نظام به شمار می‌آید که دولت باید برای رفع آنها اقدام نماید. لذا کوشش بر این است که برای نزدیک شدن به موازین بین‌المللی، لوائح و طرحهایی به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام برسد. شاهد این موضوع برخی مصوباتی که اخیراً دولت تصویب کرده‌است مثل قانون اصلاح مقررات طلاق، مقنن سال ۱۳۷۱ است. با این حال هنوز بازنگری و تجدید نظر در قوانین، به قصد تأمین حقوق زن به طور جدی آغاز نشده است.

از طرف دیگر در ایران امروز، محافل رسمی بر حضور زن در امور، برای دستیابی به توسعه اجتماعی و اقتصادی و تأکید بر اشتغال زنان در سطوح اداری و اخیراً میانی مشاغل در قوه مجریه تأکید می‌ورزند. ایجاد دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری و تشکیل کمیسیونهای بانوان در استانداریها و نظایر آن، بازتابی است از این تأکید و توجه که هنوز ثمرات موردانتظار از آن به دست نیامده است.

۲- توجه مخالفان به حقوق زنان:

مداخله و موضع‌گیری زنان در امور سیاسی چنان بوده است که مخالفان نظام جمهوری اسلامی در داخل و خارج از کشور، ضمن تبلیغات وسیع سیاسی بر موضوع محرومیت‌زدایی از زنان به شدت تأکید می‌ورزند.

در مجموع، دستیابی به چنین نتایجی از جانب موافقان و مخالفان، نشانه بارزی است از اینکه زنان ایران نتوانسته‌اند طی ۱۵ سال زندگی پرحادثه در عصر جدید به همگان بقبولانند که بدون برخورداری از پشتیبانی زنان، نمی‌توان در ایران امروز حکومتی موفق داشت ■



مانتو سرای

خاتم

میدان هفتم‌تیر
جنب مسجدالجواد
تلفن: ۸۳۲۵۸۵

آموزش گریم و خود آرایشی،
ترمیم ابرو و آرایش دائم،
کلیه خدمات پوستی و تقویت مو،
برطرف کردن موهای صورت،
کلیه امور آرایشی و آرایش عروس
لاغری و تنظیم سایز در

کانون زیبایی باران

تلفن: ۸۶۶۸۹۶

• با اشتراک «زنان»، تداوم حیات
مجله خود را تضمین کنید.

شمارش

آرامی هستم. شوهرم این را می‌گوید. می‌دانم برای انجام کارش به آرامش نیاز دارد:

محلّه آرام، خانه آرام، زن آرام.

موها به شکل طبیعی بین شصت تا صدتا در روز پایین می‌آیند. دکتر می‌گوید: «خوب بخور و خوب بخواب». برای اینکه خوابم ببرد، ستاره‌ها را شماره می‌کنم:

- یک ستاره، دو ستاره، سه ستاره، ...

چشمم روی میز به موهای ردیف شده می‌افتد و شمارش را ادامه می‌دهم:

- چهارمو، پنج مو، شش مو، ...

پریروز دوستی به شوخی گفت: «کف سرت اتوبان کشتی کرده‌ای؟» راست می‌گفت، موهای ریخته، فرق سر را باز و بازتر نشان می‌دهند. شوهرم خیلی خندید. مدتها بود که خنده‌اش را ندیده بودم. من هم از خنده او به خنده افتادم و خیلی خندیدم، با این حال آن شب صدوچهل و پنج موی مرده را شمارش کردم.

اصلاً دیگر موهایم را نمی‌شمارم. تصمیمم را گرفته‌ام. از جا بلند می‌شوم تا دوری در خانه بزنم. شوهرم سخت مشغول کار است. کلمات با چه سرعتی از نوک قلمش سرازیرند. به او نزدیک می‌شوم. می‌خواهم دستی به موهای مجعدش بکشم. اما می‌ترسم کلمات وحشت کنند و از ذهنش بگریزند. مدتی همان طور کنارش می‌ایستم اما او اصلاً توجهی ندارد. خودش می‌گوید: «وقتی کار می‌کنم، ذهنم جای دیگری است.» جلوی آینه برمی‌گردم. می‌خواهم دست کنم و تمام موهای روی میز را دور بریزم. اما این کار را نمی‌کنم. شمارششان سرگرم می‌کند و ذهنم را جای دیگری می‌برد.

- صدوچهل، صدوپنجاه، صدو...

روی صندلی می‌نشینم، شانه را برمی‌دارم و موهایم را شانه می‌زنم. مثل شب سیاه و مثل خواب کوتا‌ه‌ند. شانه که به انتهای مو می‌رسد از نو شروع می‌کنم: از بالا به پایین، از عقب به جلو، یکبار، ده‌بار، صدبار. این بهترین راه است. دکتر گفته که باید شبی صدبار موهایم را با شدت شانه بزنم تا خون زیر پوست به جریان بیفتد. شاید ریزش بند بیاید. اما موهایم بیشتر کنده می‌شوند. آن وقت آنها را ردیف روی میز آرایشم به خط می‌کنم و می‌شمارم. خسته می‌شوم. شمارش را رها می‌کنم. دکتر می‌گوید باید شماره کردن را کنار بگذارم، چون این کار بیشتر آزارم می‌دهد و تعداد آنها را بالا می‌برد. هر شب بیشتر از شب پیش.

- صد، صد و ده، صدویست، صدو...

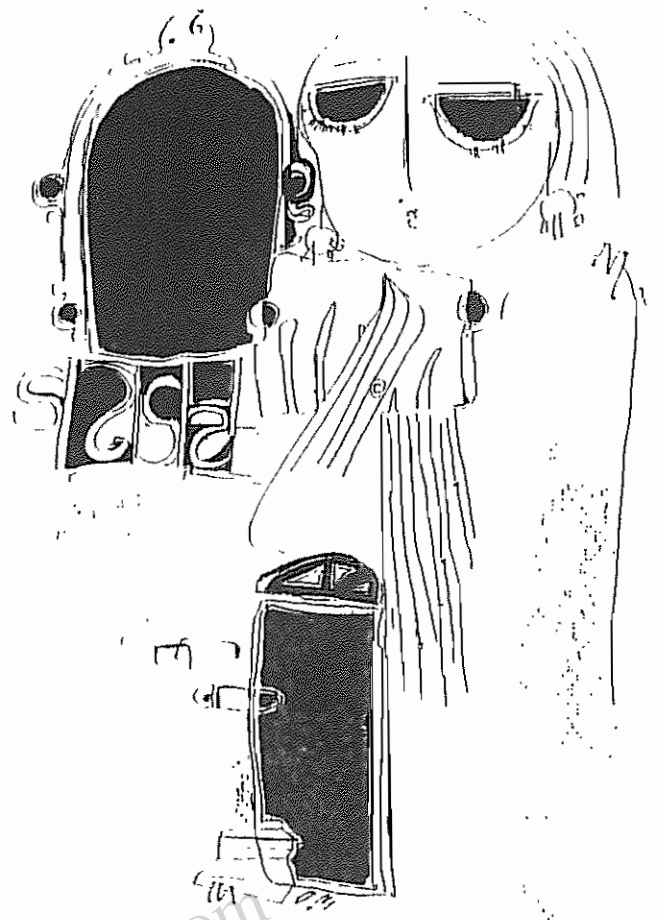
اما نمی‌توانم از آنها چشم بردارم، تعداد موهای مرده می‌گویند که آن روز چطور گذشته. اگر زیاد باشند، یعنی روز سختی گذشته و اگر روز سختی گذشته باشد، حتماً تعدادشان زیاد است.

در آینه شوهرم را می‌بینم: به طرف میز کارش می‌رود، پشت آن می‌نشیند، قلم را برمی‌دارد و کاغذ را جلو می‌کشد. چقدر کارش را دوست دارد! می‌دانم. من هم او را خیلی دوست دارم، اما مطمئن نیستم بداند. دهان باز می‌کنم تا یک بار دیگر به او بگویم. صدا در گلویم می‌پیچد، اما بیرون نمی‌آید. شاید هم می‌آید اما شوهرم نمی‌شنود. یک بار دیگر امتحان می‌کنم، دهانم را باز می‌کنم. اما زود پشیمان می‌شوم و شانه زدن را از سر می‌گیرم.

- صدویست، صدوسی، صدو...

ریزش مو هشتاد و هفت علت، شاید هم هفتاد و هشت علت دارد که فقط چندتایی از آنها شناخته شده‌اند: کمبود مواد غذایی، بیماریهای میکروبی، پایین آمدن ناگهانی وزن و ناراحتیهای عصبی. اما من آدم





موهای مرده مرا به یاد آدمهای مرده، آدمهای مرده مرا به یاد مادرهای مرده و مادرهای مرده مرا به یاد مادرم می‌اندازند که هنوز نمرده است. اما حالا مدتهاست که پا به خانه ما نگذاشته و من چقدر دلم بر بی او تنگ شده‌است.

صدای نالهٔ صندلی که بلند می‌شود یکدفعه به خود می‌آیم. فوری اشکهایم را پاک می‌کنم. می‌دانم شوهرم از گریه بدش می‌آید. اصلاً همهٔ هنرمندها همین‌طورند. آدمهای حساسی‌اند که کوچکترین چیزی ناراحتشان می‌کند و از آن آزرده می‌شوند. این را شوهرم می‌گوید و من باور می‌کنم. اصلاً او هر چه بگیرد من باور می‌کنم. این را مادرم می‌گوید. قبل از اینکه فرصت کنم و به خودم سروسامانی بدهم، یا حداقل موهای چیده شدهٔ روی میز را جمع و جور کنم، می‌بینم شوهرم بالای سرم ایستاده. شانه آرام از میان انگشتهایم سر می‌خورد و جلوی پایم به زمین می‌افتد. خدا را شکر او متوجه چیزی نمی‌شود. می‌پرسم: «شیری یا شکار؟» جوابم را نمی‌دهد، فقط لبخندی می‌زند. می‌دانم شیر است. او همیشه شیر است. برای لحظه‌ای دستم را میان دستهایش می‌گیرد و بعد روی تخت دراز می‌کشد. مدتی بعد وقتی از جایش بلند می‌شود، من باز هم خسته و مانده، گوشهٔ تخت مچاله شده‌ام و با چشمهای بسته، خش‌خش دمپایهایم را دنبال می‌کنم. لحظه‌ای کنار میز آرایش می‌ایستد. این بار موهایم را می‌بیند. نیم‌نگاهی به من می‌اندازد. پوزخندی می‌زند و می‌گذرد. به مرده خندیدن سنگدلی می‌خواهد، با این حال شاعر است. چند لحظه بعد صدای سیفون بلند می‌شود و من بار دیگر شانه را محکم میان انگشتهایم می‌فشارم:

— صدوشصت، صدوهفتاد، صدو ... ■

دومین دورهٔ «زنان» (شماره‌های ۱۰ تا ۱۵) با جلد زرکوب منتشر شد.

علاقه‌مندان می‌توانند برای هر یک از دوره‌های اول و دوم زنان (شماره‌های ۱ تا ۱۵) مبلغ ۱۳۰۰۰ ریال به حساب جاری شماره ۱۹۷۰ بانک ملی ایران شعبهٔ سمیه به نام مجلهٔ «زنان» (قابل پرداخت در شعب بانک ملی در سراسر کشور) واریز و کپی رسید را همراه با آدرس دقیق و کدپستی خود، به آدرس تهران، صندوق پستی ۵۵۶۳ - ۱۵۸۷۵ ارسال فرمایند.

هزینهٔ ارسال با پست سفارشی بر عهدهٔ «زنان» است.

۵۵ پرخوری ناشی از هیجان و اضطراب، امری عادی است، در واقع آنقدر عادی، که بسیاری از افراد آن را واکنشی اجتناب‌ناپذیر و حتی طبیعی در برابر هیجان و فشار روحی تصور می‌کنند.

دانشمندان معتقدند که به طور طبیعی نگرانی و هیجان شدید نباید اشتها را زیاد کند. برای درک اثر اضطراب بر گرسنگی، بدن خود را مانند ماشینی دقیق و منظم در نظر بگیرید که در حالت عادی خود را با عوامل خارجی تطبیق می‌دهد. هنگامی که دچار اضطراب می‌شوید، بدن تغییرات فیزیولوژیکی پیدا می‌کند، فعالیت‌های عادی گوارشی مختل می‌شود و در نتیجه اشتها

طبیعی از بین می‌رود.

پس چرا بعضیها هنگام هیجان و اضطراب، بی‌اختیار غذا می‌خورند؟

رابطه غذا و حالت روحی انسان:

دکتر تاد هاترتون استادیار روان‌شناسی دانشگاه هاروارد می‌گوید: «افرادی که تحت رژیم غذایی قرار دارند، معمولاً پس از گوش دادن به یک موسیقی غم‌انگیز یا عدم موفقیت در انجام کاری نسبتاً ساده، شروع به پرخوری می‌کنند. به نظر من آدمها گاهی نیاز دارند از احساسات منفی خود بگریزند. با خوردن غذا، فرد دچار نوعی حالت

فراموشی می‌شود که فقط به بلع و طعم و نوع غذای خود توجه دارد. درست است که این وضعیت، احساسات عذاب‌آور را کاهش می‌دهد اما کار بازدارنده‌های طبیعی بدن را نیز مختل می‌کند و به ویژه فردی که تحت رژیم است، غذای فراوانی می‌خورد.»

دکتر جوئیس اسلوشاور، استادیار روان‌شناسی دانشکده هانتر، معتقد است که بسیاری افراد از غذا به عنوان آرامبخش استفاده می‌کنند: «وقتی از مریضه‌ایم می‌پرسیم هنگام پرخوری چه احساسی دارید، بیشترشان می‌گویند که خوردن غذا به آنها آرامش می‌دهد.» اسلوشاور علت این اثر آرامبخش را در تجارب اولیه غذا خوردن

عواطف و پر خوری

جسیکا استایدر ساچز
ترجمهٔ مرگان رنگیدن

شخص در دوران طفولیت می‌داند. او می‌گوید: «اگر هر زمان که کودک گریه می‌کند، یا ناآرام است، به او غذا بدهیم، خوردن، راهی برای غلبه بر تنشهای درونیش می‌شود.» تحقیقات دیگر دانشمندان نیز ثابت می‌کند که برخی غذاها، واقعاً مانند داروهای آرامبخش عمل می‌کنند. دکتر مایکل شافتز، محقق روان‌شناس می‌گوید: «کربوهیدراتها که شامل غذاهای نشاسته‌دار و شیرین هستند، با ایجاد یک سری تغییرات شیمیایی در بدن، باعث افزایش سراتونین در مغز می‌شوند. آزمایشات نشان می‌دهد که این ماده اثری آرامبخش بر عملکرد مغز دارد.» به گفتهٔ شافتز، مواد غذایی آرامبخش اگر عاقلانه مورد استفاده قرار گیرند، می‌توانند سودمند واقع شوند. البته باید توجه داشت که این غذاها می‌توانند اعتیادآور هم باشند: «پرخوری پس از مدتی به صورت عادت در



● شواهد بسیاری ثابت می‌کند که رژیم غذایی باعث پر خوری می‌شود. اگر ناچارید وزن کم کنید، ورزش و تمرینات خاص بسیار سودمندتر از قطع مصرف کالری است.

می‌آید که شخص را از درک منشأ اصلی اضطراب دور می‌کند.»

دکتر لاری کریستنسن، روان‌شناس، می‌گوید: «استفاده از غذا برای رفع یک حس نامطلوب می‌تواند حالتی عکس ایجاد کند. در این گونه مواقع، به ویژه شیرینی به عنوان محرک قوی و سریع مورد استفاده قرار می‌گیرد، زیرا قند موقتاً باعث فزونی انرژی و خوش خلقی می‌شود. اما این فزونی ممکن است با کاهش فعالیت، افت روحی شدیدتری را به دنبال داشته باشد. در مورد برخی افراد، این امر نتیجه زیاده‌روی در خوردن شیرینی است که افسردگی و تمایل بیشتر به شیرینی را به دنبال دارد.»

برخی کارشناسان عامل این نوسانات روحی را پایین بودن قند خون ذکر کرده‌اند. با این حال کریستنسن در مطالعات کلینیکی خود به این نتیجه رسیده است که این گونه افراد کمتر دچار عارضه کاهش قندخون هستند. وی می‌گوید: «هنوز علت واقعی این امر معلوم نیست اما آنچه که فرد را از این عارضه خلاصی می‌دهد، فقط حذف کامل قند خالص از رژیم غذایی است.»

◀ رژیم غذایی و پرخوری!

تعجب‌آور است اگر بگویم که خود رژیم غذایی ممکن است رابطه عواطف و پرخوری را بیشتر کند. برخی کارشناسان معتقدند که پرخوری پاسخی به بعضی انواع محدودیت کالری است. دکتر پیتر هرمن، استاد روان‌شناسی دانشگاه تورنتو می‌گوید: «افرادی که تحت رژیم غذایی قرار دارند، افرادی غیرعادی هستند آنها سعی می‌کنند خواسته بدنشان را به نفع آنچه رژیم غذایی برای آنها معین کرده است، نادیده بگیرند و قدرت اراده را جایگزین مراقبت‌های عادی فیزیولوژیکی کنند.» هرمن می‌افزاید: «بهتر است بگذاریم بعضی چیزها تحت کنترل بدن باقی بمانند!» او و همکارش دکتر ژانت پولیوی، استاد روان‌شناسی دانشگاه هاروارد، در آزمایش‌های خود، واکنش‌های عاطفی افراد تحت رژیم

(آنها که همیشه سعی دارند مقدار کالری بدن خود را محدود سازند) و افراد بدون رژیم غذایی (اشخاصی که معمولاً هر زمان که مایلند و هر چه که بخواهند، می‌خورند) را مقایسه کرد. افراد تحت رژیم، هنگام ناراحتی، تمایل به پرخوری داشتند در حالی که افراد بدون رژیم غذایی، عمدتاً کمتر از حالت عادی غذا می‌خوردند.

هرمن می‌گوید: «مادام که در زندگی، همه چیز خوب پیش می‌رود، فرد تحت رژیم، برنامه غذایی خود را با موفقیت دنبال می‌کند اما به مجرد بروز یک اختلال عاطفی، اولین حادثه برای کنترل ذهنی، که بسیار آسیب‌پذیر است، رخ می‌دهد. بدون این به اصطلاح قدرت اراده، فرد تحت رژیم غذایی، بدون احساس گرسنگی، به سراغ غذا می‌رود. در حالی که اگر او کمی بیندیشد، می‌بیند که بدن او هم مانند بدن کسی که تحت رژیم نیست، هنوز می‌تواند تشخیص دهد که واقعاً به چه احتیاج دارد. اثرات بیولوژیک اضطراب، برای فردی که تحت رژیم غذایی است و آنکه رژیم غذایی ندارد، یکسان است: بی‌اشتهایی. اما فرد تحت رژیم، دیگر به آن علائم درونی توجهی نشان نمی‌دهد.»

◀ چگونه می‌توانید به روال سابق برگردید؟

به عقیده هرمن و پولیوی، تنها راه نجات فرد تحت رژیم از پرخوریهای مکرر این است که از رژیم‌های غذایی محدودکننده کالری دست بکشد. هرمن می‌گوید: «این عقیده ممکن است افراطی به نظر برسد اما ما معتقدیم که افراد نباید خیلی راحت خود را تحت رژیم قرار دهند. اعتقاد به جایگزینی کنترل‌کننده‌های فیزیولوژیکی با قدرت اراده، احمقانه و غیرممکن است.» تعداد زیادی از پزشکان با نظریه «افراطی» محققان هم‌نظر شده‌اند. دکتر سی وین کالوی، استاد پزشکی بالینی در دانشگاه جرج واشنگتن می‌گوید: «هنگامی که برای خود محدودیت غذایی ایجاد می‌کنید،

باید خود را برای مشکلات حاصل از این تصمیم‌گیری نیز آماده کنید. شواهد بسیاری ثابت می‌کند که رژیم غذایی باعث پرخوری می‌شود. اگر ناچارید وزن کم کنید، ورزش و تمرینات خاص مربوط به کاهش وزن، بسیار سودمندتر از قطع مصرف کالری است. وقتی خانمی به تمرینات بیشتری می‌پردازد، باید مطابق قد و وزن خود، حداقل معادل میزان کالری‌ای که در زمان استراحت مصرف می‌کند، به بدن کالری برساند. راه حل مناسب در چنین مواردی مشورت با یک متخصص تغذیه است تا شما را در تنظیم چنین برنامه‌ای یاری رساند.»

◀ کنترل جنون پرخوری

کارشناسان بر این مسأله توافق دارند که



● غذا غالباً به شیوه‌ای نامناسب به عنوان آرامبخش مورد استفاده قرار می‌گیرد. عوامل نگرانی خود را بیابید و با اقدام مستقیم برای رفع آن، عوامل اصلی را از میان بردارید.

افراد به دلایل متفاوت عاطفی، پرخوری می‌کنند. روان‌شناسان و پزشکانی که برای تهیه این مقاله از آنها نظرخواهی شد، بر اساس عقاید شخصی خود، برای کنترل پرخوری، نظرات زیر را مطرح کردند:

● رژیم غذایی را متوقف کنید: هرمن معتقد است: «تنها در این صورت فرد می‌تواند دوباره رابطه بین اشتها و گرسنگی واقعی را دریابد. علائم فیزیولوژیکی بدن شما قابل اعتماد هستند، فقط باید به آنها توجه کنید.»

● با احساسات خود کنار بیایید: اسلو شاور می‌گوید: «وقتی به سمت یخچال می‌روید، از خود پرسید: آیا چیز دیگری جز گرسنگی شما را ناراحت کرده است؟ اگر پاسختان این است که: «بله، احساس می‌کنم عصبی هستم»، سؤال بعدی این خواهد بود که: «چه چیزی باعث نگرانی من شده و برای رفع آن، به جز غذا خوردن، چه کار دیگری می‌توانم انجام دهم؟»

● راههای سودمندتری برای رفع اضطراب بیاموزید: به سینما بروید یا پیاده‌روی کنید. هترتون می‌گوید: «گاهی اوقات ما حقیقتاً به یک گریز موقت نیاز داریم ولی غذا نباید راه‌حل این نیاز باشد.»

● ورزش را جزئی از روال زندگی خود کنید: فعالیت فیزیکی، که لذتبخش هم باشد، رفع‌کننده حتمی اضطراب و راهی مفید برای حفظ تعادل وزن است.

● میزان حساسیت خود را به قند کشف کنید: کریتنسن می‌گوید: «برای آن که به میزان حساسیت خود پی ببرید، به مدت دو هفته، قند را کاملاً از رژیم غذایی خود حذف کنید و ببینید آیا بهبود قابل توجهی در وضعیت جسمانی شما پدید می‌آید یا خیر. قند معمولاً

عامل اصلی ایجاد مشکل است.»

هدف از تمامی این توصیه‌ها این است که شخص احساسات خود را، چه فیزیکی و چه عاطفی کنترل کند. اسلو شاور می‌گوید: «وقتی یک فرد بتواند با توانایی بیشتری حیات عاطفی خود را در کنترل داشته باشد، مسأله رژیم غذایی و غذا خوردن بیشتر قابل کنترل است.»

با حالاتی که سبب پرخوری می‌شوند، مبارزه کنید:

هنگامی که به جای گرسنگی، حالت‌های روحی شما تعیین می‌کند که چه وقت و چقدر بخورید، در حق جسم و روح خود بد عمل کرده‌اید. اما شما می‌توانید رفتار خود را اصلاح کنید. به این دستورالعملها برای مقابله با پرخوری توجه کنید:

افسردگی: این حالت بسیار خطرناک است، زیرا هرگونه عملکردی را مختل می‌سازد و این ذهنیت را پدید می‌آورد که «من نمی‌توانم جز خوردن کاری را درست انجام دهم». خودتان را ملزم سازید کاری انجام دهید که به شما احساس کمال بدهد. با کارهای ساده مثل عوض کردن دکور اتاقان شروع کنید.

خشم و عصبانیت: غذا غالباً به شیوه‌ای نامناسب به عنوان آرامبخش مورد استفاده قرار می‌گیرد. عوامل نگرانی خود را بیابید و با اقدام مستقیم برای رفع آن، عامل اصلی را از میان بردارید. صحبت کردن با شخصی که مورد اعتماد شماست یا به او علاقه خاصی دارید نیز در این گونه موارد بسیار تسکین‌دهنده است. به موسیقی گوش دهید یا کتاب بخوانید.

تنهایی: وقتی کسی نیست با او حرف

بزنید یا با هم غذا بخورید، ممکن است احساس تنهایی کنید و به پرخوری روی آورید. با توجه دقیق به مقدار غذایی که برای خود کشیده‌اید، می‌توانید غذایتان را در هنگام تماشای تلویزیون صرف کنید تا احساس تنهایتان از بین برود اما مواظب بلع حریمانه غذا باشید. اگر تنها زندگی می‌کنید، سعی کنید در صورت امکان وعده‌های غذایی را با دوستان و سایر اعضای خانواده صرف کنید.

خستگی: خستگی به راحتی کنترل فرد را از بین می‌برد. اول خوب بسنجید که آیا جسماً خسته‌اید یا روحاً، آن‌گاه با هر کدام از آنها مستقیماً مواجه شوید. اگر تمام صبح را پشت میز نشسته‌اید، یک پیاده‌روی مفوح در حوالی محل اقامتان، خون را مجدداً به جریان می‌اندازد. یک چرت کوتاه هم برای شما استراحت فکری فراهم می‌کند.

خوشحالی: خوشحالی، احساسی مثبت است اما می‌تواند نتایج منفی به دنبال داشته باشد. وقتی برای تفریح، بیرون منزل غذا صرف می‌کنید، خیلی ساده می‌توانید «فقط یک تکه دیگر از پیتزا» را بخورید. تعداد این مناسبت‌های خاص که با غذا جشن گرفته می‌شود، بی‌پایان است! از این رو وقتی شما این یکی را حل کنید، گام بزرگی برداشته‌اید.

اگر عادت دارید در مهمانی پرخوری کنید و صبح روز بعد افسرده و سنگین از خواب برخیزید؛ قبل از شروع به پرخوری، حالات بعدی آن را به خاطر آورید. فکر خود را از غذا و موضوعات مربوط به آن منحرف کنید. در کنار دیگران بودن و لذت بردن از دقایق، نباید راهی برای مصرف چربی و پرخوری باشد. بدون آن هم می‌توان از جمع لذت

کامل برد

پودر استریل دینه پرن ملین گیاهی و کمک غذای مناسب در رژیم های لاغری



بر قایق ابرها (مجموعه شعر برای کودکان و نوجوانان)

دولت‌آبادی، پروین

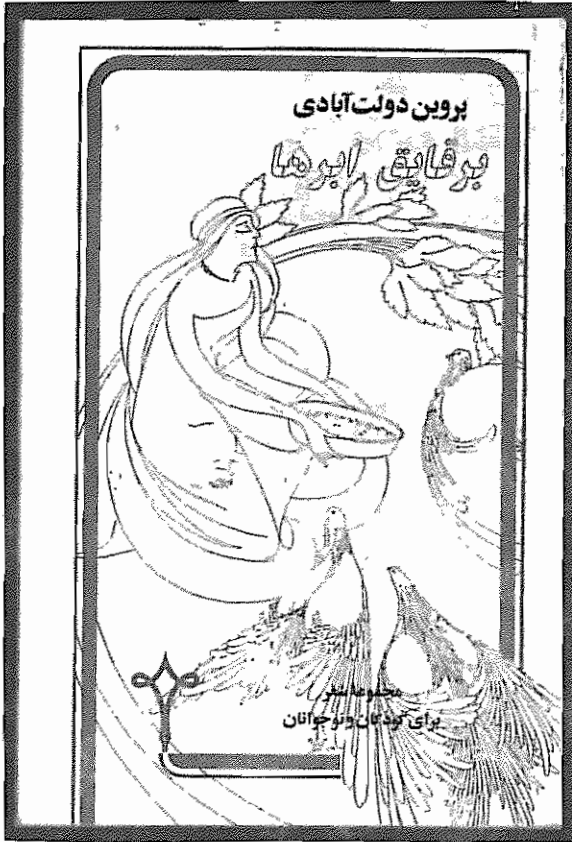
نشر نقره

تهران

۱۳۷۳

چاپ اول

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه



شهرام رجب‌زاده

پروین دولت‌آبادی و «بر قایق ابرها»

تنها پروین دولت‌آبادی بود که شاعر بود پیش از آنکه برای کودکان شعر بگوید، و چون به گفتن شعر برای کودکان پرداخت، کوشید که از جان شعری خود در کالبد کلام ساده در جامه و زندهای عروضی و هجایی، پاره‌هایی بگذارد و به کودکان بدهد. ^۱ ■■

محمود کیانوش در چند جمله‌ای که خواندید، به اجمال طرح ساده‌ای از شکل‌گیری اولین جلوه‌های شعر کودک در ایران را ترسیم می‌کند. جلوه‌هایی که باید مقدمات پیدایش شعر کودک (به معنای دقیق کلمه) محسوب شوند. اگر معنای دقیق شعر کودک را با تمام خصوصیات اصلی و اساسی آن در نظر بگیریم، بی تردید آغازگر آن در ایران محمود کیانوش است. چرا که تا پیش از او، مجموعه کامل این خصوصیات را در کار هیچ شاعری نمی‌بینیم. به علاوه او اولین تئورسین و اولین منتقد شعر کودک ایران نیز محسوب می‌شود و از این جهت نقش و جایگاه او در شعر کودک، شباهت بسیاری به نقش و جایگاه نیماوشیچ در شعر معاصر ایران دارد. بنابراین به خطا نرفته‌ایم اگر همچنان که شعر معاصر ایران را به دو دوره «پیش از نیما» و «پس از نیما» تقسیم می‌کنیم؛ شعر کودک ایران را نیز در دو دوره «پیش از کیانوش» و «پس از کیانوش» بررسی کنیم. پروین دولت‌آبادی از پیشگامان و پیشکسوتان شعر کودک ایران است که اخیراً مجموعه اشعاری را که در فاصله سالیهای ۱۳۲۵ تا ۱۳۵۵ برای کودکان و نوجوانان سروده، در کتابی با نام *بر قایق ابرها* گردآورده و منتشر ساخته است.^۲ انتشار این کتاب، بهانه خوبی برای نقد و بررسی آثار او و ارزیابی جایگاه این شاعر در عرصه شعر کودک ایران است.

«... انقلاب مشروطیت در گرفت... دیگرگونی فرهنگ و تعلیم و تربیت و ادبیات، که به هر حال در وقوع خود از غرب نیز مایه گرفته بود، موجب شد که شاعران گاه به یاد کودکان نیز بیفتند و برای آنها شعر بگویند. این شاعران که چون مردم شعر می‌ساختند، ناگزیر در بیان اشعار به زبان مردم نزدیکتر می‌آمدند، در میان اشعار خود داشتند شعرهایی نیز که به کار کودکان می‌آمد؛ با این همه شعرهایی که ویژه کودکان می‌ساختند، و نیز شعرهایی که در میان دیگر اشعارشان به کار کودکان می‌آمد، هیچ یک از شناخت واقعی جهان کودک مایه‌ور نبود. به عبارت دیگر شعرهایی داشتیم که کودکان می‌توانستند آنها را بخوانند و بفهمند، اما «شعر کودک» نداشتیم... رفته رفته از میان کسانی که دل به تعلیم و تربیت کودک سپرده بودند، تنی چند به نیاز عمیق کودک امروز به شعر پی بردند و خود به ساختن شعر ویژه کودکان پرداختند. چبار باغچه‌بان و عباس یمینی شریف از آن جمله بودند، که اولی پاکدل و بی‌ادعا بود و دوستدار واقعی کودک. می‌کوشید که چیزهایی شعرگونه برای کودکان در حد نیازی که خود در «باغچه» اش به آنها داشت، بسازد، و اما دومی هرگز باور نکرد که شاعر نیست و آنچه می‌سازد نه شعر است، نه حتی وسیله‌ای برای سرگرمی کودکان، چنانکه انتظارشان را از شعر گمراه نکند و بتوانند میان آگهیهای منظوم بازرگانی و شعر تفاوتی بگذارند، و باز باور نکرد که قبول او نشانه خالی بودن میدان بود، نه پهلوانی او، اما به هر حال او و امثال او هم جای خود دارند در آغاز کردن کار، و آغاز کنندگان، بی مایه و مایه‌ور، شایسته احترامند، مایه‌وران‌شان می‌مانند و بی‌مایگان‌شان می‌روند. و بعدها دیگرانی به شمار آنها افزوده شدند و

چیزی کم ندارند، بلکه بهتر و زیباترند، با این همه چون به کتابهای درسی راه پیدا نکرده‌اند، از چنین شهرتی نیز بهره نبرده‌اند.

با این همه شعر او خالی از ضعف نیست و حتی پاره‌ای از معایبی را که منصوره راعی، به حق برای شعر کودک این سالها بر می‌شمارد؛ در کار دولت‌آبادی نیز نمودی آشکار دارد. درست است که شاعران کودک امروز باید از محمود کیانوش بسیار بیاموزند و نیز درست است که باید قدر پیشگامان و پیشکوتان را دانست و آنها را بزرگ داشت. همچنین این نکته را نیز نباید فراموش کرد که اگر کسانی چون پروین دولت‌آبادی نبودند، راه برای شاعرانی چون کیانوش آن قدر هموار نمی‌شد که بتوانند پایه‌های بنای شعر کودک ایران را از سر روشن‌بینی با استحکامی تحسین برانگیز بسازند اما یقیناً بررسی دقیق و همه‌جانبه کار شاعران، بارها و بارها مفیدتر از تحسینهای ساده است؛ که شأن پیشگامان و پشاهنگان، بسیار برتر از نیازمندی به این تمجیدهاست. به گمان من کار پروین دولت‌آبادی در سه محور عمده، دارای خصوصیاتی است که مانع می‌شود وی با کیانوش بر یک پله بایستد. این سه محور عبارتند از: نگاه، موسیقی، زبان.

◀ نگاه

نگاه دولت‌آبادی در اغلب شعرهایش نگاهی کودکانه نیست. او از موضعی بزرگسالانه - و در بیشتر موارد مادرانه - به دنیای کودکان می‌نگرد و آنچه را از دریچه چشم بزرگسالی می‌بیند، در قالب شعر بازگو می‌کند. در بسیاری از شعرهای او، این نگاه بزرگسالانه حتی در صورتی‌ترین وجوه شعر نیز نفوذ کرده است. در کارنامه او تعداد شعرهایی که از زبان مادر یا بزرگسال دیگری سخن می‌گوید، کم نیست. طبیعی است که در این گونه شعرها نباید جز این انتظار داشت که بزرگسال با نگاه بزرگسالانه خویش ببیند و با زبان بزرگسالانه خود سخن بگوید. مواردی از این دست به وفور در مجموعه شعرهای او یافت می‌شود:

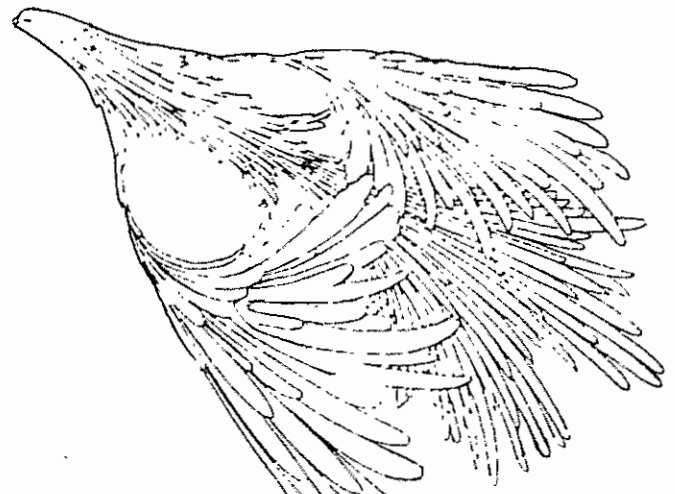
- کودکی تندخوی و بی آرام
- دوی دیوار خط کشید و گذشت... (ص ۱۴)
- دخترم گوشه اتاق نشست
- داشت زینا عروسکی در دست... (ص ۴۹)
- دو دستت، نازنین من
- پر از فرداست بگشاید دستهایت را... (ص ۷۳)
- تو بهاری، تو گلی
- نازنین کودک من... (ص ۱۲۴)
- کودکم بر روی کاغذ پارویی
- خط کشید و خط خود را باز خواند... (ص ۱۵۱)

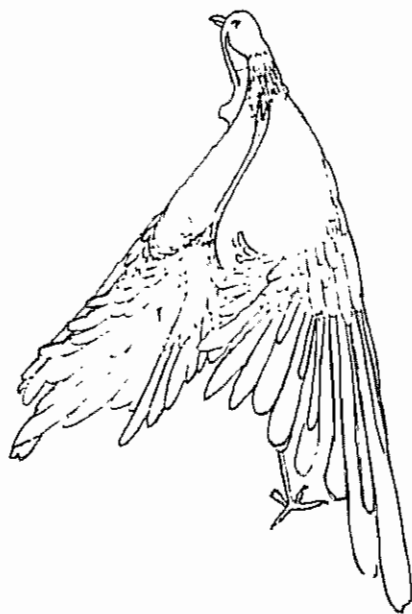
به گمان من، دولت‌آبادی چه از نظر زمانی و چه از نظر مرتبه و مرحله شعری، به دوره پیش از کیانوش تعلق دارد و بهترین و موفقترین و کاملترین نمونه شعر کودک این دوره را در کارهای او می‌توان جست. با این همه، گاه در قضاوتها و اظهار نظرهایی که از گوشه و کنار می‌شنویم، درباره دولت‌آبادی و کارنامه شاعری او برای کودکان و نوجوانان و جوهی را می‌بینیم که با نقد و ارزیابی علمی و روشمند فاصله دارد. به عنوان مثال می‌توان به اظهار نظر منصوره راعی، مسئول گروههای بررسی شورای کتاب کودک در این باره اشاره کرد. ایشان با اشاره به روند شعر کودک پس از انقلاب، می‌نویسد: «در حوزه شعر می‌توان گفت که شاعران، کم و بیش به عالم کودکان نزدیک شده‌اند ولی هنوز اشعارشان از نظر کیفی یکدست نیست، از مضامین تازه استفاده نمی‌کنند و کلامشان آهنگین و تخیل برانگیز نیست. بیشتر شاعران در دام آموزش مستقیم گرفتارند. هنوز باید از شاعرانی چون محمود کیانوش و پروین دولت‌آبادی که از پیشگامان در ایران بوده‌اند، بسیار آموخت.»^۳

به عقیده صاحب این قلم، کنار هم قرار دادن نام محمود کیانوش و پروین دولت‌آبادی، و هم ارز دانستن تلویحی کار شعری این دو، نوعی مسامحه و نادیده انگاشتن اصول بررسیهای علمی و دقیق است. کیانوش شاعری به معنای حقیقی کلمه، آغازگر است که ذوق، تسلط، دانش تئوریک و راهگشایی را یکجا در خویش گردآورده است و هنوز هم با گذشت سالیان دراز، می‌توان او را موفقترین شاعر کودک ایران و به تعبیر یکی از منتقدان آثارش «تنها الگوی شعر کودک ایران» خواند.^۴ اما دولت‌آبادی از پیشکوتان این وادی است که در دوره خویش (یعنی دوره پیش از کیانوش) کاملترین نمونه است و کارنامه شعریش بسیار مهم و تأثیرگذار بوده و به قول کیانوش از جان شعری خود در کالبد کلام ساده گذاشته و به کودکان بخشیده است. با این همه نمی‌توان او را با کیانوش مقایسه کرد.

در کارنامه پروین دولت‌آبادی برخی از بهترین و موفقترین شعرهای دوره پیش از کیانوش را می‌بینیم: شعرهایی چون «خدا» (ص ۱۰)، «آمد بهاران» (ص ۳۴)، «بخوان آواز» (ص ۶۴)، «خواب خرگوش» (ص ۱۵۳)، «قصه برف» (ص ۲۳۶) و «لالایی» (ص ۲۹۷). حتی بعضی از این شعرها جزء آثار مشهور قلمرو شعر کودک به حساب می‌آیند. مانند شعر «خدا» که از سر حسن سلیقه در ابتدای کتاب پر قایق ابرها آمده است. این شعر توفیق خود را مدیون نزدیکی نگاه شاعر به دنیای کودکان، زبان نسبتاً ساده و روان و یکدست و نیز جوهر شاعرانه‌ای است که در کار به چشم می‌خورد. البته شهرت این شعر تا حدودی نیز به خاطر آن است که امکان ورود به کتابهای درسی را یافته است و گرچه برخی از شعرهای این مجموعه، نه تنها از این شعر

● دولت‌آبادی چه از نظر زمانی و چه از نظر مرتبه و مرحله شعری، به دوره پیش از کیانوش تعلق دارد و بهترین و موفقترین و کاملترین نمونه شعر کودک این دوره را در کارهای او می‌توان جست.





این ویژگی، خاص شعرهایی از این دست نیست. شعرهایی هم که از زبان کودکی سخن می‌گویند، اغلب از نگاهی بزرگسالانه حکایت دارند. گرچه در این شعرها کودک است که حرف می‌زند اما حرفهای او نشان از نگاه شاعر بزرگسالی دارد که پشت شعر ایستاده است.

من که زینبار از گلم ز چه رو

این چنین زشت خوی و بدرویم

از چه ویرانگر است دستانم

از چه نامهربان و بدخویم... (ص ۱۵)

کودکی تو رسیده بودم من

تازه تازه گشوده لب به سخن... (ص ۲۸)

آوردگار، آوردگار من

او فیض بخشی همچو خورشید است (ص ۳۵)

با نام تو می‌خوانند

هر جا که مرا نام است

در امن وجود تو

آسایش و آرام است... (ص ۱۰۳)

حتی در اغلب شعرهای توصیفی که نه شخصیت بزرگسالی حضور دارد و نه شخصیت کودکی، رنگ نگاه کاملاً بزرگسالانه است.

شبهای چراغ مهتاب

با نور سیمگونش

می‌ریخت تیره ناب... (ص ۲۵)

برآید به هر صبحدم آفتاب

گشاید جهان دیده خود ز خواب

جهان آفرین زندگانی دهد

به جان هستی جاودانی دهد... (ص ۵۴)

در اینجا مجال آن نیست تا از ویژگیهای نگاه کودکانه سخن بگوییم اما با نمونه‌ای از شعرهای همین شاعر، می‌توان رنگ نگاه کودکانه را شناخت و آن را از نگاه بزرگسالانه تشخیص داد. در برخی از شعرهای دولت‌آبادی - که تعدادشان چندان زیاد نیست - نگاه شاعر به رنگ نگاه کودکان در می‌آید.

شب برفی، شب یخبندان است

آدمک برفی در کوچه ما همان است

کاش سرما نخورد... (ص ۲۲)

موسیقی

وزن بسیاری از شعرهای دولت‌آبادی با فضای موسیقایی خاص شعر کودک هماهنگی ندارد. مثلاً در این شعر:

با سلام گرم آفتاب^{۴۴}

صبح پا شدم ز خواب

آب آبی، آب ناب

می‌برد ز چشم خواب

قطره قطره آب پاک

روی مخمل تم نشست^{۴۵}

دانه‌دانه قطره‌ها

در میان هر دو دست

آب آبی، آب پاک

مثل ژاله‌های صبحدم^{۴۶}

● دولت‌آبادی از موضعی بزرگسالانه - و در بیشتر موارد مادرانه - به دنیای کودکان می‌نگرد و آنچه را از دریچه چشم بزرگسالی می‌بیند در قالب شعر بازگو می‌کند.

روی صورتم دوید

دست مهربان خویش را^{۴۷}

روی گونه‌ام کشید (ص ۱۹)

مصراعهای ستاره‌دار از مدار موسیقایی شعر خارجند. این نقص از آنجا نشأت می‌گیرد که شاعر بدون توجه به ویژگیهای شعر کودک، تصمیم گرفته است برای ایجاد تنوع وزنی، از وزن شکسته استفاده کند.

محمود کیانوش در مورد وزن شکسته می‌نویسد: «در شعر کودک، برای سنینی که او به دروازه شعر محض نزدیک می‌شود، یا پیش از مدرسه که شعر برای او بیشتر صورت «ترانه» دارد، می‌توان از وزن شکسته عروضی استفاده کرد اما شکستن باید در حد تفاوت تعداد پایه‌های اصلی بماند تا به شکستن موسیقی نینجامد. اگر ما پایه‌ها را در خود آنها بشکنیم، اجزای اصلی وزن را شکسته‌ایم، و گاه این نوع شکستن موجب گم شدن یا چندگونگی موسیقی شعر می‌شود و کودک انتظام وزنی را در شعر احساس نمی‌کند.»^{۴۸}

در نمونه‌ای که ذکر شد، شکستن پایه‌ها در خود آنها منجر به شکستن اجزای اصلی وزن و گم شدن و چندگونگی موسیقی شعر شده است. این مسأله در شعر دولت‌آبادی، شایع است و نمونه‌های فراوان دارد.

ایجاد تنوع وزنی در شعر کودک، باید تابع اصولی باشد که به انتظام وزنی شعر در ذهن کودک لطمه نزند. کیانوش در این باره چنین نوشته است: «تنوع وزن در یک شعر، به مفهوم تفاوت بودن طول مصراعها و حفظ محدوده یک بحر عروضی، برای شعر کودک باید اولاً متناسب با موضوع باشد، ثانیاً کوتاهی و بلندی مصراعها و محل

● اگر کسانی چون دولت‌آبادی نبودند، راه برای شاعرانی چون کیانوش هموار نمی‌شد اما یقیناً بررسی دقیق و همه‌جانبه کار شاعران، بارها و بارها مفیدتر از تحسینهای ساده است؛ که شأن پیشگامان و پیشاهنگان بسیار برتر از نیازمندی به این تمجیدهاست.

قافیه‌ها از نظم و ترتیبی سنجیده پیروی کند. بنابراین بی‌نظمی در طول مصراعها و محل قوافی که در شعر موزون معاصر ملاحظه می‌شود، در شعر کودک روا نیست. استفاده از اوزان عروضی شکسته، با پیروی از نظم و ترتیبی سنجیده، کودک را برای ورود به دنیای وسیع شعر معاصر آماده می‌کند، و تنوع وزنی در همین حد بسنده می‌نماید.^۴

شعر خود کیانوش، نمونه کامل این هوشیاری در ایجاد تنوع وزنی است. او همواره نظم و ترتیب سنجیده‌ای را که خود بدان معتقد است، در کوتاهی و بلندی مصراعها و نیز محل قوافی مراعات می‌کند و به قول منتقدی «به دوره تناوب پایبند است.» این منتقد در مقاله‌ای درباره شعر محمود کیانوش به این ویژگی اشاره دارد و آن را چنین توضیح می‌دهد: «کیانوش در تمام اشعار دارای فرم خود به دوره تناوب پایبند است و از نظم خاصی تبعیت می‌کند. تقریباً تمام شعرها از چند بند تشکیل یافته است که این بندها از نظر تعداد مصراعها و طرز قرارگرفتن قوافی یکسانند. این بندها ممکن است دو، سه، چهار، پنج، شش، هفت و حتی هشت مصراع داشته باشند. قالبهایی نظیر قطعه و چهارپاره هم در این تعریف جای می‌گیرند، به طوری که در قطعه، دوره تناوب دو مصراعی و در چهارپاره، چهار مصراعی است.»^۵

اما شعر دولت‌آبادی جز در مثنویها، قطعات و چهارپاره‌ها چنین نیست. چند نمونه دیگر از این بی‌نظمی را که شدیداً به انتظام موسیقایی شعرها لطمه زده است، مثال می‌زنم:

نارون به باد گفت

ای دم تو گم

آمدی که برتم کنی

آن خویر تو... (ص ۷۷)

در این شعر مصراعهای دوم و چهارم از نظر موسیقایی هماهنگند و مصراع اول و سوم هریک فضای موسیقایی متفاوتی دارند که با هم و با دو مصراع دیگر سازگار نیست.

... بر گها به ساز باد

چرخ می‌زنند در هوا

ساز بادها چه دل‌شکن

رقص بادها چه غم‌زا... (ص ۸۷)

در اینجا نیز از نظر ویژگیهای خاص موسیقی شعر کودک، وزن مصراع اول با مصراعهای بعد ناهماهنگ است.

یکی دیگر از مشکلات موسیقی شعرهای دولت‌آبادی، مربوط به قطع مصراع در مکان نامناسب است که به وفور در شعرهای او به چشم می‌خورد. قطع مصراع در مکانی که از نظر موسیقایی مناسب

زبان
دولت‌آبادی
۳۴

نیست، به موسیقی شعر لطمه می‌زند. به عنوان مثال در شعر زیر:
آینه آب
پوشد از نور
خوشید فشانند
پرتو از دور... (ص ۸۱)

در اصل دو مصراع اول باید پشت سرهم خوانده شود و دو مصراع بعد نیز پشت سرهم. یعنی این چهار مصراع در واقع دو مصراع است که با قطع نامناسب و تقسیم به چهار مصراع، لطمه موسیقایی خورده است.

برای آشنایی با کاربرد هماهنگی وزن و موضوع شعر، و نیز موسیقی مناسب شعر، و موسیقایی با حال و هوای کودکانه به نمونه‌ای از شعرهای خود دولت‌آبادی اشاره می‌کنم و از این مبحث می‌گذرم.

چون گلی خنده بشکند

بر من شاخسارها

روی شکوفه می‌دهد

مژده برگ و بارها

آب زلال می‌دود

در تن جویبارها... (ص ۵۲)

◀ زبان

از مهمترین موارد زبان شعرهای دولت‌آبادی عدم یکدستی، عدم تطابق با مخاطب، عدم سلامت و فقدان فصاحت در بسیاری از شعرهاست. پیش از ذکر مثال، بد نیست باز هم نظر کیانوش را در مورد زبان در شعر کودک بدانیم.

«زبان در شعر کودک باید «ساده» و «طبیعی» و «امروزی» و «مفهوم» باشد. سادگی زبان بر دو اصل استوار است. اصل اول آنکه لغات زبان از محدوده گفتار کودک بیرون نباشند. کودک در گفت و شنود روزانه لغاتی را می‌گوید و می‌شنود که اساسیترین لغات در زندگی هستند. این لغات اساسی را تا اندازه‌ای خواننده‌های او وسعت می‌بخشد اما این وسعت دامنه‌اش به مرزهای همه لغتهایی که شاعران می‌دانند و ترکیباتی که می‌سازند، نمی‌رسد. پس فراتر بردن این دامنه تا اصطلاحات و ترکیبات و لغات قرنهای گذشته، مخصوصاً آنها که برای پی بردن به معانی و مفاهیمشان مراجعه به فرهنگهای کهن ضرورت دارد، به هیچ وجه روا نیست.

● شعر «خدا» که دارای زبان نسبتاً ساده و روان و یکدست و نیز جوهر شاعرانه است، به خاطر ورود به کتابهای درسی شهرت یافته، اما برخی شعرهای این مجموعه نیز نه تنها چیزی از آن کم ندارند بلکه بهتر و زیباترند.

دانه‌دانه ریخت باران
دوی بام و روی ایوان
دوی حوض خانه‌ما
ریخت باران شاد و خندان

با سرود نرم باران
نارون از خواب پا شد
چشم خواب‌آلود نرگس
با نسیم صبح وا شد

آب حوض خانه‌ما
از یخ نازک رها شد
کاشی فیروزه رنگش
جایگاه مرغها شد

باز شد گنجشک زینا
بر درخت خانه مهمان
پر زد این سو، خواند آن سو
جیک جیک، آمد بهاران ■

اصل دوم در سادگی زبان آن است که ترکیب کلام هر چه بیشتر به زبان ساده گفت و گویی نزدیک باشد و از درهم ریختگیهایی که سخن منظوم معمولاً در انتظام ساده کلام پیش می‌آورد، پرهیز شود، و البته نه چندان پرهیز شود که سخن از لطافت شعری محروم بماند. بسیاری از ابهامها، که کودک را از دریافت مفاهیم شعر باز می‌دارد، نه در مفاهیم است، نه در یکیک الفاظ شعر، بلکه سبب این ابهامها ترتیب قرار گرفتن کلمات در جملات یا مصراعهاست. به همین دلیل است که در شعر کودک شیوه بیان باید شیوه سهل و ممتنع باشد و این کاری است که از شاعران کارآزموده برمی‌آید...»^۱

ابتدا بهتر است دایره واژگان شعرهای دولت‌آبادی را محک بزیم. این واژه‌ها و ترکیبات را از صفحات گوناگون مجموعه او انتخاب کرده‌ام: «نقره‌سا»، «سوده»، «کامرانی»، «شکرفشان»، «سیم» (به معنای نقره)، «گویا»، «فراخا»، «یکان یکان»، «دلاویز»، «زمان خردی»، «گفته بودند»، «آویزه»، «شب‌گداز»، «گوهر بیز» و...

اکنون به ترکیب کلام و نحو زبان در شعرهای دولت‌آبادی بنگریم و ببینیم تا چه حد از اصول این نوع شعر تبعیت می‌کند. به این نمونه‌ها توجه کنید:

دو دست شانه زلفم مویه مو کرد... (ص ۳۱۸)

تو از نوری، بلوری

تیرگی پنلیر... (ص ۷۴)

آشکار است که نحو زبان و کاربرد کلمات چقدر با دنیای کودکان فاصله دارد و جابه‌جایی ارکان جمله و استفاده از ساختارهای کهن زبانی، چه لطمه‌ای به شعرها زده است. این مسأله نیز در شعر دولت‌آبادی بسیار شایع است. زبان دولت‌آبادی در اشعاری که برای کودکان سروده است، مشکلات دیگری نیز دارد که فرصت کوتاه این مقاله امکان پرداختن به آنها را نمی‌دهد. مشکلاتی چون غلطهای دستوری، آمیختگی گونه‌های مختلف زبانی (اعم از ادبی و عامیانه، امروزی و کهن، کودکانه و بزرگسالانه و...)، عدم فصاحت و...

*

علی‌رغم همه این ضعفها، پروین دولت‌آبادی موفقترین شاعر کودک دوره پیش از کیانوش محسوب می‌شود و شعر او یکی از حلقه‌های مراحل شکل‌گیری این گونه از شعر است که نمی‌توان نقش آن را ندیده گرفت. در پایان این نوشتار، به عنوان حسن ختام، یکی از شعرهای مجموعه بر قایق ابرها را نقل می‌کنم که به دلیل برخوردار بودن از ویژگیهایی که در آغاز مقاله بدانها اشاره کردم، باید آن را از اشعار خوب و موفق دولت‌آبادی شمرد:

یادداشتها

۱- محمود کیانوش، شعر کودک در ایران، چاپ اول، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۵۲، صص ۳۷-۳۵ [با تلخیص]

۲- پروین دولت‌آبادی، بر قایق ابرها، چاپ اول، نشر نقره، تهران، ۱۳۷۳

۳- منصوره راعی، «رشد ادبیات کودکان و نوجوانان بعد از انقلاب اسلامی چشمگیر است»، ادبستان، شماره ۳۸، بهمن ۱۳۷۱، ص ۲۰

۴- مهرش طهوری، «قصه زلال آب (نگاهی به شعر محمود کیانوش)»، روزنامه همشهری، شماره‌های ۵۰ و ۵۲، ۵۶، ۶۶ و ۶۸ بهمن و آسفند ۱۳۷۱

۵- محمود کیانوش، همان، ص ۷۸

۶- همان، ص ۸۰



تحول هویت جنسی در دختران

پاملا آشurst و زایدا هال
ترجمه شروین شمالی

● مادری که با رفتار سرد، محبت خود را از دخترش دریغ می‌کند، یا نسبت به ارزش خود به عنوان یک زن دچار تردید است، الگوی مناسبی از زنانگی را در اختیار دخترش قرار نمی‌دهد.

دو تا حدودی به واسطه همانندسازی با جنس موافق یعنی دختری با مادر و پدر با پسر، این تعارضات را برطرف می‌سازند. به هر حال کیفیت تحول هویت جنسی در زنان و مردان یکسان نیست.

از آنجایی که مادران غالباً وظیفه اصلی نگهداری از کودک را به عهده دارند، پسران و دختران با مادر همانندسازی می‌کنند. و اما با گذر از مراحل رشد، دختران در مقایسه با پسران به دلیل همجنس بودن با مادر، تمایل بیشتری به همانندسازی با او را در خود می‌یابند.

پس از فروید، شماری از نظریه‌پردازان از تفاوت در تحول هویت جنسی جنس مذکر و مونث برای تبیین رفتار متفاوت پسران و

سالگی در آستانه استقلال قرار گرفته و بی‌آنکه دایماً از غیبت مادر هراسان باشد، مستقل می‌اندیشد و تجربه می‌کند. کودک باید بیش از کسب هویت جنسی خود، هویت اولیه یعنی «خود حقیقی» را شکل دهد. ■

کودک زمانی معنای «امنیت» را درمی‌یابد که مادر نیازهای او را برطرف سازد. زمانی که کودک درمی‌یابد نیازهای او برطرف نمی‌شود، در قبال مادر احساس خشم می‌کند و اندیشه‌های مخربی را در سر می‌پروراند.

فروید تحول هویت جنسی را از دو تا پنج سالگی می‌داند. طی این سالها پسران و دختران با والدین همجنس خود برای جلب توجه والدین جنس مخالف رقابت کرده و هر

از میان عواملی که در تحول شخصیت فرد موثرند، نخستین روابط او با مادر عمده‌ترین عامل محسوب می‌شود. نوزاد آدمی پس از تولد تنها در پی ارضای نیاز گرسنگی و تشنگی است. اما به تدریج از وجود مادر به عنوان موجودی متفاوت با دیگران آگاه می‌شود، با او ارتباط برقرار می‌کند و رفته‌رفته به کاوش محیط پیرامون خود می‌پردازد. کودک یک ساله که نخستین گامها را برمی‌دارد، از تسلط روزافزون خود بر محیط اطرافش شادمان می‌شود. در دو سالگی توانایی وی برای تمیز «خود» از مادر به احساس ضعف و درماندگی منجر می‌شود. بنابراین کودک دو ساله از تنهایی و رودرویی با ناشناخته‌ها می‌هراسد اما در سه



دختران استفاده کرده‌اند. نانسی چودرو به بررسی پیامدهای نگرش متفاوت والدین در قبال دختران و پسران پرداخته است. به اعتقاد وی مادران به دلیل همجنس بودن با دختران، و به دلیل اینکه روزی خود دختر بوده‌اند، جدایی از فرزندشان را دشوار می‌یابند. چرا که آنها دختران را تصویری از خود دانسته و در عالم خیال همچون دوران آبتنی‌شان آنها را جزیی از وجودشان می‌دانند. اما فرزندان پسر را به دلیل آنکه همجنس خود نیستند دارای ماهیتی جداگانه می‌پندارند.

از سوی دیگر پدران که از نظر بیولوژیکی وظیفه آبتنی و به دنیا آوردن فرزندان خود را به عهده ندارند، با آنها به گونه‌ای دیگر رفتار می‌کنند. پدران غالباً به بازیهای خشن با فرزندان خود تمایل دارند. مثلاً آنها را قفلک می‌دهند و یا بالا و پایین می‌اندازند. حال آنکه مادران به آرامی کودک خود را در آغوش گرفته و به او آرامش می‌بخشند.

تاکنون در زمینه تفاوت نگرش به «خود» در میان پسران و دختران در حوزه‌های اجتماعی و روان‌شناختی، پژوهشهای بسیاری انجام شده است. به اعتقاد چودرو و گرایش

می‌دهند. آنها به لحاظ عاطفی به والدین و پس از ازدواج به شریک زندگی خود وابسته بوده و توقع حمایت و احترام متقابل از سوی آنها را دارند.

همانندسازی با مادر در تحول هویت زنانه دختر نقش مهمی را ایفا می‌کند. مادری که رفتار سردی را نشان می‌دهد و محبت خود را از دخترش دریغ می‌کند یا آنکه نسبت به ارزش خود به عنوان یک زن دچار تردید است، الگوی مناسبی از زنانگی را در اختیار وی قرار نمی‌دهد. از سوی دیگر اگر زن دارای شخصیت لطیف زنانه بوده و دخترش او را زنی موفق بداند، بعید نیست که دختر هویت زنانه کاملی را به دست آورد. بیماری روانی، بیماریهای حاد جسمانی و یا غیبت مکرر مادر، در نخستین تصویرهای ذهنی دختر از «خود» اثرگذار است. از آنجایی که مادر نخستین کسی است که از فرزند نگهداری می‌کند، با نگرشهای خود، برداشت از جنسیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر مادر در خانه مسائل سؤال‌برانگیز ذهن دختر را حل نکند یا مادر رابطه سردی با پدر خانواده داشته باشد، دختر چنین می‌پندارد که

شده است. نحوه برخورد والدین با فرزندان خود، طرز تفکر دختر را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. گاه وی از مشاهده اینکه مانند برادر، محبوب همه نیست، احساس حقارت می‌کند و تصور می‌نماید که به دلیل جنسیت خود در رقابت بر سر جلب توجه اطرافیان بازنده است. اگر زنی چنین بیندیشد که زنانگی وی «بد» است، اطمینان حاصل می‌کند که حوادث ناگوار زندگی، مثلاً شکست در زندگی زناشویی، آسیب اندامهای زنانه، سرطان رحم، نازایی و یا حتی به دنیا آوردن فرزند ناقص، به دلیل جنسیت وی به وقوع می‌پیوندد.

و اما در مورد زنانی که اسلحه به دست گرفته و پرخاشگرند، رفتاری خشن دارند و یا آنکه با سخنان نیشدار مردان را تحقیر می‌کنند چه باید گفت؟ به اعتقاد فروید این گونه زنان آرزوی مرد شدن را ندارند بلکه از مطیع و فرمانبردار بودن و تحت سیطره مردان درآمدن، می‌هراسند. چنین افکاری سبب می‌گردد که زن به طور ناخودآگاه، داشتن اندامهای زنانه را انکار کرده و نوعی رفتار مردانه را از خود نشان دهد اما کسی که هویت زنانه او کاملاً

● طی سالهای تحول هویت جنسی، کودکان برای جلب توجه والدین جنس مخالف، با والدین همجنس خود رقابت و همانندسازی می‌کنند.

دختران به سازش با مادر بیانگر این حقیقت است که آنان برخلاف مردان بیش از هرگونه رقابت و یا فعالیتهای اجتماعی به برقراری روابط عاطفی و ابراز احساسات تمایل دارند.

ظاهراً دختران نوجوان در مقایسه با پسران بیشتر برای عقاید همسالان ارزش قایل شده و از تصویر ذهنی بدن خود آگاهترند. چنین به نظر می‌رسد که پسران گرایش به رقابت دارند، به عقاید دیگران کمتر اهمیت می‌دهند و تنها زمانی به عقاید دیگران توجه می‌کنند که برای دستیابی به موفقیت نیازمند به تأیید آنها باشند. از سوی دیگر دختران نیاز به زندگی در میان خانواده و دوستان را دارند و تأیید آنها را به پیشرفت فردیشان ترجیح

این گونه مسائل بد هستند و بعدها سعی در مهار این افکار داشته و از اندیشه آنها شرمسار شده و احساس گناه می‌کند.

نخستین اطلاعاتی که دختر در زمینه روابط جنسی به دست می‌آورد، در رشد هویت زنانگی وی نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. وی از اولین عادت ماهانه خود که نشانه بلوغ زنانگی اوست احساس غرور می‌نماید و چنانچه از این امر بی‌اطلاع باشد، دچار ترس و وحشت می‌شود. محبت پدر و تأیید اعمال دختر نیز در تحول هویت زنانه وی موثر واقع می‌شود.

اگر پدر رفتار سردی داشته و همواره از دختر فاصله بگیرد، وی چنین تصویری که به دلیل جنسیت خود مورد نفرت پدر واقع

متحول شده و به رشد و بلوغ رسیده از زن بودن خود راضی است و از اینکه روزی فرزندی را به دنیا می‌آورد، احساس غرور می‌کند.

حال در اینجا این پرسش در ذهن ما مطرح می‌شود که آیا مادر شدن تنها راه ارضای خلاء وجودی زن است؟ یا آنکه اگر زنی طالب مادر شدن نیست، می‌توان پنداشت که هویت زنانه وی تکامل نیافته است؟ پاسخ به این پرسشها دشوار می‌باشد اما باید اذعان داشت تا زمانی که زن هویت خود را به درستی دریافته و در صدد رفع موانعی که بر سر راه او قرار دارد بر نیاید، به کمال مطلوب دست نخواهد یافت ■





همسر، سوز

● جان مایه فیلم، به شکلی قابل تقدیر، توجه به لیاقت

نوری در این ظلمات از توانایی زن برتابد و به جلوه

در این لحظه غافلگیری، کشفایش را از پا درمی آورد و هر لنگه را در یکی از جیبهای پالتوش می گذارد و پاورچین پاورچین از محل می گریزد. سکانسهایی که شیرین، شخصیت اصلی، برای رهاندن شوهرش از انبار در ساعات تعطیل شرکت، به دستشویی می گریزد و کشفایش را از پا درمی آورد، باز هم برگرفته از مارتی است.

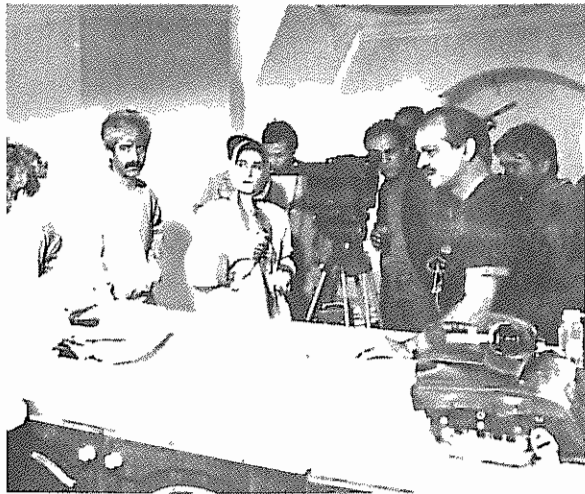
کارگردان همسر که فیلمنامه نویس آن نیز هست در مصاحبه ای دیگر می گوید: «خواننده بودم که کارگردانی چون هیچکاک فیلمنامه کار می نویسند. سعی کردم از قبل، همه چیز را دقیقاً در همان مراحل فیلمنامه در ذهنم طراحی کنم» این دقت و سنجیدگی موفقیت آمیز بود. همچنان که محمود کلاری، فیلمبردار همسر نیز در مصاحبه ای گفته است: «فیلم همسر مو به مو طبق آنچه که روی کاغذ نوشته شده بود، فیلمبرداری شد و این در سینمای ما بندرت اتفاق می افتد. همسر از این نظر فیلم کاملی است.»

تعلقات ذهنی و علایق فیلمساز، مانند هر هنرمندی، از مهمترین مؤلفه های تأثیرگذار بر جهت گیریهای موضوعی و ساختاری اثر اوست. در اینجا گرایش به هیچکاک، که کماکان و پس از گذشت

سازنده فیلم همسر، در یکی از مصاحبه هایش، خواننده و بیننده را به آثار هیچکاک ارجاع داده است و همین امر خواهناخواه کار را به مقایسه می کشاند. هر چند مقایسه فیلم همسر و آثار هیچکاک ممکن است دوستانه استاد را خوش نیاید. علاوه بر گفته های کارگردان همسر، بخشهایی از فیلم نیز این مقایسه را اجتنابناپذیر می سازد. فرانسواتروفو در مصاحبه بلند و مشهورش، خطاب به استاد می گوید: شما همیشه یک روش واحد برای نمایش و بازگویی وقایع فیلمهایی که با صحنه خشونت شروع نمی کنید، دارید: از دورترین به سراغ نزدیکترین می روید. اول شهر را نشان می دهید، بعد ساختمانی را در شهر و بعد اتاقی را در این ساختمان. ■

همسر نیز چنین شروعی دارد. در فیلم مارتی ساخته هیچکاک، با دختر روان پریشی که تحت تأثیر گذشته اش دست به دزدی می زند، روبه روییم. در سکانسی، مارتی پس از تعطیل اداره و دستبرد به گاوصندوق محل کارش، ناگهان در می یابد که نظافتچی آنجاست. او





الهام خاکسار

خوب، پر داخت...

ست اما آیا برای نشان دادن این قابلیت‌ها باید به همه چیز رنگ سیاه زد تا

در گره‌افکنیها و تعلیق است. حالا ببینیم استاد چه می‌کند. کافی است تمامی لحظات یاد شده همسر را با ظرافت کار هیچکاک در فیلم خرابکاری مقایسه کنیم.

در آن فیلم، پسری از همه جا بی‌خبر، رابط و مشول حمل بمبی می‌شود که در ساعتی معین منفجر خواهد شد. لزوم تأکید بصری بر بمب، به لحاظ قصه و ساختمان فیلم خرابکاری، ضروری است اما خود هیچکاک می‌گوید: «اگر من در این فیلم دایماً بمب را در یک زاویه واحد نشان می‌دادم، وجود آن بسته [حاوی بمب] برای تماشاگر عادی می‌شد و در فکرش می‌گذشت که، ای بابا این فقط یک بسته است دیگر. من هر بار بمب را از یک دید تازه نشان می‌دادم و این کار باعث می‌شد که به بمب زندگی و تحرک ببخشم.»

فیلم همسر داعیه طرح مفاهیم عمیق را ندارد. البته اشاره به این ویژگی را نباید به معنای نفی ضرورت ساخت فیلمهایی چون همسر قلمداد کرد. در عین حال نمی‌توان به این فیلم، انگ بی‌دردی زد و این مزیت، مرهون مضمون کاملاً اجتماعی اثر، با هدف توجه به قابلیت‌های زن است.

چندین دهه، هنوز در زمره بهترین‌های تاریخ سینماست، البته درخور تحسین است؛ مشروط بر این که فیلم، رد و نشانی هر چند کم‌رنگ، از آن تسلط و چیرگی استاد را در جزئیات فیلم که نهایتاً ساختمان کل اثر را می‌سازند، بنمایاند در حالی که چنین نیست.

از معضلات لاینحل فیلم، می‌توان گره‌افکنیهای آن را برشمرد که گرچه به قصد نفس‌گیر کردن تماشاگر گنجانده شده‌اند اما با تکرار در خط روایی فیلم، تبدیل به عناصری دست دوم و مستعمل می‌شوند: گیر افتادن سلطانی در انبار و بازی با سیم و قطع کلید، بست نشستن شیرین در اتاق رئیس، دیکته کردن طرح استعفای زن از ناحیه شوهر، برخورد‌های تحکم‌آمیز سلطانی با فرزندان، و حتی در سکانس‌های نهایی، گیر افتادن منوچهری و سلطانی در اتاق، آنجا که شیرین در را به روی آنان قفل می‌کند و تحویل قانونشان می‌دهد، همگی در فیلم دو یا چند بار تکرار شده‌اند. کافی است به یاد آوریم که در انتهای فیلم، سلطانی نیز رفقای نارفتی را در ماشین حمل دارو گیر می‌اندازد و در را به روی آنان قفل می‌کند و آنها را تحویل قانون می‌دهد. اینها نشانه‌های «کم» آوردن فیلمنامه‌نویس برای خلق لحظه‌های ناب و تازه،



● «همسر» که داعیه طرح مفاهیم عمیق را ندارد، در عین حال از دریافت برچسب بی‌دردی مصون می‌ماند و این مزیت، مرهون مضمون کاملاً اجتماعی فیلم است.

جلسه را به اتاق دیگری منتقل کنند تا شیرین بماند و قضیه تماس تلفنی با سلطانی و یافتن کلید... قابل قبول و منطقی نیست. شیرین حتی در اتومبیل‌رانی نیز یک قهرمان است. در حالی که موجودیت شغلی این قهرمان، از ناحیه مرد ضد قهرمان توطئه‌گر، که علیه او حتی اعتصاب راه می‌اندازد، دائماً تهدید می‌شود. شیرین زمانی که کارمندی معمولی است، برای ادامه کارش حداقل با سلطانی مشاجره و استدلال می‌کند: «من نه سال سابقه کار دارم. وقتی زن تو شدم، همین شغل را داشتم. پس تخصص تحصیلی‌ام چه می‌شود؟» اما همین شخصیت در اوج درخشش کاری و پس از احراز پست ریاست، بلادرنگ به پیشنهاد استعفا، بدون هیچ دفاعی پاسخ مثبت می‌دهد؛ شوهر را بر سر کار باز می‌گرداند و خود در آستانه خانه‌نشینی قرار می‌گیرد. در این میان هیأت امنای موظف به بازرسی انبار نیز رأی به بی‌گناهی تیم سه نفره می‌دهند تا تعلیق رقیق فیلم، تماشاگر را با شیرین که در معرض خطر قرار گرفته شده، درگیر کند.

جان مایه فیلم، به شکلی قابل تقدیر، توجه به لیاقت‌های زن است اما آیا برای نشان دادن این قابلیت‌ها، باید به همه چیز رنگ سیاه زد تا نوری در این ظلمات، از توانایی زن برتابد و به جلوه درآید؟ فیلم می‌توانست یک ملودرام عمومی در باب موقعیت زنان گرفتار - نه تنها به عنوان زن و شوهر، که به عنوان زن و مرد رقیب در عرصه اجتماعی - باشد. زنان گرفتار در چنبره شرایطی چنین تلخ، دردهایی مشترک دارند که سازنده همسر، به شکلی صریح و طنزآمیز، بدان اشاره کرده و همین مهمترین وجه مثبت فیلم است.

ارتباط با توده تماشاگر، رؤیای شیرین هر فیلمسازی است. کارگردان همسر، بر اساس ساخته‌ها و گفتگوهایش، همیشه نیل به چنین هدفی را مبنای کار قرار داده‌است، این را که، فیلمی در زمان رواج ویدئو و ماهواره قادر به جذب عامه تماشاگر شود، نمی‌توان به حساب تصادف گذاشت. به طور حتم در پس چنین اثری، خالق اثری ایستاده که سلیقه‌ها و علایق تماشاگران را به خوبی می‌شناسد. اما به یاد داشته باشیم که ارتباط با توده تماشاگر نباید به معنای تسلیم در مقابل تمایلات و سلیقه تماشاگر عامی باشد. کافی است به پر فروشترین فیلم سال گذشته یعنی هنرپیشه‌نگاهی بیندازیم تا باور کنیم که جمع سرگرمی و ارتقای فکری تماشاگر، جمع اضداد نیست. ■

می‌گویند هیچ موضوعی در سینما، به خودی خود تکراری یا ناب نیست، بلکه عامل مهم نحوه نگرش به موضوع است. در مورد فیلم‌های متوسط یا نازل، می‌توان گفت فیلمساز نسبت به موضوع همان نگاهی را داشته که هر غیر هنرمندی دارد. محصول چنین نگرشی، هر چه باشد، خلأقانه نیست. در همسر معادله کاملاً بر عکس است؛ سوژه دست‌اول و ناب فیلم، به دلیل آشفتگی و عدم تمرکز، امکان بایلدن و رشد خلأقانه پیدا نکرده‌است. اگر موضوع جذاب فیلم از هدف اولیه خود دور نمی‌افتاد و بر شخصیت‌های محوری فیلم متمرکز می‌شد، شاید علاوه بر دلچسبی، در ذهن تماشاگر به عنوان «فیلمی خوب» ماندگار می‌شد.

تنش‌های آزار دهنده در فیلم، از آنجا آغاز می‌شود که فیلم دور افتاده از انگیزه اولیه، برای جبران این نقیصه و نگاه داشتن تماشاگر تا انتها، متوسل به اکشن، قاچاق دارو، پلیس و پلیس بازی، لهجه ترکی و غیره می‌شود. با ورود کارآگاه، مثلثی زنانه شکل می‌گیرد و سه شخصیت مثبت فیلم (شیرین و کارآگاه و خانم رحمتی) در جدالی کودکانه (هفت تیر کشیدن خانم کارآگاه را به خاطر بی‌آوردن) با بقیه آدمهایی که به شکلی غلو شده، خبیث، توطئه‌گر، دست و پاچلفتی و مزور تصویر شده‌اند، در می‌افتند.

این که مردان جامعه ما، در مواجهه با همسری کاردان‌تر از خود، چه واکنشی نشان می‌دهند، نیاز به جامعه‌شناسی میسوطی دارد اما در خوش‌بینانه‌ترین نگاه نسبت به فیلم، حتی اگر تمامی عکس‌العمل‌های سلطانی را به عنوان واکنش مرد ایرانی بپذیریم، باز هم پذیرش شیرین، به عنوان نماینده زن پیشرو و متکی به نفس، مشکل است زیرا نوعی روابط غیر منطقی و غیرواقعی بر رویکردها و اعمال کاراکترها - از جمله خود شیرین - حاکم است. این غیر واقعی بودن، اگر در فیلمی فانتزی یا سورئال شکل می‌گرفت، می‌شد با آن برخورد دیگری کرد اما در فیلمی اجتماعی و واقعگرا، ظهور زنی که در فضای کار سمبل ظلم‌ستیزی (اعتراض شیرین به رئیس: «هر روز یک ندانم‌کاری، یک روز در رستوران را می‌بندید، یک روز در آسانسور را و روز دیگر در پارکینگ را.» و در خانه سمبل مداراست (رفتار انفعالی شیرین در برابر شکستن لیوان و واژگون کردن میز توسط سلطانی) و در حل و فصل مشکلات نیز درایتی دارد که به چشم‌پندی می‌ماند (تحصن در اتاق رئیس با انگیزه‌رهایی شوهر که باعث می‌شود رئیس و گروه،

ماسک‌های صورت دینه



برای سلامتی، شادابی و زیبایی پوست صورت

کمک در درمان جوش‌های صورت

هریت وبستر
ترجمه زهره زاهدی

زهر تلخ عصبانیت

● گاهی فوران خشم به دلیل آن است که والدین خسته‌اند، مسئولیت بیش از حد به عهده دارند و از خود بیش از توانشان کار می‌کنند.

عصبانیت بعضی را از خود به در می‌کند، برخی دیگر در درون می‌جوشند. همه ما می‌توانیم با کسب آگاهی و کمی تأمل بر عصبانیت خود فایز آیم. ■■

◀ تعدیل عصبانیت

دایانا با یک حرکت دست، سربازهای کوچک اسباب‌بازی را که پسر کوچکش با دقت بسیار روی میز صف‌آرایی کرده‌است، به هم می‌ریزد: «سه دفعه بهت گفتم، لباس خوابت را بپوش! حالا کاری را که بهت گفتم انجام بده.» جیسون پنج‌ساله، غرقه در اشک، با دست لرزان سربازهایش را از روی زمین جمع می‌کند.

مورین می‌خواهد وارد پارکینگ منزلش شود اما مجبور است برای برداشتن دوچرخه‌های بچه‌ها که جلوی راه ولو شده‌اند، پیاده شود. زیر لب می‌گردد: «بچه‌های

لوس و نرا!» هنگامی که وارد منزل می‌شود و میز کیف آشپزخانه و خوراکیهای نیم‌خورده را می‌بیند، خلقتش تنگتر می‌شود و با گفتن این جمله طعنه‌آمیز به بچه‌ها سلام می‌کند: «کلفت خانه وارد شد!»

عصبانی شدن امری کاملاً طبیعی است. خشم نیز مانند شادی، ترس، اندوه و ناامیدی، بخشی طبیعی از وجود انسان است اما نحوه ابراز آن متفاوت است و می‌تواند طیف وسیعی را، از عصبانیت سالم گرفته تا خشم بسیار مخرب شامل شود.

بسیاری از مردم از عهده خشمشان برنمی‌آیند. برخی مانند دایانا می‌گذارند خشمشان به جوش بیاید و آن‌گاه فرزندانشان در این جوشش بسوزند. برخی دیگر مانند مورین با خونسردی از بروز خشم جلوگیری می‌کنند اما وقتی خشمشان سر برود، به صورت طعنه و کنایه‌های نیشدار بیرون

می‌ریزد.

از آنجا که عصبانیت حالتی بسیار متداول است، والدین باید راههای کنار آمدن با آن را فرا گیرند. چرا که در این صورت فرزندان خود را از آسیب ترس و اضطراب که غالباً در نتیجه عدم موفقیت در ابراز صریح و آزاد خشم ناشی می‌شود، حفظ می‌کنند و از آرامش بیشتری برخوردار خواهند شد.

در زندگی جمعی، عصبانی شدن افراد از همدیگر کاملاً طبیعی است. جینی کریستی، درمانگر خانواده در مرکز خدمات روان‌شناسی فلوریدا معتقد است: «لزومی ندارد اعضای خانواده در تمام موارد با هم موافق باشند. بحث و جدل بخشی از روند یادگیری و همسازی است.»

◀ فوران احساسات

هنگامی که خشم به اوج خود می‌رسد،



● کودکانی که خصومت والدین را احساس می‌کنند اما هرگز در معرض یک توضیح صریح و روشن قرار نمی‌گیرند، یاد می‌گیرند که احساسات شخصیشان را سرکوب کنند.

افراد برای ابراز واکنش فریاد می‌زنند یا اشیای دم دستشان را پرت می‌کنند و یا طرف مقابل را به الفاظ ناخوشایند می‌خوانند. گاهی علت ایجاد چنین حالتی آن است که یا بیش از حد صبور بوده‌اند یا پیش از آنکه طوفان درون به صورت زنجیری از اتهامات سوزان بیرون بریزد، مایل به قبول وجود آن نیستند. گاهی هم فوران خشم به دلیل آن است که والدین خسته‌اند، مسئولیت بیش از حد به عهده دارند و از خود بیش از توانشان کار می‌کشند. علت خشم هر چه که باشد، باید از این رفتار اجتناب کرد زیرا تظاهرات مخرب خشم باعث ترس و دلهرهٔ بچه‌ها می‌شود.

فرن لیتمن، رئیس مرکز مطالعات ویژه والدین در کالج ویلاک چنین توضیح می‌دهد: «هنگامی که اختیار خود را از دست می‌دهید و فریاد می‌زنید، برای کودکان بسیار تهدید کننده است چرا که کودکان برای ایجاد پایه‌های ثبات و امنیت به والدینشان اتکا می‌کنند و هنگامی که می‌بینند مادر یا پدر، اختیار خود را از دست داده‌است، احساس می‌کنند این پایه‌ها سست شده‌است و هنگامی که والدین، کودکان را دشنام می‌دهند؛ آنها بیشتر صدمه می‌بینند.» به گفتهٔ لیتمن: «اهانت به کودک موجب بی‌احترامی به اوست و اعتماد او را از والدین سلب می‌کند. همچنین می‌تواند موجب کاهش توانایی او در ایجاد رابطه با اجتماع گردد.» اگر به کودک دشنام دهید، او هم در مقابل دیگران همین شیوه را در پیش خواهد گرفت.

اینها روشهایی هستند که می‌توانند به والدین خشمگین کمک کنند:

در انتظارات خود تجدید نظر کنید:

لیتمن چنین توضیح می‌دهد: «مردم گاهی انتظارات بسیار غیر واقع بینانه‌ای از فرزندان‌شان دارند. آنها به دلیل عدم شناخت میزان درک کودک، انگیزه‌هایی را به او نسبت می‌دهند که واقعیت ندارد. مانند دایانا، که با مشاهدهٔ اهمال پسرش در رفتن به رختخواب از کوره در رفت و مقاومت او را در تبال خواست خود، به حساب بی‌احترامی گذاشت. او نتوانست درک کند که این

مقاومت با مراحل رشد کودک سازگاری دارد.»

جیم فراید لیپسکی، روان‌پزشک و رئیس سازمان خدمات اجتماعی ماساچوست، معتقد است: «پنجساله‌ها بسیار حواس‌پرت هستند. رفتار جیسون بخشی از آن چیزی است که پنج سالگی نام دارد. اگر دایانا می‌دانست که پسرش کوچکتر از آن است که بتواند کاری را به سرعت انجام دهد، سعی می‌کرد که اگر برای فرستادن او به تختخواب عجله دارد، هنگام انجام کار، در کنار او حضور داشته‌باشد.

خود را به جای فرزندان بگذارید:

به عنوان یک تجربه مفید برای کنترل خشم، تجسم کنیم که خشم از نقطه نظر کودک چگونه احساس می‌شود. به خاطر بیاورید وقتی والدینتان بر سر شما داد می‌زدند، چه احساسی داشتید. چشمه‌ایتان را ببندید و چهرهٔ پدر یا مادران را هنگامی که به شما غضب می‌کردند، به خاطر بیاورید. با به تصور درآوردن کودکی خودتان، خواهید دانست هنگامی که از خشم منفجر می‌شوید، تا چه حد برای کودکان‌تان هولناک است. در این صورت انگیزه خواهید یافت تا از بروز خشم اجتناب کنید.

عواملی که شما را از کوره در می‌برد، شناسایی کنید:

برای شکست چرخهٔ فورانهای خشم، عواملی را که شما را به آن سو سوق می‌دهد، شناسایی کنید. از خود پرسید که آیا خشم‌تان غالباً پس از شرایط خاصی بروز می‌کند یا آنکه معمولاً در اثر یک سری عوامل قابل پیش‌بینی به جوشش می‌آید.

اخیراً در یکی از جلسات کار با والدین، آنها فهرست رفتارهایی را، که موجب برانگیختن خشمشان می‌شود، تهیه کردند: بچه‌هایی که حرف‌شنوی ندارند، بچه‌هایی که تمیز و مرتب نیستند، بچه‌هایی که یک لحظه راحتشان نمی‌گذارند و...

هنگامی که دریافتید چه چیز شما را از خود به در می‌کند، با فرزندان‌تان بنشینید و برای یافتن یک راه‌حل واضح و روشن برای

تغییر آن عوامل تلاش کنید. برایشان توضیح بدهید که چگونه رفتارشان روی شما اثر می‌گذارد. دقیقاً بگویید که چه انتظاری از آنها دارید. قوانین جدیدی بگذارید و پس از آن در عملی شدن مقرراتی که وضع کرده‌اید، پافشاری کنید.

در برخی شرایط، تشویق بیش از تنبیه کارایی دارد. اگر می‌خواهید با همسران‌تان باشید و بچه‌ها این اجازه را به شما نمی‌دهند، باید آنها را عادت دهید که مثلاً بعد از شام به مدت ۱۵ دقیقه در اتاق دیگری بازی کنند تا شما و همسران‌تان نیز گفت‌وگویی داشته‌باشید. پس از گذشت زمان تعیین شده، به بچه‌ها اجازه دهید با شما همراه شوند و با یک قصه یا بازی تشویقشان کنید.

صحنه را ترک کنید:

کریستی، مشاور خانواده معتقد است: «اگر احساس می‌کنید که نمی‌توانید خودتان را کنترل کنید، برای چند دقیقه صحنه را ترک کنید. وقتی برگشتید، بگویید خدای من چند دقیقه پیش نزدیک بود از کوره در بروم. این کار باعث می‌شود آنچه گذشت، در جلو چشم قرار بگیرد و برای فرزندان‌تان مسجّل شود که شما دوباره کنترل خود را به دست آورده‌اید.»

از کودکان‌تان عذرخواهی کنید:

وقتی از کوره در می‌روید، هنوز کار از کار نگذشته است. به گفتهٔ فراید لیپسکی: «یکی از راههای از بین بردن احساس بدی که در کودک به وجود آمده‌است، آن است که به فرزندان‌تان بگویید که متأسفید. مثلاً بگویید: «سی‌دانم که تو را ترساندم. دیوانه شدم و خودم هم ترسیدم. متأسفم که این طور شد و سعی می‌کنم که دیگر از کوره در نروم.»

چنین برخوردی با احساسات خودتان، به کودک یاد خواهد داد که احساسات مختلف را طبقه‌بندی کند. همچنین به او نشان می‌دهد که شما مایلید مسئولیت رفتارتان را به عهده بگیرید و راهی است برای نشان دادن آنکه مامان و بابا هم اشتباه می‌کنند.

فرو خوردن خشم

در حالی که بعضی از افراد باید سخت





منشاء اصلی تحریک‌پذیری را تشخیص بدهید، خواهید توانست در شیوه بیان خشم، رفتار کنترل شده‌تری در پیش بگیرید. درک این موضوع حایز اهمیت است که بسیاری چیزها در خارج از خانه اتفاق می‌افتد و شرایطی که باعث می‌شود دچار خشم شوید، به هیچ عنوان ربطی به فرزندانان ندارد.

جلوی تحریک‌پذیری را بگیرید:

اگر احساس می‌کنید در زمان یا در شرایط معینی، خشم در درونتان می‌جوشد؛ سعی کنید بفهمید چه چیزی خشم شما را برمی‌انگیزد. آن گاه دقیقاً در پی تغییر شرایط برآید. مثلاً شبی که قرار است در یک کلاس شبانه تدریس کنید، مسئولیت برداشتن بچه‌ها از کلاس موسیقی را به هوسریا دوستان بسپرد.

صادق باشید. اگر مشکل این است که احساس می‌کنید بچه‌ها از شما سوءاستفاده می‌کنند، بنشینید و احساسات را برایشان شرح دهید. از مسئولیتهایی که انتظار دارید به عهده بگیرند، لیستی تهیه کنید: مثلاً مرتب کردن اتاقشان، شستن ظرفها و از این قبیل و مطمئن شوید که منظورشان را دقیقاً متوجه شده‌اند. آن گاه در مورد وضع مقررات برای اینکه چه کسی در چه زمانی کارها را به عهده بگیرد، از خودشان کمک بخواهید. از پیش نتایج کار را تشریح و هدفمندانه عمل کنید.

خشم‌تان را انکار نکنید:

پذیرش خشم، اولین قدم مثبت در ابراز سازنده آن است. با تسلط بر احساسات خشم‌آگین، به جای سرکوب آن یا تسلیم شدن به آن، می‌توانید میزان عصبانیت‌های خود را کاهش دهید و در نتیجه رابطه خود و فرزندانان را غیرت سازید. هنگامی که بفهمید خشمگین شدن، دال بر بد ذاتی نیست، و وقتی مسئولیت رفتارهایی را که خشم به آن دامن می‌زند بپذیرید، به زودی به نحوه بیان این احساس مسلط خواهید شد.

نداشت.

این زن به دلیل تجربیات کودکی خود اکنون نیز با فرزندانش همین‌طور رفتار می‌کند. او با لبه‌های به هم فشرده و در خود فرو رفته، به خشم خود پناه می‌برد. جالب اینجاست که فرزندانش اغلب نمی‌دانند چه چیز باعث ناراحتی او شده‌است و غالباً درست همان کاری را می‌کنند که خشم او را تحریک می‌کند. وی که از آنها: «نظار دارد علت ناراحتیش را بفهمند، در نحوه بیان احساساتش، برای آنها الگوی بسیار بدی است. در حالی که اگر برای خودش حق بیان احساسات قائل شود، می‌تواند به جای اتلاف انرژی در بن‌بستهای عبث، در جهت حل مشکلاتش قدم بردارد.

فرون لیتمن چنین توضیح می‌دهد: «بچه‌ها تقلدند. اگر ما لجوج و سرسخت باشیم، آنها هم سرسختی نشان می‌دهند. هر وقت احساس می‌کنید در روشهای مخصوص خود در پاسخگویی به شرایط بدی گرفتار شده‌اید، سعی کنید تغییرش دهید. اگر چنین کنید، کودکانتان را نیز تشویق به تغییر خواهید کرد.»

احساس خود را با صراحت بیان کنید:

مجتبم کنید هر بار که فرزند هفت ساله‌تان از بازی فوتبال برمی‌گردد، کفش و توپ و سایر وسایل خود را در سرسرای خانه می‌اندازد. وقتی از سرکار برمی‌گردید و پایتان به این وسایل گیر می‌کند و سکندری می‌روید، به او پیله می‌کنید که چقدر شلخته و بی‌مسئولیت است. دفعه بعد به جای اینکه دوباره در دریای خصومت شیرجه بروید، به پسران بگویید: «دوباره وسایلت را پخش و پلا کرده‌ای. من جداً از این موضوع ناراحتم. دلواپسم که مبادا کسی پایش به آنها گیر کند و زمین بخورد و صدمه ببیند، این موضوع مرا عصبانی می‌کند.» لیتمن پیشنهاد می‌کند به جای آنکه خشم خود را مستقیماً متوجه فرزندان کنید، برایش توضیح دهید که رفتارش چه تأثیری روی شما دارد و چه احساسی را در شما به وجود می‌آورد.

سرمنشاء خشم خود را بیابید:

دفعه بعد که احساس کردید خشم در شما می‌جوشد، سعی کنید منشاء تحریک را بیابید. آیا از اینکه فرزندان مزاحمتان شده‌است، عصبانی هستید یا از اینکه خسته‌اید؟ زمانی که

مراقب باشند که از کوره درنروند، عده‌ای دیگر در مواجهه با عصبانیت، مشکلی کاملاً متفاوت دارند. بعضی مانند مورین، که از دیدن دوچرخه‌های بچه‌ها در پارکینگ و ظروف کثیف روی میز آشپزخانه رنجیده خاطر شد؛ به جای ابراز صریح احساسات، زهر تلخ عصبانیت را فرو می‌دهند. آنها به آهستگی دیگ همه نوع رنجش و غیظ و غضب را بار می‌گذارند که وقتی خوب جوشید، به صورت طعمه و کنایه سرریز کند. این گونه افراد با دادن امتیاز خودداری به خود، فرصت حل مشکلات از طریق بیان سرگشاده احساسات را از دست می‌دهند و مغبون می‌شوند و در عصبانیت و برزخ باقی می‌مانند تا اینکه با بیرون ریختن گلابه‌ها و تهوریه‌های کدورت رهایی یابند.

زنی که به شیوه مورین با عصبانیت خود کنار می‌آید، فرزندانش را گیج می‌کند. آنها می‌فهمند که او ناراحت است اما دقیقاً نمی‌دانند چرا. گوشه و کنایه‌های او را به حساب انتقاد از کل وجود خودشان می‌گذارند و نه رفتارشان و این امر نهایتاً احترام به خود آنها را خدشه‌دار می‌کند.

چنین رفتاری پیامد منفی دیگری نیز به دنبال دارد. کودکانی که خصومت والدین را احساس می‌کنند اما هرگز در معرض یک توضیح صریح و روشن قرار نمی‌گیرند، یاد می‌گیرند که احساسات شخصیشان را سرکوب کنند. آنها این پیام را درک می‌کنند که عصبانی شدن اشکال دارد و به این ترتیب نیاز خود را نیز در بیان علت خشم نادیده می‌گیرند.

فتون زیر می‌تواند به چنین والدینی کمک کند با خشم خود مواجه شوند:

به احساسات درونی خود توجه کنید:

یکی از راههای شکست چرخه فروخوردن خشم آن است که نسبت به پیامهایی که در طول دوران رشد دریافت کرده‌اید، حساس شوید. در یکی از جلسات مشاوره خانوادگی خانمی اظهار داشت که از کودکی یاد گرفته‌است که تنها راه رفع مشکلات، رنج کشیدن در سکوت است، یاد گرفته‌است از خود مایه بگذارد، لب و لوجه‌اش را جمع کند و آن قدر صبر کند تا والدینش متوجه اشتباه خود بشوند. او هرگز از طریق بیان احساساتش برای موفقیت

فقه، زن، ارزشها

در میان بزرگانی مثل شیخ مفید نیز مطرح است. او در رد دیدگاه شیخ صدوق رساله می‌نویسد و کلمات تند و ناشایسته‌ای نسبت به آن مرد بزرگ به کار می‌برد؛ چنانکه اگر به این جملات استناد شود، قُدح در عدالت هر دو خواهد بود. ولی چنین کرداری از سوی مفید، خدشه در عدالت صدوق ایجاد نمی‌کند و تهمت نامشروع تلقی نمی‌شود. متأسفانه برخورد با مسائل علمی در عصر حاضر از چهار چوب معمول در میان مسلمین خارج و به برخوردهای ویژه‌ای تبدیل شده است.

اتهام نامشروع

نوشته بودیم: «بحث نفقه و مباحث پیوندی آن از جمله مباحث دامنه‌دار و جنجالی فقه می‌باشد که متأسفانه از اعمال نظرهای مردانه دور نمانده است.» آیت‌الله‌زیدی گفته‌اند که: «این یک اتهام نامشروع به مجتهد و استنباط کننده است...»، ولی ما ننوشته بودیم که فقیهان به دور از ادله اجتهادی، آرای مردانه خود را در استنباط دخالت داده‌اند؛ بلکه تأثیرپذیری آرای فقیهان را از جنبشیت آنان گوشزد می‌کنیم. گذشته از این، آیا سخن صاحب جواهر به معنای اعتراف به اعمال نظرهای مردانه در فقه نیست؟ آیا به قول ایشان مردانی که قواعد فقهی را به سود دنیای خود تفسیر می‌کنند، اعمال نظر نکرده‌اند؟ فقیهان مورد نظر صاحب جواهر که برای اخذ عشریه فتوی داده‌اند، خارج از ادله اجتهادی و اصول عملی (حداقل به رای خودشان) حرکت نکرده‌اند، ولی صاحب جواهر معتقد است که فتاوی این فقیهان گرچه در چارچوب موازین فقهی و اصول استنباطی درست بوده اما خالی از اعمال نظر نبوده است.

نکاح، معامله یا پیمان مودت؟

آنچه در مقاله ما آمده بود، ریشه‌یابی فتوای عدم پرداخت هزینه‌های پزشکی بود: «این فتوا بر دیدگاهی استوار است که رابطه زوج و زوجه را رابطه معاوضی (داد و ستد) می‌داند.» آن گاه سخن صریح رئیس الطایفه، شیخ طوسی را آوردیم و خود نه از کالا حرف زدیم و نه از ثمن، نه از خریدار و نه از فروشنده. سخن شیخ نیز در این باره نبود بلکه او به تبع مجتهدان اهل سنت، نکاح را به اجاره تشبیه کرده و نامی از خریدار به میان نیاورده بود و ما خود دیدگاه معاملی را نقد کرده، آن را خلاف شرع

این مقام و مقامهای دیگر، روشن بودن دخالت تمکین، فی‌الجمله در اتفاق است. پس گمان کرده‌اند به همین سبب شرط است... و غافل مانده‌اند از اینکه این مطلب (اتفاق مشروط به انتفای شرط هر جور که اتفاق افتد، طبق قاعده شرط) متوقف بر ملاحظه دلیل شرطیت است... و بطلان ادعای اجماع و غیر آن از دلایل خاص، برای هر کسی که کمترین فهمی دارد، معلوم است. همچنین ملاحظه کلمات اصحاب، خصوصاً آنچه برای اثبات اتفاق بر زنان دارای عذر استدلال کرده‌اند.»

این فرازاها به خوبی نشان می‌دهد که مسأله نفقه، از مسائل جنجال برانگیز و پر نزاع فقه است. صاحب جواهر تصریح می‌کرد که عالمان بزرگی مثل علامه حلی بدون دلیل سخن گفته‌اند و بدیهی است که این گونه سخن گفتنها در محاورات طلبه‌های حوزه، تهمت به افراد و فقها تلقی نمی‌شود. چنانکه دیدیم صاحب جواهر به طور کلی معتقد است عالمان شیعه‌ای که او از آنها نقل قول کرده، دیدگاههای خود را از اهل سنت گرفته‌اند؛ دیدگاهی که «برای مقاصد فاسد مثل اخذ عشریه» اتخاذ شده است. این روش انتقادی نه تنها خاص ایشان و شیخ انصاری و جمعی دیگر می‌باشد، که

در شماره گذشته، پاسخ ریاست محترم قوه قضاییه به مطلب «طبق کدام قانون هزینه درمان بیماریهای سخت زنان به عهده شوهر نیست؟» مندرج در «زنان» شماره ۱۸ انتشار یافت. در آن نامه موارد قابل بحثی وجود داشت که بنا بر وعده خود، در این شماره به آنها می‌پردازیم.

پیش از ورود به بحث، توجه ریاست محترم قوه قضاییه را به مسائل زنان قدر می‌دانیم، به ویژه آنکه ایشان با مطالعه مجله ما - که مجموعه‌ای از کار علمی و پژوهشی زنان است - باور کرده‌اند که در میان بانوان هم قدرت علمی و توان تجزیه و تحلیل و استدلال و استنتاج وجود دارد. گرچه از قضا نویسنده مقاله مذکور از خانمها نبود و نام او نیز درج شده بود. با این مقدمه بحث خود را نه برای آنکه انتقادی را بی پاسخ نگذاشته باشیم، بلکه از آن سر که کاوشگران و پژوهشگران با ادله‌ای دیگر نیز آشنا شوند، آغاز می‌کنیم. ❏

نفقه و نزاعهای فکری

نوشته بودم که نفقه از جمله مباحث دامنه‌دار و جنجالی فقه می‌باشد و آیت‌الله‌زیدی در پاسخ گفته بودند: «بحث نفقه در فقه کاملاً روشن است. هم از دیدگاه مذهب شیعه و هم سایر مذاهب و هم از نظر مدارک و ادله که هیچ جنجالی در آن دیده نمی‌شود.» در مورد جنجالی بودن یا نبودن بحث فقه به علت تنگی مجال فقط به سخن صاحب جواهر اکتفا می‌کنم. توجه کنید ایشان چه می‌گویند: «لکن بر تو پوشیده نباشد که در این کلمات اشاره به سخنان فقیهان، بی‌امون ضابطه و مقدار نفقه زوج | چه اندازه تشویش و اضطراب وجود دارد و اگر این موضوع را به عادت (عرف) واگذار می‌کردند زیباتر بود؛ و گویا آنان (فقیهان شیعه) از مطالب کتب عامه پیروی کرده‌اند، از آن جهت متعزز این امور می‌شوند که قضات آنان با به کار گرفتن مسائل استنباطی بی‌امون نفقه، ده یک (مالیات یا اجرت قضاوت و یا حق اجرا، مثل حق اجرای مهریه که در حال حاضر دادگستری می‌گیرد) بگیرند، یا جز این، مقاصد فاسد دیگری داشته‌اند.»

در همین کتاب جملات دیگری وجود دارد مانند: «این کشاکش و ستیز» و مانند: «کلماتی که مدرک ندارد، خصوصاً مطلبی که در کتاب قواعد (علامه حلی) بود.» و مانند: «گویا موجب اشتباه در



● شرط عدم نشوز نه تنها معنی ندارد، بلکه مورد قبول فقیهان هم هست.

خواننده بودیم. در این صورت طرح چنین مطالبی از سوی آیت‌الله یزدی، خروج از چهارچوب بحث و تبدیل موضوع آن است. مع الوصف باید عرض کنم:

۱ - مهریه، گرچه رکن نیست و بدون آن عقد صحیح است ولی عقد نکاح هرگز خالی از مهر نیست. گاه در معاملات، از همان ابتدا روی نرخ توافق نمی‌شود اما خریدار خود را ملزم به پرداخت بهای کالا می‌داند. در نکاح هم چنین است. وجود مهریه از مسلمات و بدیهیات اولیه است، پس ذکر مهر یا عدم ذکر آن در صحت عقد نکاح اثری ندارد. اما چنان هم نیست که مجانی باشد؛ شوهر ملزم است مهریه‌ای قبول کند و عندالمطالبه بپردازد. بنابراین میان دو مطلب باید تفکیک نمود: اول آنکه مهریه رکن نیست؛ دوم آنکه هیچ عقدی خالی از مهر نمی‌شود. پس اگر مهریه رکن نبوده و عقد بدون آن باطل نباشد، به معنای عدم پرداخت مهریه نخواهد بود.

۲ - قرآن دستور داده مهر بدهند: «وآتوا النساء صدقاتهن نحله» (آیه ۴، سوره نساء)

و روایات، عدم پرداخت مهریه را ولو در ذهن و نیت شوهر، یک تصرف غیر مشروع می‌دانند. پیامبر^ص فرمود: «هر کس در مورد مهریه به زنش ظلم کند، پیش خدا (زانی) محسوب می‌شود.»^۵

امام صادق فرمود: «هر گاه مردی با زنی ازدواج کند، فرج زن بر او حلال نمی‌شود تا زمانی که چیزی (مثلاً) یک درهم یا بیشتر یا هدیه‌ای از جنس سوئی و غیر آن به زن بدهد.»^۶

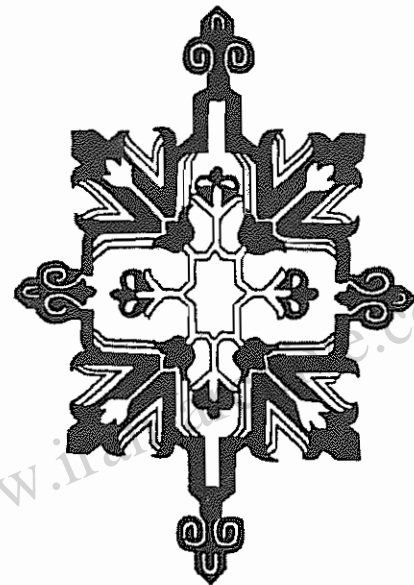
۳ - گذشته از این در فرهنگ روایات، «مردان» به عنوان مشتری و «بضع» به عنوان کالا و «زوجه» به عنوان بایع و «مهریه» به عنوان ثمن مطرح شده است.

محمد بن مسلم از امام باقر^ع می‌پرسد: «مردی اراده ازدواج دارد و می‌خواهد به زن مورد نظرش نگاه کند، آیا می‌تواند؟» فرمود: «بلی، زیرا آن زن را به گرانترین قیمت می‌خرد.»^۷

روایات دیگری از حضرت علی^ع در پاسخ به همین سؤال آمده است: «او خریداری به قیمت گران است.»^۸

حضرت علی^ع درباره زنی که مهریه خود را به شوهر می‌بخشد یا اموالی از خود به او می‌دهد تا وی را طلاق (خلع) دهد، فرمود: «این زن خود را

خریده است.» در یکی از قضاوت‌های آن حضرت نیز این جمله به چشم می‌خورد: «مردی که مالک بضع زنی شده است.»^۹ و در روایت دیگری از ایشان پیرامون قیمت‌گذاری زنان آمده است: «آن زن را به



بهای برده نرخ گذاشت.»^{۱۰}

امام باقر^ع زنی به عُنْف را به عنوان غضب فرج طرح کرده‌اند که یک نگرش معاملی است.^{۱۱}

به جز اینها، روایات فراوان دیگری، صراحتاً نکاح را یک نوع معامله و معاوضه می‌داند و مقررات معاملات را بر آن بار می‌کند. البته ما سند و دلالت این روایات را نیز دارای اشکال می‌دانیم اما دیدگاهی که پرداخت هزینه بیماری‌های صعب‌العلاج زن را وظیفه مرد نمی‌داند، یقیناً این روایات را قبول دارد. چنانکه پیش از این تذکر دادیم، وجود چنین روایاتی موجب شده جمعی از فقیهان، تئوری ملکیت و جمعیت و تئوری بردگی و عده‌ای، تئوری سلطه را بپذیرند و بعضی را ترغیب کند تا به کمک نظر برخی روان‌شناسان، تئوری تحصیل را ارائه دهند، چنانکه عده‌ای را به سوی تئوریهای دیگر کشانده است.

نظر نویسنده هیچ یک از اینها نیست زیرا همه اینها زن را دور از موقعیت واقعی او که مورد نظر شارع مقدس است، قرار می‌دهد و با او به نوعی معامله می‌کند. در دیدگاه ما، زن در نکاح به عنوان

یک انسان برابر با مرد، حقوق انسانی برابر دارد: او چیزی نمی‌فروشد، زیر سلطه قرار نمی‌گیرد و آزادی خود را از دست نمی‌دهد.

۴ - روایات بسیار دیگری وجود دارد که مهریه را بهای تصرف در بضع زن قرار داده است. بر اساس پاره‌ای از این روایات، در مورد حمل دختر باکره بر اثر مساحقه با زن شوهردار، و ازاله بکارت به وسیله دست، مهریه به عهده مجرم است.^{۱۲}

چنین نگاهی، مهریه را قیمت بضع زن می‌داند. حضرت آیت‌الله یزدی که در دیدگاه جدید خود، نکاح را معامله نمی‌دانند و مع الوصف در مورد هزینه‌های امراض به اصطلاح صعب‌العلاج، شوهر را از انفاق معاف می‌کنند، اگر برای این روایات پاسخی دارند، ما بسیار مایلیم آن را بشنوم.

◀ تقابل نفقه و تمکین

آیت‌الله یزدی نوشته‌بودند: «از اول بحث خانواده گفتیم حقوق خانواده به دو دسته تقسیم می‌شود. دسته اول حقوقی که ناشی از عقد است در برابر حقوقی که با شرط ضمن عقد محقق می‌شود که اول مسأله استحقاق مهر یا مهرالمثل و دوم استحقاق نفقه است...»

نکته قابل تذکر این است که ذیل سخن، مثل صدر آن با موضوع بحث مرتبط نیست. این تقسیم وقتی صحیح است که کسی گفته باشد مهریه یا نفقه به شرط خارج از عقد، واجب پیدا می‌کند و چنین قولی وجود ندارد بلکه روایات، چنین شرطی را در خصوص زنان محکوم کرده است. ما نیز نگفته بودیم مهریه از عقد ناشی نمی‌شود.

آنچه مورد سؤال ما قرار گرفته بود، سخن آیت‌الله یزدی مبنی بر برابری نفقه و تمکین بود. اگر منظور از برابری نفقه و تمکین، همان توضیحاتی باشد که در جوابیه آمده؛ باز هم مورد اشکال است، چه آنکه حضرت محمد^ص کار بیرون از منزل علی را برابر کار داخل منزل حضرت زهرا^ص قرار داد. به عبارت دیگر سنت قراردادی حضرت محمد^ص در مورد بهترین و عزیزترین کسانش، همان برابری نفقه و کار بود یعنی دقیقاً خلاف آنچه آیت‌الله یزدی مطرح کرده‌اند.

◀ موضوع نفقه

نظر امام خمینی در تحریر الوسیله، بر وجوب



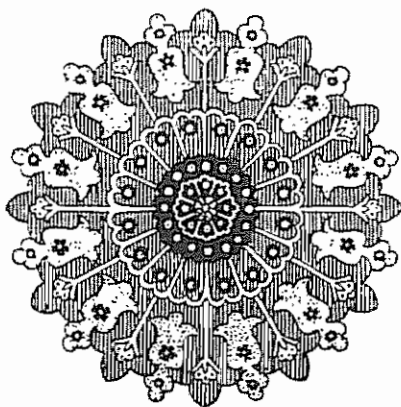
● از دیدگاه قانون، نفقه آیام عقد تا به خانه بردن و تشکیل رسمی خانواده، بر عهده زوج قرار نمی‌گیرد زیرا شرط تحقق وجود حق نفقه، انجام وظایف زوجیت است و این وقتی است که رسماً در خانواده، مسئولیتها و وظایف در برابر هم قرار گیرند.

نفقه به عقد دایم و اطاعت زوجه قرار گرفته است. آیت‌الله یزدی خلاف صریح فتوای ایشان، واژه تمکین را بر آن افزوده و می‌گویند: اطاعت در جایی که واجب است، عمده آن تمکین است. امام خمینی، طبق دیدگاه ویژه خود نخواستند لفظ تمکین را به کار گیرند و به جای آن از واژه اطاعت استفاده کرده‌اند و به تفاوت این دو تعبیر عنایت داشته‌اند. اگر با عقد دایم و تمکین، نفقه واجب می‌شود، پس ناشی شدن این حق از عقد چه معنی دارد؟

گمان می‌کنم یک مطلب دقیق که خطیب محترم بدان عنایت نکرده‌اند، تکلیک بین موضوع حکم و خود حکم و تشخیص جایگاه حکم است. وقتی می‌گویند: «نفقه زوجه بر زوج، به شرط دوام عقد و به شرط اطاعت واجب می‌شود»، به چهار مطلب به عنوان موضوع و شرط حکم و خود حکم اشاره کرده‌اند: (۱) نفس عقد (۲) دوام عقد (۳) اطاعت از شوهر (۴) وجوب نفقه.

نفس عقد، موضوع احکام متعددی است ولی دوام عقد یک قید توضیحی است که احکام زیادی را از شمول موضوع خارج می‌کند. پس از آن اطاعت از شوهر، منفرع بر موضوع است. پس دوام، شرط اصلی موضوع و اطاعت، شرط عقد دایم بود. اطاعت وظیفه‌ای است که از لحاظ رتبه، بعد از آن دو قرار گرفته است و وجوب نفقه، بعد از اطاعت می‌باشد. فقیهان در تحقیقات خود با این سؤال مواجهند که آیا حکم وجوب نفقه که از لحاظ مرتبه در جایگاه چهارم قرار دارد، از ناحیه اصل موضوع برآمده یا از ناحیه تمکین (و اطاعت) که خود حکمی از احکام عقد است. ولی اینجا موضوع مفروض، حکم وجوب می‌باشد. پس این دو مبحث با هم در نمی‌آمیزند. مبحث اول، موضوع و شروط مقدم بر حکم انفاق و مبحث دوم، شرط مقارن آن است که خود، موضوع حکم وجوب قرار گرفته است.

اگر موضوع حکم انفاق را صرف عقد قرار دهیم؛ دوام عقد، قید توضیحی موضوع و اطاعت، شرط واجب (نفقه) خواهد بود. و اگر موضوع حکم انفاق را اطاعت یا تمکین بدانیم، معنایش این است که صرف عقد ولو به قید توضیحی دوام، وجوب نیاورده بلکه وجوب در رتبه بعدی قرار دارد، یعنی وقتی که حکم اطاعت از سوی زوجه اجرا شود. در این صورت موضوع وجوب نفقه محقق می‌شود، یعنی وجوب بر اطاعت بار شده و اطاعت خود بعد



از عقد قرار دارد و بر آن مرتب است.

فروعانی که آیت‌الله یزدی بدان اشاره کرده و ارجاع داده‌اند، در تحریر الوسیله، فصل نفقات، مسأله شماره چهار و پنج طرح شده است. در این دو مسأله، امام خمینی همانند مشهور، بر چهارچوب یک مبنای کلی حرکت کرده‌اند، همان مبنایی که موضوع وجوب را اطاعت می‌داند. ایشان آورده‌اند: «نفقه صغیره واجب نیست زیرا از سوی صغیره، موضوع حکم وجوب که اطاعت باشد، محقق نمی‌شود، مگر صغیره‌ای که بتواند استمتاع جنسی زوج را تحمل کند - که در این صورت اطاعت حاصل شده». همچنین آورده‌اند: «زوج‌های که به حج می‌روند یا عذر شرعی (حیض و نفاس) دارد، علی‌رغم عدم تمکین، مستحق نفقه هست.»^{۱۱} در اینجا قاعده همچنان بر جای خود باقی است اما دلیل دیگری آمده و این موارد را استثنا کرده‌است در حقیقت موضوع اطاعت تحصیل شده ولی «عذر» مانع گردیده و شارع اطاعت را از زوجه برداشته است.

چنین فروعی دقیقاً از همان مبنایی برمی‌خیزد که وجوب را از اطاعت می‌گرفت، نه از عقد، چرا که اگر وجوب از عقد ناشی می‌شد، باید نفقه زوجه صغیره را پرداخت می‌کرد، چنانکه عده‌ای فتوا داده‌اند و تصریح دارند این حکم از مبنای خاص آنان استنتاج شده است. در سخنان خطیب محترم، این مطالب از هم تکلیک نشده‌است.

جمله اخیر این فراز که: «منشأ عقد است و استیفاء حق، مربوط به تمکین و امکان استمتاع است»، نیز با کُنه مطلب مندرج در تحریر الوسیله

مغایرت دارد. اشکال جمله اخیر از آنجا برآمده که نمی‌توان ارتباط نفقه و اصل عقد را نادیده گرفت. می‌دانیم که صرف عقد در اینجا تأثیر مستقیم در وجوب نفقه ندارد بلکه از صرف عقد، روابط و باره‌ای حقوق چون حق استمتاع جنسی و تمکین (اطاعت) ایجاد می‌شود و در صورت تحقق این دو مورد، نفقه واجب می‌شود. یعنی وقتی عقد به طور صحیح و با شرایط لازم خوانده شود، یکی از آثار آن، ایجاد حق نسبت به زوج است. زوجه مطیع و منقاد شوهر می‌گردد و بعد از این بر شوهر، حق نفقه پیدا می‌کند. به عبارت دیگر طبق نظر امام بعد از عقد، نخست حق زوج مقرر می‌شود و آن گاه حق زوجه. اول اطاعت به عهده زوجه می‌افتد، سپس وجوب نفقه از این حکم ناشی می‌گردد، نه آنکه اول حق زوجه (نفقه) و بعد از آن حق شوهر (اطاعت) واجب گردد. در واقع اختلاف اصولی دیدگاه فقیهان در تقدم و تأخر حق زوجه (نفقه) است. بر اساس پیش امام، حق شوهر مقدم است. یعنی اول اطاعت، بعد نفقه. تمکین و امکان استمتاع از سوی زوجه، شرط استیفاء حق نیست. موضوع حکم وجوب حق (نفقه) می‌باشد.

در مورد درست نبودن برداشت بنده از متن عبارت تحریر الوسیله باید عرض کنم که عین ترجمه این عبارت را در پاورقی شماره پنج مقاله نقد آورده و تصریح کرده بودیم به شرط اینکه عقد دایم باشد و به شرط اینکه زوجه، مطیعه باشد و منکر این تعبیر نشدیم. ولی همچنان معتقدیم نظر حضرت امام پیرامون نفقه زوجه، عقد دایم به شرط اطاعت است. بحث ما این است که بعد از این، وجوب از کجا برخاسته، از ناحیه مشروط (عقد دایم)؟ یا از ناحیه شرط (اطاعت)؟

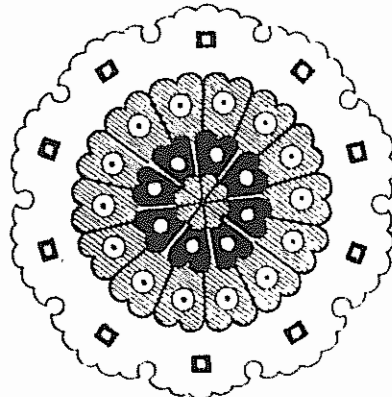
ما قید دوام عقد را شرط وجوب نفقه نمی‌دانیم بلکه آن را قید توضیحی موضوع قرار می‌دهیم و جمله امام: «پس نفقه برای پاره وقت نیست»، را از آن جهت که داخل موضوع قرار نگرفته، مشمول حکم وجوب نمی‌دانیم نه از آن جهت که مشمول شرط نیست. زیرا دوام نمی‌تواند از عقد جدا باشد، و مستقلاً از خود وجودی ندارد. به خلاف اطاعت که ذاتاً غیر از عقد و بلکه حکمی از احکام آن بوده و مستقلاً وجود دارد. بنابراین دو شرط برای وجوب در کار نیست بلکه تنها یک شرط و یک موضوع وجود دارد. نظر امام این است که وجوب از صرف



● فقیهانی که «اطاعت» را شرط دانسته‌اند، به روایاتی نظر دارند که از حقوق شوهر بر زوجه سخن گفته‌است ولی فقیهانی که «عدم نشوز» را شرط قرار داده‌اند، آن حقوق را اثبات شده تلقی نمی‌کنند.

عقد (یا عقد دائم) بر نمی‌آید بلکه وجوب از اطاعت برمی‌آید. تا موضوع اطاعت تحقق نیابد، وجوبی برای انفاق زوج محقق نمی‌شود.

حضرت آیت‌الله یزدی می‌گویند: «حق ناشی از عقد است و استیفاء آن در برابر تمکین. این تعبیر فقهی است و نه تنها خلط مبحث نشده بلکه تفکیک مبحث شده.» یعنی وجوب، استحقاقاً از عقد برآمده ولی استیفاء آن حق از سوی زوجه در برابر تمکین او قرار دارد. این دیدگاه که میان استحقاق و استیفاء، تفصیل قایل می‌شود و عقد را شرط استحقاق، و تمکین را شرط استیفاء می‌داند، سخن جدیدی است که تا کنون هیچ کس نگفته و با تعبیر فقهی سازگار نیست و از فتوای امام خمینی نیز بر نمی‌آید زیرا ایشان صراحتاً سخن از وجوب پرداخت نفقه می‌گویند، نه استحقاق آن (حتی آیت‌الله یزدی نیز استحقاق را در چنین منظوری به کار نبرده‌اند). در دیدگاه محقق حلی، که دیدگاه خود را اظهار بین اصحاب امامیه می‌داند، وجوب نفقه ناشی از تمکین است، نه از عقد؛ و حال آنکه خطیب محترم در یکی از دو نظریه خود گفته‌اند از عقد ناشی می‌شود. مرحوم آقا سیدابوالحسن اصفهانی و امام خمینی نیز خلاف این مطلب را مطرح نکرده‌اند بلکه همان دیدگاه مشهور را پذیرفته‌اند. با این تفاوت که حضرت امام خمینی سخن از تمکین به میان نیاورده و به جای آن «اطاعت» را طرح کرده‌اند. ولی هم ایشان و هم دیگران وجوب نفقه را تنها ناشی از عقد نمی‌دانند. چون به اعتقاد ما عقد دائم در فقه امامیه موضوع حکم است^{۱۵}، فقط اطاعت یا تمکین می‌تواند شرط باشد. به فرض اینکه چنین نباشد، باز هم در دیدگاه یاد شده، یعنی وجوب نفقه نه به صرف عقد، بلکه به تمکین یا اطاعت، خللی وارد نخواهد شد. پس اینکه بیابیم تفصیل قایل شویم و بگوییم استحقاق به عقد، و استیفاء به تمکین یا اطاعت است، سخنی است که صرفاً از زبان خطیب محترم برآمده و این فقیهان آن را مطرح نکرده‌اند.



همان اطاعت است. در حالی که چنین تلائم و تقابلی امکان ندارد. توضیح این مطلب نیازمند مراجعه به دیدگاه‌های معروف فقهی و حقوقی مطرح شده درباره نفقه می‌باشد. پس به ناچار و به طور خلاصه سه دیدگاه ذکر شده در مقاله قبل را دوباره مرور می‌کنیم:

۱ - دیدگاه مشهور که می‌گویند: نفقه به مجرد عقد، واجب نیست بلکه وجوب نفقه متوقف بر تمکین می‌باشد. دیدگاه امام خمینی نیز چنین است با این تفاوت که در دیدگاه امام، اطاعت جای تمکین را گرفته است.

۲ - دیدگاه جمعی از فقیهان مثل مرحوم محقق سبزواری (غیر مشهور) که می‌گویند: نفقه به مجرد عقد، واجب می‌شود ولی نشوز، مانع و مُسقط آن است.^{۱۶}

۳ - دیدگاه برخی از فقیهان مثل آیت‌الله خوئی که می‌گویند: نفقه به مجرد عقد واجب نیست بلکه به شرط عدم نشوز واجب است. آیت‌الله خوئی این دیدگاه را به مشهور نسبت می‌دهند و می‌گویند: «مشهور در میان فقیهان این است که وجوب نفقه به عدم نشوز مشروط است.»^{۱۷}

ثمره و نتیجه اختلاف دیدگاهها در پاره‌ای مسائل فرعی آن روشن می‌شود مثلاً اختلاف در تمکین: هر گاه زوجه بگوید من خود را تسلیم کرده‌ام و شوهر منکر شود، بر اساس دیدگاه مشهور [و به تبع، دیدگاه امام] سخن زوج، بدون ارائه دلیل پذیرفته‌است زیرا اصل بر تمکین زوجه است که در این مورد حاصل نشده‌است. ولی بر اساس دیدگاه دوم و سوم سخن زوجه پذیرفته می‌شود و شوهر ملزم

است نشوز او را ثابت کند. تفاوت دیدگاه دوم و سوم در فترت بین عقد تا به منزل بردن و عروسی رسمی است که بر اساس دیدگاه دوم در مدت مذکور؛ نفقه واجب است و بر اساس دیدگاه سوم، نفقه واجب نیست زیرا موضوع آن محقق نشده است، یعنی باید زن و مرد زندگی رسمی خود را آغاز کنند تا عدم نشوز مصداق پیدا کند. ولی بر اساس دیدگاه دوم شروع زندگی در وجوب نفقه نقشی ندارد بلکه به صرف عقد نفقه واجب می‌شود. اختلافات و ثمرات دیگر در طلب زفاف از سوی شوهر و چند فرع دیگر ظاهر می‌گردد.

تا اینجا اختلاف دیدگاهها را بر اثر تفاوت نتیجه عملی بررسی کردیم. علاوه بر آن سه دیدگاه مذکور از نظر فقهی نیز با هم متفاوتند زیرا تمکین به تمکین عام و خاص تقسیم شده و غیر از اطاعت است. برخی از فقیهان عقیده دارند تمکین به معنای آن است که زوجه ملزم است قولاً و عملاً خود را بر شوهر عرضه کند و عرضه عملی کفایت نمی‌کند. یعنی زوجه باید به شوهر خود بگوید: من خود را تسلیم تو کردم، هر جا بخواهی و هر زمان بخواهی. حال آنکه در اطاعت چنین نیست.^{۱۸} تمکین به فرمان یا خواسته زوج منوط نیست ولی اطاعت، وقتی است که شوهر فرمان دهد و زن بپذیرد^{۱۹} یا زوجه از حال زوج بفهمد که شوهرش از او تقاضای دارد.

عدم نشوز با هر دو تفسیر سازگار است و تقریباً اعم از تمکین و اطاعت است و حتی بالاتر از آن، عدم نشوز به عرف مربوط می‌شود یعنی اگر در عرف برخی از مردم، زوجه باید خود را قولاً و عملاً عرضه کند، چون عدم نشوز شرط است، شامل این مورد می‌شود و اگر در فرهنگ جامعه‌ای خواسته زوج متوقف بر دستور او به زوجه باشد، باز هم عدم نشوز صادق است.

◀ دیدگاه قانون مدنی

در قانون مدنی ایران، در مبحث نفقه زوجه، اصطلاحات فقهی مثل تمکین، احتیاس، اطاعت و نشوز به کار نرفته است طبق این قانون، زوجه با امتناع از وظایف زوجیت، مستحق نفقه نمی‌باشد: ماده ۱۱۰۲ و وجوب انفاق به صرف عقد، ماده ۱۱۰۶ تشخیص موضوع و ماده ۱۱۰۸ صورت امتناع زوجه را گوشزد می‌کند. به عبارت دیگر دیدگاه قانون مدنی با دیدگاههای معروف فقهی

◀ سه دیدگاه متفاوت

حضرت آیت‌الله یزدی در این بخش از سخن خود می‌گویند سه دیدگاه کاملاً متفاوت را با هم جمع کنند و به نوعی میان فتوا و قانون مدنی تقابلی ایجاد نمایند. ابتدا اظهار می‌دارند که قانون مدنی همان فقه است و سپس می‌گویند شرط عدم نشوز

● اختلاف فقیهان در شرط گذاشتن تمکین، اطاعت و عدم نشوز و مانع قرار دادن نشوز از تفاوت استنباطها بر خاسته و نمی‌توان همه را یکی پنداشت.

سازگار نیست و دیدگاه خاص خود را دارد. از نظر قانون مدنی، عقد دائم موضوع نفقهٔ زوجه می‌باشد و وجوب از صرف عقد ناشی شده است. همچنین در حالت امتناع زوجه از وظایف زوجیت، استحقاق نفقه نفی گردیده است.

در این قانون سخن از شرط وجوب و مانع و مسقط آن به میان نیامده است و اصل بر انفاق زوج به صرف عقد (یا به شرط دوام) است. از استثنای مندرج در مادهٔ ۱۱۰۸ دو مطلب به دست می‌آید: اول آنکه امتناع را مسقط نفقه قرار دهیم. دوم آنکه عدم امتناع را شرط بدانیم که این برداشت با روح قانون سازگارتر است زیرا مورد استثنای نفقه را به عنوان عدم استحقاق طرح می‌کند، یعنی امتناع زوجه، موضوعاً حق نفقه او را از حکم وجوب خارج می‌کند، نه تعباً. اگر نشوز یا امتناع را مانع و مسقط بدانیم، نیازمند دلیل جداگانه هستیم که قانونگذار فرض را بر عدم آن گذاشته است. به عبارت دیگر قانونگذار موضوع نفقه را عقد دائم و شرط را عدم امتناع از وظایف زوجیت قرار می‌دهد. وجوب از صرف عقد برمی‌خیزد و تحقق و وجود آن از ناحیهٔ شرط است. پس هر گاه شرط نباشد، نفقه تحقق نخواهد داشت، نه آنکه امتناع مانع و مسقط باشد. مبنای چنین دیدگاهی عقلی - عرفی است و حال آنکه در فقه، تابع مبانی اصولی و متخذ از روایات و آیات هستیم. همان گونه که می‌دانیم در قانون مدنی در تدوین مواد مربوط به نفقه از اصطلاحات فقهی تمکین، احتباس و نشوز استفاده نشده است. با این وصف اگر اصرار داشته باشیم که برای قانون مدنی مبنای شرعی بیابیم و بخواهیم این مبنا را با قواعد فقهی سازش دهیم، با دیدگاه سوم، یعنی با دیدگاه آیت‌الله خویی - که خود مدعی اشتیاق آن شده‌اند - وفق می‌دهد، نه با دیدگاه مشهور و غیر مشهور. تفاوت این سه دیدگاه از لحاظ علمی و عملی، چنان که گذشت، روشن است. برخی از حقوقدانان کشور که تلاش کرده‌اند برای دیدگاه قانون مدنی در مورد نفقه، مبنای فقهی به دست دهند؛ از چهارچوب اصطلاح و تعابیر قانونی

خارج شده‌اند. از شرح قانون مدنی دکتر سید حسن امامی، دو دیدگاه به دست می‌آید: اول همان مطلبی که عنوان شد و این را در مالکیت زن بر نفقه عنوان کرده و می‌نویسد: «به عبارت دیگر مالکیت زن نسبت به نفقهٔ روز خود فرائعی به عدم نشوز او در آن مدت

است»^{۲۰}. دوم تفسیری که دکتر کاتوزیان پذیرفته و از ایشان نقل می‌کند: «چنانکه از مادهٔ بالا معلوم می‌گردد، حق نفقهٔ زن نسبت به شوهر رابطهٔ مستقیم با انجام وظایف ناشی از زناشویی به وسیلهٔ او دارد، به طوری که عدم انجام وظایف مزبور از طرف زن، موجب سقوط حق نفقهٔ او می‌گردد. به اصطلاح حقوقی، نشوز مانع از استحقاق زن نسبت به نفقه خواهد بود»^{۲۱}.

از دیدگاه قانون مدنی، نفقهٔ ایام عقد تا به خانه



بردن و تشکیل رسمی خانواده بر عهدهٔ زوج قرار نمی‌گیرد زیرا شرط تحقق و وجود حق نفقه، انجام وظایف زوجیت است و این وقتی است که خانواده رسماً کار خود را آغاز کند و مسئولیتها و وظایف در برابر هم قرار گیرند. امتناع وقتی مصداق دارد که وظایف، شروع و مشخص شده باشد. اگر اصلاً خانواده تشکیل نشود، به معنی عدم ایجاد حقوق و وظایف تلقی می‌شود، نه به معنی امتناع، که امتناع فرع بر وجود و تعلق وظیفه است. اگر خانواده نباشد، چگونه زوجه از ریاست مرد سر باز زند و اگر فرزندی نباشد، چگونه زوجه از تربیت او خودداری کند!

◀ شرط عدم نشوز

آیت‌الله یزدی نوشته‌اند: «... شرط عدم نشوز همان اطاعت است». فقیهانی که اطاعت را شرط دانسته بودند، به روایاتی نظر دارند که از حقوق شوهر بر زوجه سخن گفته، از او می‌خواهد به خواسته‌های شوهر گردن نهد و برای جماع، مطیع او باشد؛ از بهترین لباس و عطرها برای او استفاده

کند و از منزل وی بی‌اجازه بیرون نرود و مانند اینها. یعنی ابتدا حقوقی را به نفع شوهر بر عهدهٔ زوجه می‌گذارند و بعد از آن حق نفقه را برای زوجه قابل می‌شوند. ولی فقیهانی که عدم نشوز را شرط قرار داده‌اند، آن حقوق را اثبات شده تلقی نمی‌کنند و بر عکس دیدگاه سابق، از اول برای شوهر، حق معین نمی‌کنند بلکه نخست نفقه را بر عهدهٔ شوهر می‌گذارند و بعد، از زوجه می‌خواهند که ناشزه نباشد. پیش از این گفتیم که تفاوت این دو دیدگاه این است که بر اساس دیدگاه نخست در بعضی موارد، جمعی از زنان از دریافت نفقه محروم خواهند شد ولی در دیدگاه دوم محرومیتی وجود ندارد. پس شرط عدم نشوز، همان اطاعت نیست.

◀ مفاهیم علمی

آیت‌الله یزدی اظهار داشته‌اند: «...بلکه اصولاً مفاهیم علمی نمی‌توانند شرط باشند»؛ به اختصار عرض می‌کنم:

اولاً در فرهنگ فقه چنین تعبیراتی رایج است. بزرگان فقه، خصوصاً علامه حلی عدم نشوز را به عنوان شرط گزارش می‌دهد^{۲۲}. صاحب جواهر نیز که از چهره‌های غیر قابل انکار عرصهٔ فقه است، بر همین منوال سخن گفته^{۲۳} و آیت‌الله خویی، ساده و روشن، عدم نشوز را شرط دانسته‌اند، چنان که جمع یزیدی از فقیهان قابل بوده‌اند^{۲۴}.

بنابراین شرط عدم نشوز به عنوان یک شرط حُجَاز، از سوی بزرگان فقه شیعه طرح گردیده و نه از سوی ما. ولی ما این سخن آیت‌الله یزدی را اتهام بر فقیهان قلمداد نمی‌کنیم!

ثانیاً عدم نشوز گرچه لفظ عدم دارد ولی مفهوم عدمی ندارد. آنچه مورد نقد آیت‌الله یزدی بوده، مفاهیم علمی است نه جمله‌ای که واژهٔ عدم دارد اما مفهوم وجودی است. چنین شرطی از باب حمل اولی صحیح است. بنابراین از دیدگاه فلسفه و منطق چنین شرطی جایز است و بالاتر از این، حتی عدم مطلق می‌تواند به حمل اولی، موضوع قرار بگیرد.

ثالثاً در مباحث اصول الفقه، به وقت بحث از «اطلاق» و «تقیید» پیرامون ماهیات می‌گویند: ماهیات دارای سه اعتبار است: (۱) ماهیت به شرط شیء (۲) ماهیت به شرط لا (۳) ماهیت لا به شرط. مثالی که در این بحث مطرح شده، شرط عدم عصیان خدا، در حکم قصر نماز مسافر است یعنی



● شرط عدم نشوز، به عنوان یک شرط مجاز، از سوی بزرگان فقه شیعه طرح شده است نه از سوی ما. ولی ما این سخن آیت‌الله یزدی را اتهام بر فقیهان قلمداد نمی‌کنیم!

مسافر وقتی می‌تواند در سفر نمازش را شکسته بخواند که معصیت خدا نکرده باشد. پس از دیدگاه مبنایی (اصول الفقه) نه تنها شرط عدم نشوز منعی ندارد بلکه مورد قبول فقیهان نیز هست. رابعاً در حیطة قانونگذاری، همانند فقه، مواردی دیده می‌شود که به قول خطیب محترم، مفهوم علمی، شرط قرار گرفته است. طبق ماده ۱۰۳۴ قانون مدنی، خلّو از موانع، شرط خواستگاری است در حالی که خالی بودن از موانع، یک مفهوم علمی است.

◀ مانعیّت نشوز

در مورد مطلبی که آیت‌الله یزدی مکرر ما را به دقت کردن در آن توصیه کرده‌اند، یعنی: «نشوز مانع است، نه عدم آن شرط»، باید عرض کنم:

اولاً برداشتهای مبنایی در فقه روش خاصی دارد. اگر کسی از ادله انفاق و روایات موجود استنباط کند که خروج از منزل و مانند آن مسقط و مانع حق نفقه است، اصل را بر انفاق زوج به صرف عقد می‌گذارد و این مصادیق را مانع و مسقط نفقه می‌داند و اگر از روایات استنباط کند که اطاعت، شرط پرداخت نفقه است، چنانکه در دیدگاه امام آمده بود، اطاعت را شرط می‌داند و اگر فقیهی از روایات، شرطیّت تمکین را نتیجه بگیرد، اصل را بر وجوب نفقه به همین شرط می‌گذارد، نه صرف عقد؛ و اگر از ادله، شرطیّت تمکین به دست نیامد، چنانکه صاحب جواهر مدعی است، با موضوع اطاعت تحصیل نشد و همچنین مانع بودن نشوز محرز نگردید، اصل را بر وجوب انفاق به صرف عقد می‌گذارد اما مشروط به عدم تحقق نشوز. تا

علاوه بر اینکه نشان دهد روایات باب انفاق، برای پرداخت نفقه زوج، شرطی مثل تمکین و موارد دیگر قابل نشده‌اند، خروج زوج از اطاعت مرد و تمرد او را نادیده نگرفته باشد و برای اینکه نشان دهد مالکیت زوج بر نفقه، در مواردی که اقتضای ملکیت دارد، ثابت اما شرعی به عدم نشوز است. بنابراین اختلاف فقیهان در شرط گذاشتن تمکین، اطاعت و عدم نشوز، و مانع قرار دادن نشوز از تفاوت استباطها برخاسته نمی‌توان همه را یکی پنداشت. ثانیاً علاوه بر تفاوت مبنایی، «مانع بودن نشوز» و «شرط عدم نشوز» از نظر ترتیب آثار نیز متفاوتند. اگر وجوب، انفاق به صرف عقد باشد، نشوز مانع

آن قرار می‌گیرد و زوج ملزم است نفقه ایام میان عقد تا خانه بردن را پرداخت کند ولی در دیدگاه کسانی که عدم نشوز را شرط می‌دانند، نفقه این ایام واجب نیست^{۱۵}. پس فقیهانی که میان شرط عدم نشوز و مانع و مسقط بودن نشوز تفاوت دیده و در فتاوا و بدان تصریح کرده‌اند، به نتایج آن توجه داشته‌اند. تفاوت دیگر شرط عدم نشوز و مانع بودن نشوز، در نحوه تحصیل نفقه زوج و مالکیت روزانه او ظاهر می‌گردد. تفاوت سوم در جایی است که زوجۀ واقعاً



ناشزه بوده ولی شوهر متوجه آن نگشته است. طبق دیدگاه شرطیّت عدم نشوز، چون تصرف زوجۀ از اول شرعی به عدم نشوز است، دقیقاً از همان زمانی که ناشزه شده است، مستحق نفقه نبوده اما طبق دیدگاه دیگر، اولاً نشوز نیازمند اثبات است و ثانیاً از زمان کشف خطا، نفقه قطع می‌گردد^{۱۶}.

◀ نقد یا تهمت؟!

آیت‌الله یزدی در بخشی از سخنان خود می‌گویند: «باید بگویم در این بخش نه تنها به خطیب تهمت زده شده، بلکه به فقهای نامبرده هم تهمت زده شده، چه آنکه...»

سخنان خطیب محترم دارای دو بخش بود. بخش اول نظر خودشان و بخش دیگر نقل فتوای تحریرالوسیله و مشهور. ریشیایی ما مربوط به سخن ایشان نبود، چه آنکه ایشان خود فتوا نداده‌اند بلکه صراحتاً فتوای امام را نقل کرده‌اند و گفته‌اند نظر امام است. آنچه ایشان اضافه کردند، تفسیر فتوا بود. پس در این جهت، بنده سخنی به آیت‌الله یزدی نسبت نداده و فتوای فقیهان را مورد نظر قرار داده

بودم. بنابراین به فرض آنکه چنین سخنانی مصداق تهمت باشد، به ایشان تهمتی وارد نشده است.

اما درباره اینکۀ گفته‌اند بنده به فقیهان تهمت زده‌ام، گفتمی است که اولاً نقد سخنان فقیهان تهمت به حساب نمی‌آید و ثانیاً بنده عین گفته شیخ طوسی را نقل کرده‌ام که زوج را مستأجر و مُکتری و زوجۀ را موجر و مُکری می‌خواند. شیخ طوسی در جای دیگری صراحتاً نوشته است: «زیرا نفقه زوجۀ به طریق معاوضه [دادوستدی] است»^{۱۷}. صاحب جواهر که این تشبیه را از شیخ نقل کرده، خود در جای دیگری نوشته است: «و از این مطلب [مطلبی که پیرامون مفروضه المهر دارد] روشن شد که نکاح در واقع

معاوضه است گرچه عقد آن از ذکر عوض خالی باشد [یعنی متعاقدين، به هنگام عقد نامی از عوض نیاورند] پس در این صورت بر عقد نکاح، حکم معاوضه از قبیل مطالبه تعیین عوض [مهر] و حبس معروض [نفس و بضع زوجۀ] جاری می‌شود تا عوض تسلیم گردد و همچنین احکام دیگر معاوضه جاری است»^{۱۸}.

مرحوم دکتر سیدحسین امامی در شرح قانون مدنی، عیناً نظر ما را مطرح کرده است و مبنای عدم پرداخت دارو و هزینه مداوا را همان تشبیه شیخ و دیدگاه معاملی (اجاره‌ای) می‌داند^{۱۹}.

◀ فقیه آگاه به زمان

آیت‌الله یزدی در پاسخ خود در اشاره به دخالت زمان و مکان در فقه نوشته‌اند: «در این مسأله فتوای امام دیده نشده و صراحت نظر ایشان فراموش شده و به توجیهاات روشفکری متوسل شده‌اند. گویا که امام خمینی فقیهی ناآشنا به زمان بوده».

امام خمینی را در زمان خود، تنها فقیه شیعی آگاه به زمان و مکان می‌دانند. چنین بدبیه‌ای نیاز به اثبات ندارد. در مقاله بنده هیچ سخن صریح و یا کنایه‌آمیزی در این مورد وجود نداشت. عکس العمل آیت‌الله یزدی در برابر نقد بنده منصفانه نبود، چه آنکه انتقاد از یک مورد فتوای مندرج در تحریر که به سالهای قبل از انقلاب مربوط می‌شود، به معنی عدم توجه امام به زمان و مکان نیست. امام خمینی مثل هر مرجع دیگری، در طول حیات علمی و فقهی خود، فتوایی را تغییر دادند، خصوصاً بعد از انقلاب که با فضای به کلی متغییری روبه‌رو بودند. ایشان مهربیۀ زوجۀ خود را به هراتریمان پذیرفته‌بوندند و در

● «مانع بودن نشوز» و «شرط عدم نشوز» علاوه بر تفاوت مبانی، از نظر ترتیب آثار نیز متفاوتند.

آخر وصیت کردند که یک دانگ از منزل مسکونی ایشان، واقع در قم به جای مهریه او باشد. همسر ایشان اظهار می‌دارد: «به من گفت من به کار تو کاری ندارم. به هر صورت میل داری، لباس بخر و بپوش اما آنچه از تو می‌خواهم این است که واجبات را انجام بدهی و محرمات را ترک بکنی، یعنی گناه نکنی. به مستحبات خیلی کاری نداشتی، به کارهای من کاری نداشتی. هر طور که دوست داشتم زندگیت می‌کردم. به رفت‌وآمد با دوستانم کاری نداشتی، چه وقت بروم، چه وقت برگردم. ایشان به درس و تحصیل مشغول بودند و من هم سرم به کار خودم بودم.» سیره حضرت امام چنین بود. ایشان به زن نهایت احترام و اطمینان را می‌دهند و او را به هیچ قیدی در نمی‌آورند، جز به قید اطاعت از خدا. حال آنکه فتوای ایشان براساس روایات، همان بود که آیت‌الله یزدی مطرح کردند.

◀ مدرک فتوا

در مقاله خود از آیت‌الله یزدی خواسته‌بودم که اگر مدرکی دال بر عدم پرداخت هزینه پزشکی، غیر از مبانی که خود ارائه داده‌بودم، در دست دارند، ارائه دهند. ایشان روایتی از وسائل‌الشیعه، چاپ اسلامیة، جلد ۱۵، باب اول از ابواب النفقات، ردیف هفتم، صفحه ۲۲۵، شماره ۲۷۷۱۹، را ارائه کرده‌اند. آنچه در این مجال گفتی است، آنکه:

اولاً سند روایت اشکال دارد زیرا نه تنها از عمرو بن جُبیر، بلکه جامورانی (ابو‌عبدالله محتسب‌بن احمد رازی) نیز تضعیف شده‌است. استثنایی که استاد شیخ صدوق در مورد جامورانی قایل شده، یعنی تصحیح روایات محمدبن احمدبن یحیی، شامل سلسله سند این روایت نمی‌باشد.^۳ راوی دیگر این حدیث، حسن بن علی بن ابی حمزه بطنانی، مورد قدح و تضعیف علمای رجال واقع شده و او را کذاب خوانده‌اند.^۴

ثانیاً مضمون و منطوق روایت، مخالف روایات بی‌شمار دیگری از جمله شماره ۲۷۷۲۶، ۲۷۷۳۸، ۲۷۸۰۸ و روایات باب ۲۱ از ابواب نفقات می‌باشد. در این روایات ارقام دیگری طرح و بر عهده شوهر گذاشته شده یا به کفایت مخارج ارجاع می‌شود. مرحوم حرّ عاملی در ذیل شماره ۲۷۷۲۶ به باب ۲۱ ارجاع می‌دهد و می‌گوید: «آنچه به عنوان ملاک مورد عمل معتبر است، کفایت

روایت مورد نظر آیت‌الله یزدی، فقیهان به مضمون روایت فتوا نداده‌اند. بنابراین روایت مورد اعتراض بوده است.

خامساً اطعام خشک و خالی در حدّ سدّ جوع و لباس به اندازه‌ای که بدن عریان نباشد حتی در آن زمان نیز مقدار متعارف نبوده بلکه حداقل ممکن، در نفقه است خصوصاً که چنین دیدگاهی در زمان امام صادق^ع نیز رایج بوده و مردم آن عصر در رفاه بوده‌اند و فتوحات مسلمین، توده مردم را سیر می‌کرده‌است. با این وصف قطعاً این دیدگاه از روایات باب انفاق و آیات قرآن تغذیه نمی‌شود. بنابراین مبنای فتوای یاد شده، که شوهر وظیفه ندارد هزینه درمان بیماریهای صعب‌العلاج زن را پردازد، جز همان رابطه دادوستدی که قبلاً عرض شد، چیز دیگری نیست و چون آیت‌الله یزدی آن مبنا را مردود می‌دانند، و از سویی روایت ارائه شده نیز ضعیف و معرض عنه است، و ضمناً نکاح را پیوند دو انسان می‌دانند، بر این اساس نمی‌توان منکر پرداخت هزینه‌های پزشکی ولو در مورد بیماریهای صعب‌العلاج بود.

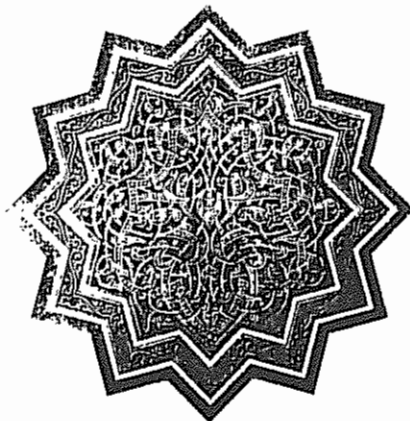
- یادداشتها:
- ۱- جواهر الکلام، محمدحسن نجفی (م)، ۱۲۶۶ق، چاپ بیروت، داراحیاء التراث العربی، ج ۳۱، ص ۳۳۶.
 - ۲- همان جا، ص ۳۲۳.
 - ۳- همان جا، ص ۳۲۴.
 - ۴- همان جا، ص ۳۲۸.
 - ۵- بحارالانوار، علامه محمدباقر مجلسی (م)، ۱۱۱۰ق، چاپ بیروت، داراحیاء التراث العربی، نوبت سوم، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳، ص ۳۳۳ و ۳۶۲.
 - ۶- تفصیل وسائل‌الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة، محمدبن حسن حرّعاملی (م)، ۱۱۰۴ق، چاپ تهران، مکتبه الاسلامیة، نوبت سوم، ج ۱۵، ص ۱۲، شماره ۲۷۰۲۴.
 - ۷- همان جا، ج ۱۴، ص ۵۹، شماره ۲۵۱۰۰.
 - مانند همین روایت از امام صادق^ع در شماره‌های ۲۵۱۰۶، ۲۵۱۱۰ نقل شده‌است.
 - ۸- همان جا، شماره‌های ۲۵۱۰۷ و

[تأمین مخارج] زوجه است.^۵
ثالثاً طبق تقسیم‌بندی آیت‌الله یزدی مبنی بر نفقه متعارف و غیر متعارف، فتوای امام خمینی با روایت مذکور وفق نمی‌دهد زیرا هزینه‌های پزشکی ساده را نیز شامل نمی‌شود و در این جهت مخالفت دارد. بنابراین نقل این روایت علاوه بر آنکه مبنای فتوا به حساب نمی‌آید، نقض سخن ایشان را نیز به دنبال آورده‌است.

رابعاً این روایت مورد اعتراض عملی اصحاب قرار گرفته و بدان عمل نمی‌شود زیرا جمود بر ظاهر آن به معنی عدم وجوب هزینه‌های دیگری مثل مخارج استحمام، روغن، مسکن و... خواهد بود در حالی که همه فقیهان به وجوب این ارقام فتوا داده‌اند. برای گریز از تطویل، فقط جمله‌ای را از محقق در شرایع می‌آوریم که فرموده: «و اما اندازه نفقه، پس به میزان برآوردن احتیاجات زن است، از قبیل خوراک، خورش، لباس، مسکن، خادم گرفتن و ابزار روغن [آرایشی] که تابع عادت امثال زوجه از همسرهای اوست».^۶

سپس مرحوم محمدحسن نجفی می‌نویسد: «بعضی از اصحاب، متعرض بیان نفقه معتاد [متعارف] شده‌اند و هشت چیز را واجب دانسته‌اند: ۱) طعام [غالب قوت بلد] به اندازه رفع حاجت و به حسب حال زوجه (۲ خورش (۳ لباس (۴ بستر (۵ آلت طیبخ و شرب (۶ آلت تنظیف مثل شانه و آلت استفاده از روغن (۷ مسکن (۸ نفقه خادم».^۷

چنانکه ملاحظه گردید و علی‌رغم تصریح صاحب جواهر بر وجود روایات به مضمون همان



● اختلاف اصولی دیدگاه فقیهان، در تقدم و تأخر حق زوجه (نفقه) است.

۲۵۱۱۱

مستدرک الوسائل، چاپ آل البیت، ج ۱۵، شماره ۱۶۴۸۴. در این روایت، مرد به عنوان مشتری مطرح شده است.

۹ - تهذیب الاحکام فی شرح المقننه، محمد بن حسن طوسی (م. ۴۶۰ ق)، چاپ تهران، دارالکتب الاسلامیه، نوبت چهارم، ج ۸، ص ۱۳۷، شماره ۷۵/۴۷۶.

۱۰ - همان جا، ج ۵، ص ۳۳۰.

التصیر، محمد بن مسعود عیاشی (حیات در سده سوم ق)، چاپ تهران، انتشارات علمیة اسلامیة، ج ۲، ص ۲۱۲.

تفصیل وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۴۳، شماره ۲۵۴۱۸.

۱۱ - تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۲۴۹.

التصیر، ج ۱، ص ۲۶۵.

۱۲ - تفصیل وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۳۸۲، شماره ۳۴۳۱۱.

۱۳ - همان جا، ص ۴۲۶ و ۴۲۷، شماره ۳۴۴۴۹ و ۳۴۴۵۱، از امام حسن مجتبیٰ ع، ص ۴۰۹، شماره ۳۴۳۹۹، از امام صادق ع.

من لایحضره الفقیه، محمد بن علی بن حسین قمی (م. ۳۸۱ ق)، چاپ تهران، دارالکتب الاسلامیه، نوبت پنجم، ج ۳، ص ۲۶۷، شماره ۵۴/۱۲۶۹، از امام صادق ع است که مهریه را به تصرف لازم می‌دانند.

ص ۲۶۳، شماره ۳۸/۱۲۵۳ از حضرت علی ع و شماره بعد از امام موسی بن جعفر که هر دو بزرگوار برای زنی که پیش از آمیزش با شوهرش، زنا دهد، مهریه قابل نیستند.

تعلیل این دیدگاه این است که: «حادثه [اجازه استفاده از بضع به غیر شوهر] از ناحیه خود زوجه بوده است.»

۱۴ - تحریر الوسیله، امام خمینی، جلد دوم، ص ۳۰۳ و ۳۰۵ و ۳۱۴.

از دیدگاه ایشان، حق شوهر عبارت است از: «مطیع بوده، عصیان نکند، از منزل شوهر بی‌اجازه بیرون نرود، حتی برای دیدار با خانواده‌اش، ولو برای عیادت مادر یا عزاداری او بلکه [به نظر ایشان] در روایات وارد شده: زوجه در مقابل شوهرش [حق تصرف در مال خود را ندارد و نمی‌تواند] از مال خود صدقه بدهد، بخشش یا نذر

کند مگر اینکه شوهر اجازه دهد [این حق برای شوهر مسلم است مگر] در مورد حج، زکات، و اموالی که در راه نیکی به پدر و مادر یا صلوة رحم هزینه می‌گردد.» همچنین نشوز از دیدگاه ایشان عبارت است از: «در اختیار نگذاشتن نفسی خود، برطرف نکردن چیزهایی که نفرت می‌آورد و ضد بهره‌گیری و لذت‌جویی [جنسی] است. بلکه ترک نظافت و زینت کردن را در حالی که شوهر خواهان آن باشد [شامل می‌شود] و همچنین خروج او از منزل بدون اجازه شوهر و غیر از این [موارد دیگری همه مصداق نشوز است.]» ایشان در بخش دیگری از تحریر الوسیله نشوز را چنین تفسیر کرده‌اند: «نشوز، سرکشی زوجه به علت تغییر عادت او در سخن گفتن یا کردار است، بدان گونه که در جواب شوهر درشتی کند، پس از آنکه به نوعی سخن می‌گفته، یا بر خلاف روش سابق خود خشم گیرد، سنگین شود و چهره درهم کشد و پاسخ او را به زشتی و تندی باز گوید.»

۱۵ - در فقه مذاهب اهل سنت، از دواج پاره وقت باطل و حرام است؛ پس اینان نیازی به فید دوام ندارند.

۱۶ - کفایة الاحکام، محقق سبزواری (م. ۱۰۹۰ ه)، چاپ اصفهان، مدرسه صدر، ص ۱۹۴.

۱۷ - منهاج الصالحین، آیت‌الله خویی، چاپ قم، ج ۲، ص ۳۹۳.

۱۸ - جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۰۷.

۱۹ - فرهنگنامه نگاران از جمله ابن اثیر در توضیح این کلمه نوشته‌اند: «أذعن و انقاد و اتباع

الامرولم یخالفه = پذیرفت، منقاد شد، از دستور بی‌روی کرد و مخالفت نمود.»

۲۰ - حقوق مدنی، دکتر سید حسن امامی، چاپ تهران، اسلامیة، ج ۴، ص ۴۴۴.

۲۱ - همان جا، ص ۴۵۶.

حقوق خانواده، دکتر سید حسین صفایی و دکتر اسدالله امامی، چاپ دانشگاه تهران، نوبت دوم، ج ۱، ص ۱۸۸ و ۱۸۹.

قانونگذار متوجه اختلاف آرا و تفسیرها بوده و به همین جهت در قانون مدنی، پیرامون نفقه از الفاظ تمکین و نشوز بهره نگرفته است. در قانون مدنی از تفسیرهای کلیشه‌ای خبری نیست و اقلام وظایف از محدوده امور جنسی فراتر رفته و به سود خانواده است.

۲۲ - جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۰۳.

ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد، محمد بن الحسن فخرالمحققین (م. ۷۷۱ ق)، چاپ کوشانپور، ج ۳، ص ۲۶۷.

رفع الغرر عن قاعدة لا ضرر، چاپ قم، دفتر انتشارات اسلامی، ص ۷۶ تا ۸۳.

۲۳ - جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۰۳ تا ۳۰۶.

شرایع الاسلام، محقق، چاپ رحلی، ج ۱، شرایط روزه، ص ۵۸.

۲۴ - منهاج الصالحین، ج ۲، بحث نفقه.

۲۵ - همان جا.

۲۶ - برای اطلاع بیشتر درباره تفاوتها، به جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۰۳ تا ۳۰۹ رجوع کنید.

۲۷ - جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۶۲ و ۳۰۵ و ۳۰۶.

۲۸ - همان جا.

۲۹ - حقوق مدنی، دکتر امامی، ج ۴، ص ۴۳۴.

۳۰ - پیام زن، شماره ۲۳، ص ۱۲، به نقل از فصلنامه ندا، پاییز ۷۲.

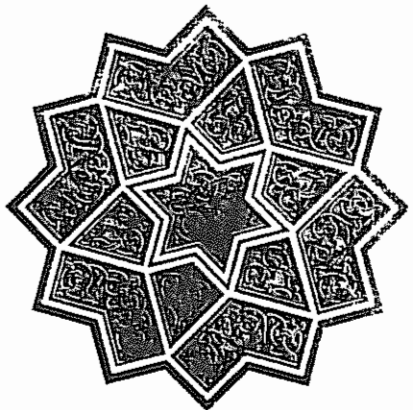
به پاورقی شماره ۱۴ نگاه کنید.

۳۱ - معجم رجال الحدیث، آیت‌الله خویی، چاپ بیروت، دار الزهراء، ج ۱۵، ص ۵۱ و ۵۲.

۳۲ - همان جا، ج ۵، ص ۱۴ تا ۱۶.

۳۳ - جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۳۰.

۳۴ - همان جا، ص ۳۳۱ تا ۳۳۷.



ترجمه علی اندیشه

حساسیتهای پوستی و تنفسی به سرعت در میان کودکان شیوع می‌یابد. در کنار عوامل وراثتی، عوامل محیطی نیز در ایجاد این گونه ناراحتیها مؤثرند. اطلاعات زیر که از سوی رئیس کلینیک کودکان، وابسته به دانشگاه برلین ارائه شده است، نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با این ناراحتیها مقابله کرد:

📌 یک کودک پنج ساله، نیمه شب دچار ناراحتی تنفسی می‌شود. پزشکان با آزمایش خون او دریافته‌اند که در اثر تماس کودک با گرد و خاک و گربه، مقدار زیادی پادتن در خون او ترشح شده‌است.

طبق اظهارات مادر کودک، او از دوران نوزادی حساسیتهای پوستی داشت که ابتدا در صورتش ظاهر می‌شد و سپس به تمام سطح بدنش گسترش می‌یافت و در اثر گرمای هوا، التهابات روحی، مصرف مواد غذایی آلرژی‌زا مثل تخم‌مرغ، شیرگاو و بعضی میوه‌ها دچار خارش می‌شد و خونریزی می‌کرد. پس از مدتی مادر احساس می‌کند که با مصرف دارو و رژیم غذایی، حساسیت پوستی کودک کمتر شده‌است. اما مدتی نگذشت که ناگهان تنگی نفس شدیدی بر کودک عارض شد طوری که شبها اصلاً نمی‌توانست بخوابد. 📌

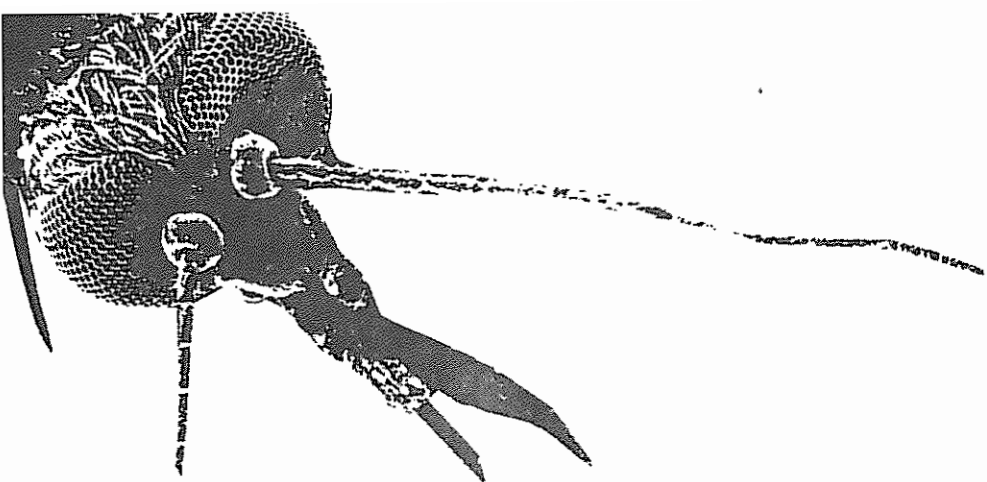
آلرژی کودکان به سرعت شیوع می‌یابد و هر روز کودکان زیادی دچار ناراحتیهای پوستی و عوارض تنفسی می‌شوند. امروزه نسبت به قرن گذشته، میزان ابتلای کودکان حدود یک سوم افزایش یافته است. گرچه تأثیر عوامل وراثتی در بروز این ناراحتیها در کودکان قابل انکار نیست ولی تعداد مبتلایان آنقدر زیاد است که نمی‌توان همه را به عوامل وراثتی نسبت داد. در سالهای اخیر، تغییر شرایط زندگی و محیط زیست را یکی از عوامل مهم شیوع غیرعادی آلرژی قلمداد کرده‌اند. البته هنوز عامل یا عوامل اصلی این بیماریها در بین کودکان کشف نشده است.

در سال ۱۹۶۶ میلادی یک دانشمند سوئدی و یک زوج دانشمند ژاپنی اعلام کردند که عامل ناراحتیهای آلژیک، «گلوبول ایمنی E» است ولی با توجه به اینکه این بیماری در دستگاه تنفس، پوست، معده و روده بروز می‌کند، نمی‌تواند فقط معلول



موجودات ذره‌بینی در خانه و حساسیت‌بچه‌ها





● فزونی آلرژیهای کودکان در دهه اخیر به علت تجمع مواد آلرژی زا در منازل است. سابقاً اتاق خواب را این قدر گرم نمی کردند، فرشها را می تکاندند، دروپنجرهها نیز کاملاً کیپ و بدون درز نبود و اتاقها به اندازه کافی هواخور داشت.

در آوردن باشد و خود تشک با دقت و به طور مرتب تمیز شود و هوا بخورد، می توان گفت که در عرض چند ماه بسیاری از کودکان مبتلا به آسم معالجه خواهند شد. بهتر است در اتاق خواب کودکان مبتلا به آسم، به هیچ وجه فرش پهن نکنید.

ده سال پیش یک کارشناس فنلاندی ثابت کرد کودکانی که در خانواده های دارای سابقه آسم و آلرژی متولد می شوند، اگر به مدت شش ماه به طور دایم و مستمر با شیر مادر تغذیه شوند، آثار و علائم آسم و آلرژی در آنها ظاهر نمی شود ولی در صورت تغذیه با شیر گاو این اطمینان وجود ندارد. در این مسأله، تغذیه مستمر با شیر مادر مهم است و باید بی وقفه صورت گیرد. استفاده از شیشه شیر، آن طور که در زایشگاهها و کلینیکها معمول است، می تواند رابطه مستقیمی با این گونه حساسیتها داشته باشد. اگر شیر مادر در دو روز اول پس از تولد کودک، او را سیر نمی کند، می توان در این مدت از چای کمک گرفت.

در سالهای اخیر، اخبار مربوط به تهیه مواد غذایی غیرآلرژی زا برای کودکان، صفحات روزنامهها را پر کرده و سخن بیشتر بر سر چربی هیدرولیزه شده شیر گاو است که به دلیل فعل و انفعالات شیمیایی در آنزیم آن و جوشاندن همزمان، امکان فعال شدن خصوصیات آلرژی زایی آن کم می شود. ولی متأسفانه امروزه مواد غذایی تولید شده برای کودکان، هر کدام دارای مشخصات مربوط به خود است و نمی توان آنها را با هم مقایسه کرد. بعضی از این محصولات هنوز بقایای مواد آلرژی زا را در خود دارند و می توانند در

آلرژی زا که یک ملکول نسبتاً کوچک است، تولید می شود. این ماده در لابلای پرز قالی و گردوخاک معلق در هوای منازل نیز یافت می شود.

طبق تحقیقات جدید دانشمندان اسکانندیناوی، عوامل آلرژی زا حتی روی میز و نیمکت مدارس و محیط کودکانها دیده می شود. دانشمندان می گویند که مواد آلرژی زا گریه، حتی از طریق لباس و یا گردوخاک کفش به حیاهای دیگر منتقل می شود.

در یک جمع بندی می توان گفت که فزونی آلرژیهای کودکان در دهه اخیر به علت تجمع مواد آلرژی زا در منازل است. سابق بر این اتاقهای خواب را این قدر گرم نمی کردند، فرشها را می تکاندند تا گردوخاکش گرفته شود، در و پنجرهها نیز کاملاً کیپ و بدون درز نبود و در نتیجه اتاقها به اندازه کافی هواخور داشت. همین دلایل موجب شده است که دانشمندان در جستجوی راههایی برای کاهش میزان مواد آلرژی زا در منازل باشند.

جاروهای برقی و فیلترهای تهویه در جلوگیری از ورود مواد آلرژی زا حیوانی به منزل مؤثرند ولی در مقابل مواد ناشی از ترشحات موجودات ذره بینی و حشرات، آن طور که باید کارایی ندارند.

پوشش تشکها که این گونه موجودات در آنجا پناه می گیرند، معمولاً از مواد مصنوعی است، هوا از میان آن رد نمی شود، قابل شستشو نیز نیست و در نتیجه برای این گونه موجودات، جای امنی محسوب می شود. اگر تشکها طوری ساخته شوند که رویه آنها قابل

مسائل روانی باشد بلکه به هم خوردن تعادل در سیستم ایمنی بدن نیز از علل آن است. در ایجاد ناراحتیهای آلژیک، فقط عامل ژن دخیل نیست بلکه وضعیت محیط زیست و محل سکونت شخص نیز نقش مهمی ایفا می کنند. براساس مطالعاتی که در نیوزلند انجام شده؛ بیماری آسم، به ویژه از حساسیت نسبت به مواد آلرژی زا داخل منزل یعنی موجودات زنده موجود در گردوخاک، حشرات و نیز حیواناتی مثل گربه ایجاد می شود.

بسیاری از افراد، مخصوصاً کودکان، بیشتر اوقات خود را در فضاهای در بسته و محدود منزل می گذرانند. از زمان بحران انرژی در سال ۱۹۷۳ نیز سعی می شود که در و پنجره های خانهها، چنان محکم و بدون درز ساخته شود که از هدر رفتن گرما جلوگیری شود. این وضع برای حشرات و موجودات ذره بینی محیط مناسبی فراهم آورده است. موجودات ذره بینی و حشرات منازل، در محیطی با رطوبت ۶۰ تا ۸۰ درصد و حرارت ۲۵ درجه سانتیگراد به راحتی رشد می کنند. مدفوع این موجودات شامل موادی است که به راحتی در ساکنین منزل آلرژی ایجاد می کنند. در ۷۰ درصد رختخوابهای ساکنین آلمان از این حشرات یافت شده و تحقیقات نشان داده است که کودکانی که رختخواب آنها بیش از دیگران آلوده به این حشرات بوده، بیشتر مبتلا به حساسیتهای تنفسی و پوستی شده اند.

بعضی حیوانات اهلی مثل گربه نیز پروتئینهای آلرژی زا، تولید و دفع می کنند. در آب دهان و اشک چشم گربه، قویترین ماده

کودکان حساسیتهای شدید ایجاد کنند.

مواد غذایی دیگر مانند سوپ و آب میوه را نباید در همان دوران شیرخوارگی به کودک داد. این مسأله به اندازه مسأله تغذیه با شیر مادر مهم است. این گونه غذاها اگر در دوران شیرخوارگی و به میزان زیاد به کودک داده شوند؛ در همان دوران، ناراحتیهای آلرژیک به وجود می آورند.

محیط زندگی کودک نیز به اندازه تغذیه او مهم است. یکی از علل ناراحتیهای تنفسی و پوستی زودرس در نوزادان و کودکان را می توان دود سیگار دانست. در خون

کودکانی که با دود سیگار در تماس بوده اند، میزان زیادی «کوتینین» که از خانواده «نیکوتین» است، مشاهده شده است.

واکسن حساسیتهای تنفسی و پوستی حدود ۸۰ سال پیش ساخته شده است. برای این کار ماده آلرژی زا به تدریج زیر پوست تزریق می شود که بدن را وادار به مقاومت می کند و مصونیت ایجاد می نماید. این روش به کمک امکانات مدرن امروز، هنوز در مورد بعضی مواد آلرژی زا با موفقیت عمل می کند. اما هنوز حساسیتهای پوستی و تنفسی برای

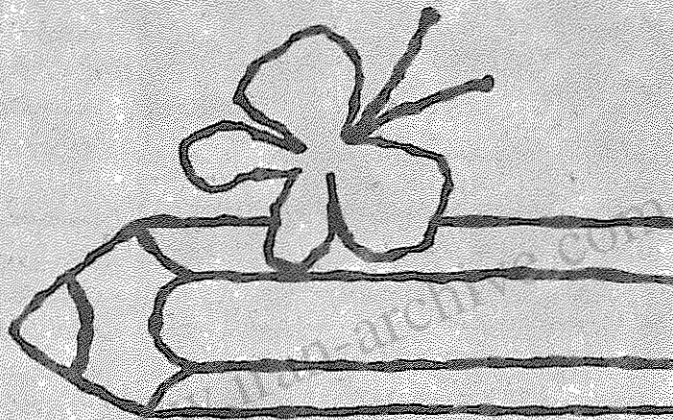
انسانها مشکلات عمده ای ایجاد می کند و برای اقدام مؤثر و قطعی در این زمینه، بی شک به اطلاعات بیشتری نیاز داریم.

یکی از هدفهای بزرگ محققان تشخیص آلرژی در سالهای آینده، بازنگری اطلاعات موجود در زمینه اصول ایمنی و تبدیل آن به یک روش معالجه از طریق اصلاح سیستم ایمنی بدن است ■

منبع:

مجله تصویر علم

دسامبر ۱۹۹۳



خدمات فرهنگی کیان

● حروفچینی

حروفچینی کامپیوتری، ویرایش متون، تصحیح و صفحه آرایی مجله و کتاب

● آتلیه گرافیک

طراحی و اجرای نشانه - سر کاغذ، کارت ویزیت و پاکت، کاتالوک بروشور، اعلان (پوستر)، روی جلد کتاب و مجله - صفحه آرایی کتاب و مجله، تصویر سازی، آکشی تبلیغاتی و صنعتی

● خدمات لیتوگرافی

پذیرش کلیه خدمات لیتوگرافی سیاه و سفید و اسکنر

● خدمات چاپ و صحافی

پذیرش کلیه خدمات چاپ و صحافی تا مرحله نهایی

تلفن: ۸۳۹۱۵۱

گراناژ موسوی

حوای کوچک



بیهوده از نردبام بالا می روی
 دخترکا!
 دستت به گونه های گل انداخته ماه نمی رسد
 بیهوده جیغ می کنی،
 نازکای صدایت
 تنها خواب گنجشکها را می آشوبد
 باید بدانی
 که جنگل، نقاشی مداد سبز تو نیست
 و پری کوچک اقیانوس
 نی لبکش را گم کرده است
 بین!
 کسی نیست که دستمالی خیس
 بر پیشانی داغ مهتاب بگذارد و
 لای لایی چنان بخواند
 به کجا می گریزی؟
 گیسهایت را تقدیر بافته است
 بازت می گردانند
 بازت می گردانند
 دخترکا!
 بیهوده استخوان می ترکانی و قد می کنی،
 لابه لای تور و پولک گم خواهی شد
 و باید آنقدر انتظار بکشی
 تا کویر جوانه بزند
 آخر اینجا سرزمین بی مرز کودکیها نیست
 و حتی غبار از سیمهای خاردار
 فراتر نمی رود ■

شهناز چوپانکاره

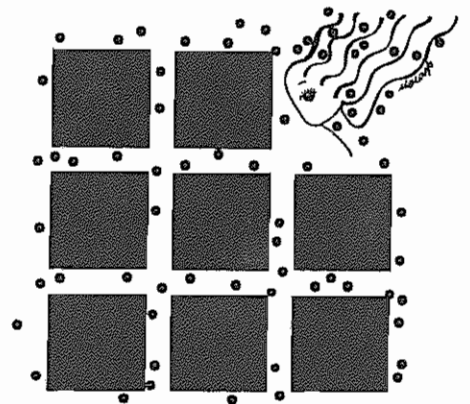
صدای مانا

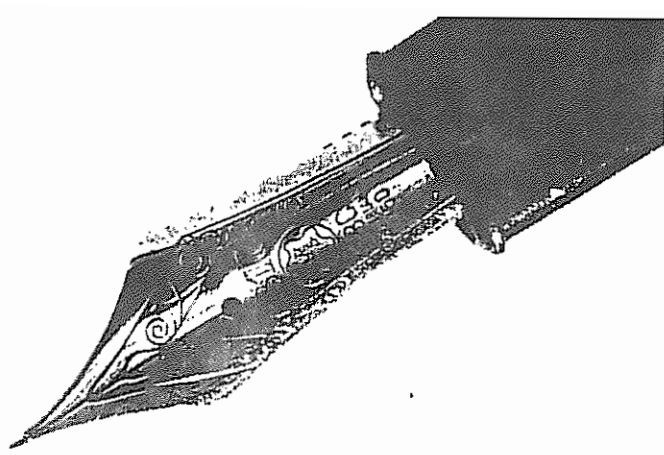
کدامین امیر
 تورار بود

به زور
 به چنگ
 به دشنه لبخند

که هنوز
 تیشه فرهاد
 هزار فریاد

در طنین بیستون دارد ■





عبدالعلی دستغیب

شرحی، از نگاهی دیگر

پیش از این، عرصه‌ای آزاد برای عرضه قلمها و نگاههای گونه‌گون گشودیم و بر این عزم، بسیاری شوریدند و دیگرانی نیز مغتنم و میمونش شمردند. از آن میان، آنچه می‌خوانید؛ شرحی است از نگاهی دیگر بر شعر یک شاعر و البته عرصه تعاطی آرا، همچنان گسترده: ■

مسائلی می‌پردازد که زنان شاعر پیش از او کمتر به آنها پرداخته‌اند.

*

درباره فروغ فرخزاد (۱۳۱۳ تا ۱۳۴۵) به دو شیوه می‌توان سخن گفت. از لحاظ شاعری و «ادبی بودن» متن اشعار و از جهت برد اجتماعی اندیشه‌ها و مسائلی که در اشعارش طرح شده است. نگارنده این سطور برتری می‌دهد که بیشتر درباره ادبی بودن متن اشعار وی و اهمیتی که از این دیدگاه داشته و دارد به گفت و گو پردازد.

البته حضور فروغ در شعر معاصر ایران از هر دو جهت بااهمیت است، زیرا که او از نخستین شاعره‌های ایران است که به سرودن شعر زنانه پرداخته است. پیش از او شمس کسایی و پروین اعتصامی... نیز در این زمینه کار کرده بودند اما در شعر ایشان هنوز مسائلی که می‌بایست زنی شاعر با آن دست و پنجه نرم می‌کرد، جلوه نمایانی نداشت و گرانبار از فرهنگ مردسالاری بود. فروغ راهی تازه در پیش گرفت و ویژگیهای دنیای زن را به قسمی صریحتر به حوزه شعر آورد. البته در این کار وضعیت زمان نیز دخیل بود. زن تا حدودی در کار اجتماعی مشارکت داشت و در شمار زیادتری به حریم مدرسه و دانشگاه و ادارها راه یافته بود. مسأله حقوق زن و حد و حدود آن به طور جدی طرح می‌شد و زن در برخی موقعیتهای استقلال مادی نیز می‌یافت. کمااینکه خود فروغ نیز پس از جدایی از همسرش پرویز شاپور، در مطبوعات مقاله می‌نوشت و در استودیوی فیلم ابراهیم گلستان کار می‌کرد و چند فیلم نیز ساخت که مورد توجه قرار گرفت (از جمله این فیلمها فیلمی است به نام خانه میاه است که تصویری است از مشاهداتی از جلدنامه خنانه تبریز).

فروغ در این دوره (دوره جدایی از همسر) - به دلیل محرومیت از دیدار پسرش - بسیار رنج می‌برد و این رنجها را در اشعارش منعکس می‌کرد. دوری از فرزند و خانواده به گمان من «زخم نهان» فروغ بود. زخمی که هرگز التیام نیافت. روشن نیست که دلایل خانواده شوهرش در زمینه محروم کردن وی از دیدار فرزند چه بوده است ولی هرچه بوده برای مادر اثری دردناک داشته و او را بسیار رنج داده است. او زمانی که از غوغای خیابان به خلوت خانه می‌رسد، از در و دیوار خانه سراغ فرزندش را می‌گیرد اما هرچه می‌جوید، کمتر می‌یابد. دستهایش هوا را چنگ می‌زند و در نضای تهی رها می‌شود و درمی‌یابد فضای خانه «خالی از بانگ کودکانه اوست.»

شعری که در این زمینه سروده به شدت غم‌انگیز است و خواننده را منقلب می‌کند. طبعاً سراینده شعر نیز به هنگام سرودن آن به شدت منقلب و ملتهب بوده است. اندوه ژرف و گریه پنهان سراینده فضای شعر را پر می‌سازد و ما را عمیقاً متأثر می‌کند و از همین زاویه است که فروغ به فضای درد و رنج و تراژدیهای انسانی گام می‌نهد و به طرح

اشعار نخستین فروغ در مجموعه‌های «اسیر» (۱۳۳۳)، «دیوار» (۱۳۳۵) و «عصیان» (۱۳۳۷) سادگی و بی‌پیرایگی زمان جوانی شاعر را نمایان می‌کنند و گرچه خودمانی و صمیمانه‌اند، سبک شاخصی ندارند. تعابیر و تصاویر این شعرها در اشعار پیش از او به فراوانی در سروده‌های توللی، سایه، نادرپور و حتی حمیدی آمده بود و فروغ از آنها پیروی می‌کرد، نهایت اینکه آنها را در قالب احساسات زنانه خود می‌ریخت. البته در این زمان مقلد نبود و سروده‌هایش عواطف ویژه‌ای دارد و به اصطلاح از دل برمی‌آید اما در زمینه صنایع بدیعی و جوهره شعری هنوز قالب چهارپاره و الزامات آن را در خود داشت و تا حدودی دارای ویژگی «توصیفی» بود. در این دوره ضربه‌های زندگی پی در پی بر شاعر فرود می‌آمد و او به سرعت و چالاکتی این ضربه‌ها را به زبان شعر برمی‌گرداند. تردیدی نیست که اشعار سه مجموعه آغازین کار شاعری فروغ نسبت به اشعار تولدی دیگر (۱۳۴۲) و ایمنان بیاریم... (۱۳۵۴) در مرتبه پایتتری است اما فروغ در همین اشعار آغازین، نشان می‌دهد که شاعر است.

او در زندگانی خود گم‌کرده‌ای دارد و در طلب آن گم‌کرده بوده است. محیط مستبدانه خانه پدری، روح حساس او را سخت می‌آزرده است. مسأله این نیست که تحکّمات پدر مشفقانه و دلسوزانه بوده یا نبوده... هر چه بوده، می‌خواسته است فرزند را با الگوی سنتی بار آورد. تصادم نخست فروغ با این دیوار پولادین بوده است. اینکه به شعر می‌آویزد، خود حاصل این تصادم است و سپس این تصادم را تشدید می‌کند. همسرگزینی البته پسر یا دختر جوان را به حوزه دیگر می‌برد و مسئولیتهای تازه در برابر ایشان می‌گذارد، و زندگانی بار دیگر به حال تعادل درمی‌آید ولی اگر زناشویی نامناسب بود یا با توفیق قرین نشد، چطور؟ ناهماهنگی و رنج تازه، اضطراب و گم‌گشتگی جدید! این وضع فروغ بود. شعرش نیز همین را می‌گوید. از تأثیر این دو ضربه شدید، فروغ هرگز به هوش نیامد. پس وارد عرصه «بی‌هوشی» (و بی‌خوشی) شد، چیزی مغایر با زیست و عرف اما درنمایه و جان شعر. خوب، اگر کسی دنبال زندگانی عادی است دیگر البته دنبال شعر سرودن نمی‌رود و به هنرآفرینی کاری ندارد. این همان آتشی است که در مولانا درگرفت و او را عاشق شمس کرد. او که در فقه و تصوّف، صاحب فتوا و مسند ارشاد بود و زمانی که بر اسب می‌نشست، گروهی



● دوری از فرزند و خانواده «زخم نهان» فروغ بود. زخمی که هرگز التیام نیافت و از همین زاویه است که فروغ به فضای درد و رنج و تراژدیهای انسانی گام می‌نهد و به طرح مسائلی می‌پردازد که زنان شاعر پیش از او کمتر به آنها پرداخته‌اند.

هرچه بود «خلاف آمد عادت» بود، پرشور و هیجان بود و شعر بود. عصیان ظریف فروغ در این دوره - کتمان نباید کرد - بیشتر رنگ احساسی داشت و در تعارض با رسمها قرار می‌گرفت اما در همه آنها اضطراب و گمگشتگی یاد شده، درونمایه اصلی بود:

جام باده سرنگون و بستم تهی
سرنهاده‌ام به روی نامه‌های او
سرنهاده‌ام که در میان این سطور
جستجو کنم نشانی از وفای او

این اشعار دارای ملالی رمانتیک است. شاعر مکرر از به ستوه آمدن از زندگانی، درد و دلتنگی و دوری از یار و فرزند سخن می‌گوید. از آفریدگار پرسشهایی می‌کند و پاسخ پرسشهای خود را به جد از او می‌خواهد. از خود به ستوه آمده و به آفریدگار می‌گوید:

دل نیست این دلی که به من دادی!

شاعر چون بر حسب امیال دل زیست می‌کند؛ از تعارض رفتار و کردار مردمان، به ویژه طرفداران اخلاق به شگفتی درمی‌آید و در زمینه خطا و گناه آدمی سخنان ایشان را نمی‌پذیرد. تفکر او زمانی که به مرتبه برتر شعر می‌رسد، این طور است:

«شاعر بودن یعنی انسان بودن. بعضیها را می‌شناسم که رفتار روزانه‌شان هیچ ربطی به شعرشان ندارد. یعنی وقتی شعر می‌گویند، شاعر هستند، بعد تمام می‌شوند. ... من حرف این آدمها را هم قبول ندارم. من به زندگی بیشتر اهمیت می‌دهم.»

به دلیل اهمیتی که فروغ برای زندگانی قایل است، از تصویر کردن لحظه‌های اضطراب و سلوک خود پروایی ندارد. آنچه دلش گفت بگو، می‌گوید و از «تولدی دیگر» به بعد ادراک ساده جوانی را وامی‌گذارد و به سوی ادراکهای اجتماعی می‌آید و در نتیجه اشعارش نیز متحول می‌شود:

من

پری کوچک غمگینی را

می‌شناسم که در اقیانوسی مسکن دارد

و دلش را در یک نی‌لبک چوبین

می‌نوازد آرام، آرام.

پری کوچک غمگینی

که شب از یک بوسه می‌میرد

از فاضلان و علما در رکابش راه می‌پیمودند؛ از عشق، شاعر شد و کارش به جایی رسید که روزی در بازار قونیه با شنیدن صدای مطرقة زرگری صلاح‌الدین زرکوب، به دست‌افشانی و پایکوبی پرداخت و شهری را پرغوغا کرد:

شیخ مفتی زعشق شاعر شد
گشت خمّار گرچه زاهد بُد
نه زخمی که بود از انگور
جان نوری نخورد جز می نور

به قول سعدی:

عقل و عشق دو پادشاهند که در اقلیمی ننگینند. یا جای این است یا جای آن. این همان شیدایی و دیوانگی خلاق است که انسان را به ساحت دیگر می‌برد. آن طور که حافظ گفته است:

شاه شوریده سران خوان من بی‌سامان را
زآنکه در کم‌خردی از همه عالم پیشم!

شکسپیر نیز از همین قبیله است و می‌گوید:

دیوانه، عاشق و شاعر را
از خمیرمایه خیال سرشته‌اند
دیدگان شاعر در جذبه‌ای شورانگیز
از آسمان به سوی زمین و از زمین به سوی آسمان در گردش است.

چوپان یا آن نوازنده دوره‌گرد که رنج و شادی جاننش را در پرده نغمه نی‌لبک یا چگور یا سه‌تاری می‌ریزد و به گوش خفته ما می‌رساند، در ساحت دیگری است. دردی دارد و سوز و گدازی. حال بیایید و نغمه جانسوز او را در بند عرف و حکم و پند و اندرز درآورید. از آن چه باقی می‌ماند؟ این دیگر نغمه درون و نوای جان نیست، عرف و عادت است، حکم منطق و استدلال است و شاعر نیز حق دارد که به گویندگان آن بگوید:

بی‌دل گمان مبر که نصیحت کند قبول
من گوش استماع ندارم لمن یقول!

فروغ در شعرهای آغازین خود نیز به این ساحت رسیده بود. گیرم که پرتو تیره و روشن شورمندیهای جوانی، فضای این اشعار را از نوری تند و گاه گستاخانه سرشار می‌کرد و بیشتر جنبه فردی داشت اما

● فروغ از «تولد دیگری» به بعد، ادراک ساده‌جویی را وامی‌گذارد و به سوی ادراکهای اجتماعی می‌آید و در نتیجه اشعارش نیز متحوّل می‌شود.

و سحرگاه از یک بوسه به دنیا خواهد آمد

به چراغ و آب و آینه پیوستیم
و ترسیدیم

در این قسم اشعار است که فروغ به زبان و سبک ویژه خود می‌رسد و از کمند اوصاف ساده و قالب چهارپاره‌هایی می‌یابد.

*

اما این لحظه‌ها کم‌دامنه و زودگذر است و باز اضطراب و پریشانی می‌آید. فروغ در سلوک درون، همواره ملامتی و شکاک باقی ماند. رو به جایی نبرد و معلق بین دو جهان: جهان روشن درون و جهان تیره و تار برون. او از مردمان، آسیب بسیار دیده و به دیده بدگمانی به آنها می‌نگرد:

من از جهان بی‌تفاوتی فکرها و حرفها و صداها می‌آیم
و این جهان به لانه موران مانند است
ز این جهان پُر از صدای حرکت پاهای مردمی است
که همچنان که تو را می‌بوسند،
در ذهن خود طناب دار تو را می‌بافند

این جهان کافکایی و وحشتناک فروغ که در آن تجربه درونی و فراواقعی به هم گره می‌خورد، به جایی می‌رسد که تحمل‌پذیر نیست. نبض شاعر از طغیان خون متورم می‌شود و تنش از وسوسه متلاشی شدن سرشار می‌گردد و به ستوه می‌آید و رؤیتهای دردناک منظره‌اش را بر می‌سازد:

روی خطهای کج و معوج سقف
چشم خود را دیدم،
چون رطیلی سنگین
خشک می‌شد در کف، در زردی، در خفقان!

اینها کابوس و رؤیاست، سلوکی است به فرجام نرسیده. کشتی زندگانی در دریای متلاطم سیر درون شکسته شده، شب تاریک و بیم موج و گردابی این چنین حائل که در آن سبکیاران ساحلها حال سالک دلشکسته را در نمی‌یابند و بر او خنده تمسخرآمیز می‌زنند.

در کوچه باد می‌آید
در کوچه باد می‌آید
یا:

در ضربه‌های نبض می‌جوشد
احساس هستی، هستی بیمار
و در شقیقه‌های منقلبش آن هجای خونین را
تکرار می‌کنند

اما ویران شدن درون در شعر فروغ، جنبه تجریدی ندارد و با ادراک اجتماعی گره می‌خورد. هراسهای وجودی هوشنگ ایرانی و حسن هنرمندی، شاعران دهه ۳۰ و آغاز دهه ۴۰، بعد فلسفی (بودایی) یا فراواقعی مجزّد داشت اما هراسهای فروغ به همراه سرگشتگیهای اجتماعی دهه ۴۰ پیش می‌رفت. افزون بر آن، در شعر فروغ در انتهای تونل ظلمت، روشنی بسیار کم‌فروغی به دیده می‌آید. شاعر در بسیاری

تشویش و دلهره زندگانی در اشعار آخرین فروغ تشدید شده است. او در جهانی به سر می‌برد که در آن ارزشها مدام فرو می‌ریزند. در دهه ۴۰ - سالهای پیامد شکست جنبش ملی که با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ - آغاز شده بود، بی‌هدفی و سرگشتگی شدیدی بر روح جوانان و هنرمندان چیره شد. آرزوهای دامنه‌دار مبارزان در اثر این شکست دود شد و به هوا رفت. شکست اجتماعی، راه سلوک به سوی درون را هموار ساخت. فروغ به تأثیر این حال و هوا و در اثر شکست در زندگانی زناشویی، بیش از دیگران پریشان و منقلب گردید. او فاقد آن تجربه‌هایی بود که در مثل شاعرانی مانند اخوان (م. امید) داشتند. اخوان برای زهر شکست، پادزهر باستان‌گرایی را جستجو کرد و یافت و به شدت امیدوار بود که نجاتبخش روزی فرا خواهد رسید اما این تسلا و امیدواری با دنیای وحشتناک و پر دلهره درون فروغ بیگانه بود:

سهم من پایین رفتن از یک پله متروک است
و به چیزی در پوسیدگی و غربت واصل گشتن
سهم من گردش حزن‌آلودی در باغ خاطره‌هاست

تعبیرهایی که در اشعار آخرین او می‌آید، از همان قسم تعبیری است که در آثار شاعران سوررئالیست می‌بینیم. سفر به جهان درون و بازکردن دریچه دانستگی به جهان مظلم ناخودآگاه. این سیری است هراس‌آور و پرتلاطم که عارفان ما در گذشته نیز آزموده بودند و در قرن اخیر شاعرانی مانند ادگار آلن پو و رمبو... به عرصه آن گام گذاشتند. اما عارفان ما مانند مولوی، اراده‌ای کوه‌آسا داشتند و توانستند بر موانع راه چیره شوند اما کسانی مانند رمبو نتوانستند و همچون شاعرانی مجذوب و ملامتی و سرگردان باقی ماندند. کشتی زندگانی ایشان به خرسنگهای سخت، خورد و شکست و در نیمه راه از پای درآمدند. فروغ نیز در زمره این مجذوبین بود. شاعره ملامتی سرگردان. محروم از امید، بدون دورنمایی روشن، با این همه در جستجو و سلوک و در طلب ایمان. او برای رسیدن به ایمان از عشق کمک می‌گیرد. عاشقانه‌های دو کتاب آخرش، حکایتگر همین نکته است. او در آستانه فصلی سرد به یار عتاب و خطاب می‌کند و او را به سوی خود فرا می‌خواند. اینها آواز و غم سرود عشقی نومیدند. در پیرامون شاعر، همه چیز مبهم و پریشان و تاریک است؛ تا اینکه او می‌آید و شاعر به وجد می‌رسد. تصویرهای تاریک شعر به تصاویر روشن بدل می‌شود و فضا از عطر و نور سرشار می‌گردد:

همه می‌ترسند
همه می‌ترسند، اما من و تو



● فروغ شاعره‌ای ملامتی و سرگردان است، محروم از امید و بدون دورنمایی روشن. با این همه او در جستجو و سلوک است و در طلب ایمان؛ و برای رسیدن به ایمان از عشق کمک می‌گیرد.

از لحظه‌ها به این روشنی کم‌دامنه نظر دوخته است و همین محرک تلاش بیشتر اوست:

دستی که با یک گل

از پشت دیواری صدا می‌زد

یک دست دیگر را

و لگه‌های کوچک جوهر بر این دست مشوش

مضطرب، ترسان،

و عشق

که در سلامی شرم‌آگین خویشتن را بازگو می‌کرد

در اشعار آخرین فروغ رموز ویژه‌ای می‌بینیم که هنوز واکاوی نشده است و می‌بایست از سوی روان‌شناسی جدید تفسیر شود و آن‌گاه پیوند آنها با مراحل زندگی شاعر و محیطی که در آن به سر می‌برده است، تحلیل گردد. در این عرصه ادراک‌هایی هراس‌آور موجود است؛ همراه با خطرهایی که باید با آن رویاروی و بر آنها چیره شد و نیز در اینجا در سلوک درونی، پیش‌آگاهی از «نیروهای امدادگر» (عشق، نجات‌بخش و...) نیز حضور دارد که ممکن است سالک مجذوب را هدایت کند. نیروهای درونی روح برای دیدار سالک و چیرگی بر شکنجه او لازمند و نیز نیروهای منفی و تهدیدگر نیز می‌توانند تکانهایی به درون او بدمند و درد وی را تشدید کنند تا او بیشتر به خود آید، گرچه بسیاری مواقع این فشارهای درونی تهدیدگر را نمی‌توان تحقل کرد. یکی از اقسام این بحرانه‌ها را در اشعار فروغ می‌بینیم، و این بحران درونی فردی است که گویی در سفر دریاست. او در سفر دریایی واپس‌گرایانه‌اش درصدد است که زندگانی خود را بر محور عشق بنیاد کند و آن را در این جهت پیش ببرد و به کشف تازه‌ای برسد، یعنی در دل خود مرکزی بیابد، مرکزی لطیف و عشق‌آمیز که بر آن بتواند آرام گیرد و آرامش یابد؛ و این هدف و معنای همه جستجوهای او می‌شود.

فروغ در این سیر و سلوک بود و چه بسا که اگر دست مرگ رشته زندگانی او را قطع نکرده بود، می‌توانست به این مرکز آرامش‌بخش برسد و سلوک تازه‌ای آغاز کند. اما افسوس که این فرصت پیش نیامد و او به نوری که از دور می‌دید نرسید، گرچه حقیقت آن نور را دریافته بود:

و در شهادت یک شمع

راز منوری است که آن را

آن آخرین و آن کشیده‌ترین شعله خوب می‌داند ■

اشاره

از سری خانم الهام مهورانی برگزار کننده جلسات نقد ادبی «آینه‌ها» درباره مقاله «نویسندگان ما، زنان ما» مندرج در شماره ۱۹ «زنان» توضیح و تذکری به دست ما رسید که بخش مربوطه آن را جهت اطلاع خوانندگان عزیز منتشر می‌کنیم. در این نامه آمده است: «در صفحه‌های ۵۵ تا ۵۹ شماره ۱۹ نشریه «زنان» (مرداد و شهریور ۷۳) مقاله‌ای با عنوان، نویسندگان ما، زنان ما درج شده است.

نویسنده، سرکار خانم دکتر فرشته شاه حسینی به منظور روشن کردن نکته‌های مورد بحث به یک جلسه نقد ادبی که در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ماه امسال با حضور محمود دولت‌آبادی و درباره آخرین کتاب او به نام «روزگار سپری شده مردم سالخورده» تشکیل شد، اشاره کرده‌اند.

اگر ایشان در جلسه حضور داشته‌اند، به یقین شنیده‌اند نام این سلسله جلسه «آینه‌ها» برده و حق چاپ آنچه خواننده یا گفته می‌شود با برگزار کننده آن است.»



زن



خوان بوش
ترجمه مینا مهربان

خوان بوش در سال ۱۹۰۹ در دومینیک به دنیا آمد. وی از سال ۱۹۳۶ تا سال ۱۹۶۱ در تبعید به سر برد و سال ۶۱ به وطنش بازگشت. پس از شرکت در مبارزات دموکراتیک جاری در کشورش در سال ۶۳ به ریاست جمهوری رسید که بیش از یک ماه نایب و حکومت دموکراتیک دومینیک با کودتای نظامی سرنگون شد و او ناچاراً کشور را ترک کرد. وی اکنون در اسپانیا زندگی می‌کند. داستانش و رمانهای او به بیشتر زبانهای اروپایی ترجمه شده است. آخرین رمانش در سال ۱۹۸۵ انتشار یافت.

دیدم، مثل سنگی بود که میان راه دراز مرده افکنده باشند. بزرگتر، بزرگتر شد و کویکو با خود گفت: «گوساله‌ای که زیر ماشین رفته.» به دور و برش نگاه کرد: دشت وسیع، در دوردست تپه، نیزار، تپه، کوچکی که به تلی از ماسه می‌مانست، که باد هر بار با وزیدنش می‌ساییدش و ماسه‌ها را می‌برد. و بستر رودخانه، بسان کمر بند قهوه‌ای خشکی به کمر زمین، که هزار سال پیش آبی از آن می‌گذشته است. دشت طلایی رنگ که زیر تابش سوزان، تفت کرده و می‌سوخت و کاکتوسها با لاشخوارهای نشسته بر آنها و کرک سفید خار بر تن. کویکو پیشتر که آمد، تن زنی را دید، افتاده بر راه. ناله بچه را واضح شنید. شوهرش او را زده بود. توی فضای کوچک آلونک که مثل تنور داغ بود، دنبالش گذاشته بود، زده بودش، موهایش را کشیده بود و با مشت به سرش کوبیده بود: «پتیاره، عوضی، مٹی‌سگ می‌کشتی، لکاته بی‌چشم و رو!»

و زن سعی کرده بود توضیح بدهد: «اما واقعاً هیچ‌کس نیومد، سیپ. هیچ‌کس.»

- راستی؟ حالا می‌بینم.

و باز شروع کرده بود به زدن.

بچه پاهای پدرش را چسبیده بود، هنوز زبان باز نکرده بود اما می‌خواست جلوی پدر را بگیرد. خون را دیده بود که از بینی مادرش فوران می‌زد. از خون ترسیده بود، نه، اما می‌خواست گریه کند، بلند فریاد بکشد. اگر این جوری از مامان خون برود، حتماً خواهد مرد.

همه‌اش به این خاطر بود که زن شیر بز را طبق سفارش مرد فروخته بود. وقتی که او پس از چهار روز از کوه برگشت، پولی در بساط ندید. زن گفت که شیر ترشیده بود اما راستش این بود که او شیر را به کودک داده بود. مادر چند قران کمتر را ترجیح داده بود به اینکه بچه‌اش گرسنگی بکشد.

وقتی فریاد زده بود که بچه را بردارد و گورش را گم کند، زن دراز به دراز بر کف گلین آلونک افتاده بود و از او خون می‌رفت.

- تیکه تیکه‌ات می‌کنم اگه برگردی.

زن بر کف گلین آلونک افتاده بود، خون زیادی از او می‌رفت و چیزی نمی‌شنید: سیپ خشمگین پاهایش را گرفته و او را روی زمین کشیده بود و از کلبه بیرون برده بود. به سوی جاده. زن آنجا افتاده بود، مثل مرده، مرده‌ای بر پشت جسد بزرگ مومیایی شده.

کویکو کمی آب ذخیره برای دو روز سفر در صحرا با خود داشت و همه‌اش را برای شستن بینی و صورت زن مصرف کرد. زیر بغلش را

راه مرده است، هیچ‌کس، هیچ چیز نمی‌تواند زنده‌اش کند. راه دراز است، بی‌انتهای دراز. حتی بر پوست خاکستریش اثری از زندگی دیده نمی‌شود. خورشید او را کشته است. خورشید درخشان پولادگون، از زمان طلوع که سرخ‌آتشین است تا آن گاه که سفید و شفاف می‌شود، بر راه می‌تابد، بر پولاد خاکستری که انعکاس شفاف دارد، انعکاس شفاف تابش خورشید. تابشی که حالا - هنوز هم بر پشت راه آرمیده است.

قرنها پیش باید مرده باشد. پس از آنکه مردانی با بیل و کلنگ هموارش کرده بودند. می‌خواندند و با ابزارشان می‌کاویدند. در کنار مردانی که کار می‌کردند. زمانی دراز کار کردند. می‌توانستی ببینی که از راههای دور آمده بودند. عرق می‌ریختند و بوی عرق تنشانش در هوا و از شعاع داغ خورشید آویخته بود. شب هنگام، پولاد سفید خورشید به سرخی می‌گرایید و آتشی کوچک در چشمان مردان راه ساز می‌گیراند.

تن مرده راه بر دشت هموار و تپه‌های ماسه‌ای کوتاه آرمیده بود و باد، شن و غبار صحرا را بر آن می‌پراکند. شن صحرا نیز بر پوست خاکستری راه می‌لید و می‌مرد.

بر دو سوی راه، خاربوته‌ها رویده‌اند. تار و کرک مانند با آرامشی عظیم. اما دشت خالی است. در دور دست، نیزارها. گاه چند تایی لاشخوار نشسته بر کاکتوسها. و کاکتوسها دورتر از نیزار، زیر شعاع شفاف پولاد، با کرک سفید خار بر تن.

چند تایی آلونک گلی هم هستند: همه‌شان کوتاه. بعضیشان با دوغاب، سفید شده‌اند و زیر نور خورشید دیده نمی‌شوند... جز بام خشک پوشالیشان که هر روز زیر آفتاب بیشتر می‌سوزند. برای پوشش باهما، نخل به کار رفته است که جلوی نفوذ آب را بگیرد. آنجا جسد مرده آرمیده است، راه مرده، هموار، خاکستری. زن اما تنها مثل نقطه‌ای سیاه دیده می‌شد، و بعد مثل سنگی که بر جسد دراز مومیایی شده جا گذاشته شده باشد. دراز به دراز افتاده بود، باد حتی زنده پاره‌ای را که تنش بود، تکان نمی‌داد. از خورشید نسوخته بود. تنها ناراحتیش این بود که بچه‌اش جیغ می‌کشید. بچه، پوستی به رنگ برنز، جنه‌ای کوچک و چشمانی روشن داشت. محکم به مادرش چسبیده بود و تلاش می‌کرد که با دستان کوچکش، مادر را به سوی خود بکشد. این پولاد درخشان و گداخته، تن کوچک عریان این بچه‌گریان را خواهد سوزاند.

آلونک نزدیک بود اما خوب دیده نمی‌شد. وقتی نزدیکتر شد، آن را





گرفت و کمک کرد و به طرف آلونک بردش. پیراهن راه‌راهش را از تن درآورد و خون را پاک کرد. سیپ از آن سوی آلونک وارد شد: «بهت گفتم که دیگه نمی‌خوام بینمت زنیکه لعنتی!» انگار که غریبه را ندیده باشد. زن زیر شعاع سوزان آفتاب وحشی شده بود. موهایش درهم و برهم و آشفته و چشمانش افروخته و خون گرفته بود.

کویکو صدایش کرد اما سیپ دیوانه شده بود و دوباره قربانیش را تهدید می‌کرد. می‌خواست بزندش که غریبه دستش را گرفت، و دعوی دو مرد شروع شد. بچه شروع کرد به جیغ کشیدن و به زیر دامن مادرش خزید.

دعوی بی‌صدایی بود. صدایی از دو مرد در نمی‌آمد. تنها جیغ بچه شنیده می‌شد و صدای سنگین ضربات مشت. زن دید که کویکو دارد شوهرش را خفه می‌کند، پنجه‌اش را به گلوی سیپ می‌فشارد و آن یکی چشمانش زده بود بیرون، دهانش باز شده و خون به صورتش دویده بود و داشت کبود می‌شد. زن نمی‌دانست چه پیش آمده، اما کنارش، نزدیک در، سنگی افتاده بود، سنگ درستی که بازمانده گدازه‌های آتشفشانی بود، سیاه و خیلی سنگین. نیرویی سرکش را در درون خود حس کرد که می‌جوشید و بالا می‌آمد. سنگ را بلند کرد، ضربتی سنگین و کور. کویکو گلوی طرف را ول کرد، زانو زد،

دستانش از هم باز شد و به پشت افتاد، بی‌صدا، بی‌حرکت. کف تشنه آلونک، خون سرخ و فراوانی را که از او می‌رفت، می‌مکید. سیپ تابش خورشید را می‌دید.

زن، هیجانزده با دستانش به صورتش کوفت و موهایش را پریشان کرد. چشمانش از حلقه بیرون زد. شروع کرد به دویدن. نمی‌توانست بدود. می‌افتاد و برمی‌خاست. چشم می‌گرداند تا کسی را ببیند. اما بر جسد مرده راه، تنها خورشید بود. پولاد شفاف و تابانی که راه را کشته بود. و آن دور، در انتهای دشت، تل ماسه‌ای که باد ساییده بودش، و کاکتوسها، پوشیده از کرک سفید خار، زیر نور

منبع:

ماهنامه ادبی BZZIIEIIN

شماره ۸۲، ژانویه ۱۹۸۱



شرکت‌ها

و سازمانهای تبلیغاتی

شرکت ارتباط

تهران - خیابان شریعتی - خیابان
مجتبائی - شماره ۲۳
کدپستی: ۱۵۳۳۶
تلفن: ۲۲۷۱۵۹۵ و ۲۲۷۲۵۳۳
فاکس: ۸۰۸۸۸۶۶

گروه تبلیغاتی امروز

تهران - خیابان سهروردی شمالی
شماره ۲۷ - کدپستی ۱۵۵۵۹
تلفن: ۸۶۲۶۲۱ - ۸۶۲۵۸۳
فاکس: ۸۶۲۵۸۳

شرکت سهامی آوان سر

تهران - خیابان گاندی - خیابان نهم -
شماره ۶
تلفن و فاکس: ۸۸۸۲۶۵۰

گروه طراحان برجسته گرافیک

تهران - بلوار کشاورز - خیابان سعید
کبگانیان - خیابان سیزدهم - پلاک ۲۱
کدپستی: ۱۲۱۵۶
تلفن و فاکس: ۸۸۶۶۲۵۳

پیام

تهران - خیابان ایرانشهر شمالی -
نرسیده به طالقانی - شماره ۱۳۲
تلفن: ۸۳۴۴۷۷ و ۸۳۸۸۲۴
فاکس: ۸۳۴۹۰۳

پرگار

تهران - خیابان سهروردی شمالی -
انلیشه ۲ - پلاک ۲۶ - طبقه سوم
تلفن و فاکس: ۸۵۰۶۶۶

شرکت پیام‌آوران

تهران - خیابان طالقانی - بین بهار و
شریعتی پلاک ۵۹۳ - طبقه دوم
صندوق پستی: ۱۴۱۵۵/۴۷۴۶
تلفن و فاکس: ۷۶۷۱۸۹

موسسه پیک بشارت

تهران - خیابان سیدجمال‌الدین
اسدآبادی - طبقه دوم سینما تئاتر گلریز
تلفن: ۶۲۸۷۱۳

شرکت خانه طرح

تهران - خیابان بخارست - کوچه ششم
- پلاک ۲۳ - طبقه دوم
تلفن: ۸۰۰۸۸۱۷ - ۸۰۰۸۸۱۶
فاکس: ۸۰۰۸۶۰۲

آلتیه جهان

تهران - میدان فاطمی - خیابان شهید
گننام - کوچه ۹ - پلاک ۴
تلفن: ۸۸۵۲۳۰۴ - ۶۵۹۲۵۹
فاکس: ۶۵۳۱۱۴

شرکت ناروک

تهران - خیابان جردن - چهارراه جهان
کودک - خیابان کیش - شماره ۵۱ -
طبقه همکف
فاکس و تلفن: ۸۰۲۹۸۲۲

شرکت تبلیغاتی دید

تهران - ضلع جنوبی تقاطع بلوار
کشاورز - خیابان کارگر ابتدای خیابان
قدر ساختمان ۱۲ - طبقه دوم
تلفن: ۶۴۲۱۱۵۲
فاکس: ۹۳۷۱۲۶

شرکت رنگین

تهران - خیابان کریمخان زند - خیابان
سنائی - خیابان سوم - شماره ۳ - طبقه
دوم
تلفن: ۸۳۳۲۳۸ - ۸۸۳۷۳۵۲
فاکس: ۸۸۳۷۸۲۶

شرکت ریحان فیلم

تهران - خیابان پاسداران - بوستان ۸ -
پلاک ۲۹ - واحد ۱۴
تلفن: ۲۲۷۰۵۰
فاکس: ۲۴۶۷۱۸

شرکت رویاپرداز

تهران - خیابان قائم‌مقام فراهانی -
کوچه آزادگان - پلاک ۴
تلفن: ۶۲۰۳۷۷ و فاکس: ۶۲۰۳۷۷

آلتیه سپهر

تهران - خیابان ولیعصر - بالاتر از
چهارراه پارک وی - کوی رزاقزاده -
شماره ۳۲۴
تلفن: ۲۹۸۷۴۷

سازمان فیلم و تبلیغات سخنگو

تهران - خیابان سهروردی شمالی،
بالاتر از پالیزی - خیابان قرقاول -
شماره ۵۲ - طبقه دوم تلفن ۹۷۵۵۹۸
فاکس و تلفن: ۸۶۰۰۸۳۹

شرکت سیتیه

تهران - خیابان حقوقی - شماره ۱۱۰ -
طبقه اول
تلفن: ۷۵۰۲۹۹۳ - ۷۵۰۲۹۰۲
فاکس: ۷۵۰۹۳۳۹

شرکت سی گل

تهران - ابتدای خیابان دکتر بهشتی -
۲۰ متری شهوند - کوچه شاهین شماره
۱۹ - طبقه دوم
کدپستی: ۱۵۵۹۹
صندوق پستی: ۱۵۷۳۵/۶۶۳
تلفن: ۸۶۱۳۲۵
فاکس: ۷۸۰۴۴۰۰

گروه گرافیک سرو

تهران - خیابان کریمخان زند - خیابان
آبان جنوبی - پلاک ۵۲ - طبقه سوم -
آپارتمان ۳۳
تلفن و فاکس: ۸۹۷۵۵۵

شرکت شبکه

تهران - میدان محسنی - خیابان جلفا -
کوچه فاخته - شماره ۴۰ - طبقه دوم
تلفن و فاکس: ۲۲۷۸۷۱۴

آلتیه طبیعت

تهران - خیابان انقلاب - پارک دانشجو
- خیابان رازی - پلاک ۴۴ - طبقه اول
- دفتر مجله شکار و طبیعت
صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۳۹۳۸
تلفن: ۶۷۲۹۶۲
فاکس: ۶۴۵۶۹۹۷

گروه تبلیغاتی علمی ایران

تهران - خیابان شریعتی - خیابان ظفر
کوی آبادی - پلاک ۵
تلفن: ۸۰۸۸۰۶۰
فاکس: ۲۲۲۳۲۸۱

شرکت فرهنگ

تهران - خیابان قائم‌مقام فراهانی -
خیابان ۲۰ - شماره ۶۲
تلفن: ۸۸۲۸۳۲۰ - ۸۸۲۹۲۳۵
فاکس: ۸۸۲۹۲۳۵

شرکت فریید

تهران - خیابان کریمخان - خیابان
سنائی - خیابان سوم - شماره ۳ - طبقه
سوم
تلفن: ۸۳۳۲۳۸ - ۸۸۳۷۸۲۶
فاکس: ۸۸۳۷۳۵۲
فاکس: ۸۸۳۷۸۲۶

شرکت کارپی

تهران - خیابان آفریقا - خیابان ناهید
شرقی - پلاک ۱۱ -
تلفن: ۸۰۸۷۰۷۶
تلفن و فاکس: ۸۰۸۸۷۴۲

کارگاه عکس

تهران - میدان هفت تیر - کوچه بختیار
(کوچه جنوبی مسجد الجواد)
پلاک ۳/۸۰
تلفن و فاکس: ۸۸۲۲۲۹۴

گرافیک کیان

تلفن: ۸۸۳۹۶۷۳
فاکس: ۸۸۳۹۶۷۴

شرکت گسترش خدمات ایران

تهران - خیابان بلوار کشاورز -
ساختمان هما - شماره ۱/۱ - طبقه
چهارم
تلفن: ۸۸۵۴۶۵۷ - ۵۹
فاکس: ۶۵۴۸۴۷

شرکت میلغان

تهران - خیابان سهروردی شمالی -
انلیشه یک غربی - شماره ۱/۹ طبقه
دوم
تلفن و فاکس: ۸۴۹۴۱۸

موسسه گیتی گراف

مشهد - بلوار فردوس - نبش رسالت
یک - پلاک ۴۱۶
تلفن: ۷۱۱۹۴۷ - ۵۱

موسسه مشاوره و بازاریابی

بین‌المللی کالاهای ایران (میکا)
تهران - خیابان عباس‌آباد - خیابان
مهناز - خیابان تکش یا هویزه - شماره
۱۳۲

صندوق پستی: ۱۴۱۵۵/۴۱۶۳

کدپستی: ۱۵۷۳۶

تلفن: ۸۷۰۷۰۷۱ - ۸۴۴۰۶۴

فاکس: ۸۵۷۰۹۰

مشاورین تبلیغاتی نما

تهران - خیابان میرداماد - میدان
محسنی - خیابان بهروز - خیابان شریفی
پلاک ۲۸ - طبقه دوم
تلفن و فاکس: ۲۲۷۳۱۱۷

شرکت فار

تهران - بلوار میرداماد - خیابان نور -
شماره ۶ - ساختمان نور - آپارتمان ۱۵
تلفن: ۲۲۷۶۲۸۷
فاکس: ۸۰۸۷۵۳۲

شرکت فنس

تهران - خیابان کریمخان زند - خیابان
سنائی - خیابان هفتم - شماره ۲۶ -
طبقه دوم
تلفن: ۸۸۲۱۴۳۹
فاکس: ۸۸۲۴۹۷۴

شرکت دقت‌سینه

تهران - خیابان ولی‌عصر - نرسیده به
توانیر - شماره ۱۲۰۸ - طبقه دوم -
شماره ۱۰۳

صندوق پستی: ۱۵۱۱۵/۳۲۹

تلفن و فاکس:

۸۸۸۹۳۶۸

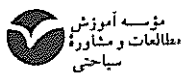
شرکت ویژه گرافیک

تهران - خیابان کریمخان زند - خیابان
خرمدند شمالی - شماره ۱۱۰ - طبقه
همکف

تلفن: ۸۸۲۷۲۷۰ - ۸۳۹۷۸۰

فاکس: ۸۸۳۴۶۳۶

فاکس: ۸۳۰۹۱۶



هستل آموزشی اوین

مؤسسه آموزش
مطالعات و مشاوره
سیاحتی

تحت نظر مؤسسه آموزش و مشاوره سیاحتی با بهره گیری از عربیان
مغرب و مجهزترین سیستم آموزش آشپزی و قنادی جهت دوره های زیر
ثبت نام می نماید.

عنوان دوره	تعداد ترم	ساعات هر ترم	شهریه هر ترم
آشپزی	۶	۲۷	۶۵/۰۰۰ ریال
قنادی	۶	۲۷	۵۵/۰۰۰ ریال
آشپزی در هتل و رستوران	۱	۱۰.۸	۲۹۰/۰۰۰ ریال
قنادی در هتل	۱	۱۰.۸	۲۷۰/۰۰۰ ریال

علاقتمندان می توانند جهت ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر
به نشانی: تهران-بزرگراه شهید چمران-جنب هتل اوین مراجعه
و یا با شماره تلفنهای زیر تماس حاصل نمایند:
۸۰۹۰۰۴۰ - ۸۰۹۰۰۴۷ - ۸۰۹۰۰۵۶ - ۸۰۹۰۰۵۰ داخلی ۲۶۶



کنکور سراسری و آزاد یا همکاری کادر منتخب دبیران و کلیه کلاسهای نظام قدیم و جدید تلفن ۹۷۲۲۷۱



اسختر گوه

سازمان فیلم و تبلیغات

خیابان ستارخان.

خیابان هخامنش.

شماره ۲

تلفن و فاکس: ۹۷۵۵۹۸

مرکز تعمیر سشوار



تهران: خیابان سعدی-خیابان منوچهری
چهارراه کنت، ساختمان درفشان

(جنرال استیل سابق) طبقه همکف پلاک ۱۸-۱
تلفن ۳۷۸۳۷۶۷-۳۱۱۷۸۰۱

ایمان بار

حمل و نقل بین المللی

ایمان دریا

خدمات دریایی

ایمان ترخیص

ترخیص کالا

از کلیه گمرکات کشور

حمل و نقل



تلفن: ۸۸۳۴۲۹۵

۸۳۵۷۵۴

تله فاکس: ۸۸۳۴۲۹۵

خیاطی را اصولی بیاموزید

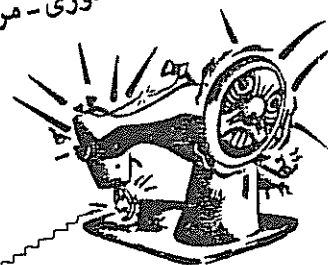
آموزش خیاطی و شناخت زورنال
کلدوزی - سرمه دوزی - مرواریدیافی و تاج عروس



مربی خیاطی:
خانم روشن

تلفن

۷۷۲۲۴۹



تلفن ۲۵۷۸۴۰۲

آموزش گلسازی و گل آرایی خشک



عکس پرتره همراه گریم عکاسی
ویژه بانوان توسط متخصصین خانم
(در آتلیه و یا در منزل شما)
تلفن: ۸۸۰۳۵۷۶
۹ صبح تا ۶ بعد از ظهر

**خدمات
ویزای مسافرتی**
تلفن ۶۴۶۳۳۸۴

شرکت پاک مکان

با مسئولیت محدود

با ۲۲ سال تجربه علمی و عملی در
خشکشویی مبلمان، موکت، فرش،
واکس و پولیش سنگ و پارکت و
کفپوش و نظافت کلی ساختمان،
خشکشویی داخل اتومبیل در محل
در خدمت بهداشت خانه و محل

کار شما
عباس آباد و شمیرانات ۸۵۸۶۴۶
سرتاسر تهران ۸۷۰۷۷۷۷
تهران پارس ۷۸۶۸۳۸۸

میر داماد

تضمینی

موسسه لاغری و زیبایی سایه اسا

لاغری سریع: زیر نظر متخصص در کوتاهترین مدت
به وزن و سایز ایده‌آل خود خواهید رسید

پوست: پاکسازی با روش جدید، برطرف کردن
موهای صورت

آرایش: رنگ، عروس همراه گریم، ترمیم ابرو

مخصوص بانوان

تلفن: ۲۲۲۳۸۹۷

مراکز نمایشی

۹۴۸۱۹۱۲	تئاتر آزادی
۶۴۶۰۵۹۲۰۵	تئاتر شهر
۳۱۱۳۸۳۸۰۹	تئاتر قصر
۶۷۵۱۰۱۰۰۵	تالار وحدت
۵۶۲۵۴۴۴	تالار سنگلج
۶۴۰۹۲۷۳	تالار محراب
۸۳۶۶۴۰	تالار هنر

سینما

۶۲۷۶۲۸	سینما آزادی
۲۷۴۰۲۲	سینما آستارا
۶۴۰۰۱۵۲	سینما آسیا
۳۱۱۸۱۱۸	سینما ادنون
۸۹۳۹۴۲	سینما استقلال
۸۹۷۱۷۱	سینما آفریقا
۹۳۹۳۴۰	سینما بهمن
۶۵۵۲۹۲	سینما بلوار
۷۵۰۴۳۲۹	سینما تهران
۵۷۲۱۸۸۲	سینما تیسفون
۶۴۶۵۳۰۷	سینما جمهوری
۵۳۸۶۲۶۵	سینما ری
۶۲۷۲۹۰	سینما شهرقصر
۶۴۰۷۷۷۷	سینما شهر قشنگ
۷۵۰۷۷۷۷	سینما صحرا
۶۵۲۰۵۵۰	سینما عصر جدید
۶۴۶۳۲۶۹	سینما فلسطین
۹۲۸۶۸۶	سینما مرکزی

**صادرات فرش
به تمامی جهان**
۶۴۶۳۳۸۴

راهنمای زنان تلفنی آگهی می‌پذیرد


۶۲۰۳۷۷-۶۲۹۳۷۱

ژورنال دکوراسیون منزل
(از کانادا)

پوستر آثار نقاشان بزرگ از سوئیس
مونه - دالی - ونگوگ - رنوار
۷۰ × ۱۰۰ سانتیمتر (اندازه پوستر)
تلفن ۸۴۴۳۲۰ - ۶۴۶۳۳۸۴

آموزشگاه بافندگی
سحر


با امتیاز رسمی از وزارت کار و امور اجتماعی
شریعتی، بین میرداماد و مینا ساختمان ۱۲۸۰

۲۲۷۹۴۳۵ 

آموزش طراحی و نقاشی و تجسمی
زیر نظر استاد با تجربه (خانم)
با تحصیلات دانشگاهی در ایران و انگلیس
برای خانمها و دخترخانمها و کودکان

نگارخانه
نقش

قائم مقام فراهانی - ۸۸۴۵۹۶۵



ماساژور دستی هور
مطابق نمونه اروپایی

طراحی شده بر اساس طب فشاری
رفع چاقی کاذب و کمک به تحلیل چربی
زیر پوستی در ناحیه شکم، سینه‌ها، پهلوها و ران،
رفع خستگی، گرفتگی عضلانی
فروش در کلیه داروخانه‌ها، فروشگاههای ورزشی و بهداشتی
از شهرستانها نماینده فعال پذیرفته میشود


تلفن: **۸۸۹۳۵۴۸**
نماینده **۲۹۲۶۸** مشهد



ارتباط با دنیای زیبایی و پاکیزگی
شهر بزرگ

خشکشوئی و سفیدشوئی
کلیه البسه
با سرویس رایگان
خشکشوئی موکت، مبلمان،
واکس، پارکت و کفپوش
شما نیز می‌توانید یکی از مشترکین
ما باشید.

تلفن **۷۵۴۲۱۰۳**



خانم‌های ایران

(دوبیگ راشل سابق) اولین مزه ترمیم مرد در ایران

خبری مسرت بخش برای تمام کسانی که موهایی خود را از دست داده یا می‌دهند ما نتیجه آخرین تحقیقات و اکتشافات دانشمندان و متخصصین مو در امریکا را رایگان در اختیار شما قرار می‌دهیم که روش های فوق در اروپا هم عرضه نمی‌شود این متدها نتیجه تلاش پیگیر متخصصین مو در امریکا می‌باشد، در این روش بدون عمل جراحی از یکصد تار مو تا ده‌ها هزار تار مو روی سر شما نصب می‌گردد با این متد کاملاً جدید و استثنایی شما احساس خواهید کرد که موهایتان از ربر پوست روئیده و هیچگونه تفاوتی با موهای طبیعی‌تان ندارد و با لمس کردن موهای جدید حتی فراموش می‌کنید که موهایتان ریخته است با حیال راحت استحمام کرده و موهایتان را به فرم دلخواه‌شانه کنید بعد از نصب مو چنانچه مورد پس‌دندان واقع گردید رجه‌ها را بپردازید ضمناً فراموش نکسید متدهای فوق‌الاحتیاج به مراجعه بعدی ندارد.

تلفن: **۸۹۸۴۲۳**
تهران حبابان ولی عصر حب سینما آریفا (اتلانیک سابق)



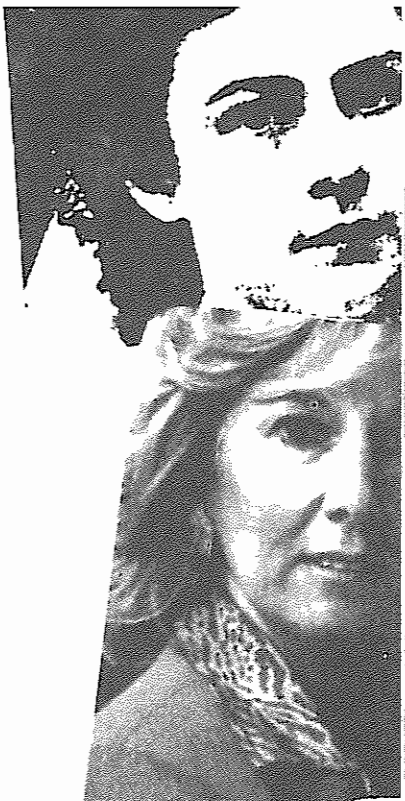

زنان و پایداری و دنیای سیاست

تعداد نمایندگان زن در پارلمانهای بیشتر کشورهای اروپایی پیوسته رو به افزایش است و این روند از دهه ۷۰ شروع شده است. اختلاف بین کشورهای شمال و جنوب اروپا در این زمینه پر معنی است: در کشورهای اسکاندیناوی ۴۰ درصد نمایندگان زن هستند ولی تعداد زنان نماینده در بعضی کشورهای جنوب هنوز از ۱۰ درصد هم کمتر است.

مبارزه زنان برای تصدی پستهای سیاسی و اشتغال در سطوح بالای مدیریت و رهبری، قرن‌ها طول کشیده تا به وضع فعلی رسیده است و اکنون زنان با استفاده از موقعیت دموکراتیک حکومتها می‌توانند به تدریج شانس خود را در این زمینه‌ها بیازمایند. تا اوایل قرن حاضر از حق شرکت زنان در انتخابات خبری نبود: زنان «نیوزیلند» اولین گروهی بودند که در سال ۱۸۹۳ اجازه یافتند در انتخابات شرکت کنند و رأی دهند و در اروپا، زنان کشور کوچک «لیشتن اشتاین» آخرین گروه بودند که این حق را به دست آوردند و دیرتر از سایر زنان اروپا وارد دنیای سیاست شدند (سال ۱۹۸۴).

در اروپا بیشتر از نصف دارندگان حق رأی، زن هستند ولی تعداد آنها در بین اعضای احزاب و حتی در بین کسانی که در انتخابات شرکت می‌کنند هنوز بسیار کم است. علاوه بر آن بیشتر از نصف زنانی که به سطوح بالای مدیریت رسیده‌اند باز در زمینه‌های «زنانه» مثل بهداشت، آموزش و پرورش و امور خانه و خانواده به کار اشتغال دارند. این اطلاعات، نتیجه تحقیقاتی است که اتحادیه بین‌المللی (IPU) در ۱۵۰ کشور انجام داده است.

در آلمان اکنون بیش از ۲۰ درصد نمایندگان، به اضافه چهار وزیر، یک رئیس دولت ایالتی و سه معاون پارلمانی از بین زنان انتخاب شده‌اند. از نظر تعداد زن در مجالس کشورهای اروپایی، «فنلاند» بیشترین نسبت (۳۹ درصد) و فرانسه کمترین نسبت (۶ درصد) را داراست و آلمان در ردیف هفتم قرار دارد. کمی تعداد نمایندگان زن در مجالس اروپا علل زیادی دارد و بعضی از این علل، همانهایی است که اصولاً زنان را برای مدیریت در سایر زمینه‌ها هم مناسب نمی‌دانند. صرف‌نظر از وجود این گونه



● در اروپا بیش از نیمی از دارندگان حق رأی، زن هستند ولی تعداد آنها در بین اعضای احزاب و حتی در بین کسانی که در انتخابات شرکت می‌کنند، هنوز بسیار کم است.

تفکرات سنتی، هنوز در دنیای رسانه‌ها و عالم همکاری و در بین رأی دهندگان هم به زنان و مردان با یک چشم نگریسته نمی‌شود. در پارلمان جامعه اروپا واقع در «استراسبورگ» که بین تعداد زنان و مردان نماینده، تعادلی را حفظ کرده‌است برای پیشرفت زنان فعالیت‌هایی صورت می‌گیرد. در سال ۱۹۸۹ کمیسیون مربوطه دستور انجام تحقیقاتی را در زمینه تصدی پستهای سیاسی به وسیله زنان اروپا داد. نتیجه تحقیقات ثابت کرد که علت پایین بودن میزان شرکت زنان در فعالیتهای سیاسی اصولاً پایین بودن میزان علاقه آنان به این گونه فعالیتهاست. از آمارگیری‌هایی که در ۴۰ سال اخیر صورت گرفته چنین برمی‌آید که زنان اصولاً کمتر روزنامه می‌خوانند، کمتر اخبار گوش می‌دهند و کمتر از مردان درباره سیاست حرف می‌زنند. البته ارقام در طول گذشت سالها تغییر کرده‌است: در سال ۱۹۵۳، ۶۰ درصد زنان فرانسوی گفتند که به سیاست علاقه ندارند ولی این نسبت در سال ۱۹۷۸ فقط ۲۰ درصد بود.

معدالک فاصله زنان اروپا با سیاست هنوز هم زیاد است: امروز، بیش از نیمی از مردان علاقه شدید به سیاست و مسائل سیاسی دارند در حالی که این رقم در بین زنان ۳۵ درصد است و ۴۰ درصد زنان هم اصلاً دوست ندارند درباره سیاست حرف بزنند. در عوض زنان زیادی هستند که به بحث و گفت‌وگو درباره مسائل اجتماعی اظهار علاقه می‌کنند که نشان می‌دهد زنان اصولاً به فعالیتهای به اصطلاح «ما قبل سیاست»، مثل فعالیتهای مردمی و انجمنهای اجتماعی بیشتر علاقه نشان می‌دهند.

طبق تحقیقات کمیسیون جامعه اروپا، ساختار جمعیتی قشر زنان هم در بی‌علاقگی آنها به مسائل سیاسی تأثیر دارد. میانگین سنی این قشر در تمام کشورهای اروپایی از قشر مردان بیشتر است زیرا «امید زندگی» زنان بیشتر از مردان است. زنان در مقایسه با مردان، سطح تحصیلات پایینتری دارند و مانند آنان هم پرمشغله نیستند. این سه عامل، از عوامل مهم به حساب می‌آیند. به طور کلی زنان شاغل نسبت به زنان خانه‌دار علاقه

بیشتری به مسائل سیاسی دارند. ۲۹ درصد زنان شاغل و ۳۹ درصد زنان خانه‌دار، هیچ‌گاه درباره سیاست حرف نمی‌زنند. نکته جالب به دست آمده از تحقیقات فوق این است که هر چه سطح تحصیلات بالا می‌رود، اختلاف زنان و مردان در علاقه به سیاست هم کمتر می‌شود به طوری که در سطح تحصیلات دانشگاهی نسبت آنها مساوی می‌شود. در بین کم سوادها، ۳۵ درصد مردان و ۵۵ درصد زنان هیچ‌گاه با سیاست کاری ندارند. در بین دانشگاهیان، باز مردان علاقه‌مند به سیاست، ۶ درصد بیشتر از زنان هستند ولی در فرانسه و ایرلند این نسبت به نفع زنان تغییر می‌کند.

نتیجه آمارگیری، نشانگر اختلاف سطح فاحشی در کشورهاست: در بلژیک، اسپانیا، ایرلند، ایتالیا و پرتغال، ۶۵ درصد زنان مطلقاً به سیاست علاقه‌ای ندارند ولی در دانمارک و آلمان این نسبت بین ۲۰ تا ۲۴ درصد است که به درصد مردان هم نزدیک است. در کشورهای کاتولیک، مثل کشورهای جنوب اروپا، که دو جنس هنوز در قیود سنتی به سر می‌برند، تعداد زنان مایل به فعالیتهای سیاسی بسیار اندک است.

بین شمال و جنوب اروپا از این جهت اختلاف سطح شدیدی وجود دارد. در نروژ در سال ۱۹۹۳، سه زن خود را برای پست نخست‌وزیری کاندید کردند، چیزی که در کشورهای جنوب اصلاً قابل تصور نیست. مسلماً این اتفاقی نیست که در کشورهای اسکانندیناوی زنان زیادی کار می‌کنند و مهدکودکها و پانسیونهای کودکان در سطح نمونه‌اند. طبق اعلام دفتر سنجش بین‌المللی، در فنلاند و سوئد، ۴۸ درصد و در نروژ ۴۵ درصد شاغلین، زن هستند و در اسپانیا و یونان، این نسبت ۳۳ درصد است.

با شکسته شدن سنتهای قدیمی، علاقه زنان به سیاست و طبعاً شانس دسترسی به پستهای رهبری در احزاب بیشتر می‌شود. عامل دیگر، یکسانی آموزش و پرورش برای هر دو قشر است و این امر برای آینده تعیین کننده‌است: هم‌اکنون دختران و زنان جوان زیادی در دبیرستانها و دانشگاهها مشغول تحصیل هستند. در فرانسه به زودی تعداد

دختران دیپلمه بر پسران دیپلمه فزونی خواهد گرفت و احتمالاً تعداد نمایندگان زن در پارلمان هم آنقدر زیاد خواهد شد که آن اختلاف شش درصد با مردان را از بین خواهد برد.

منبع: مجله «دویچ لاند» 12/1993

فرم اشتراک

(در صورت امکان تایپ شود یا کاملاً خوانا نوشته شود)

نام:
نام خانوادگی:
سن: تحصیلات:
تاریخ شروع اشتراک: از شماره:
نشانی:
کد پستی:
تلفن:

حق اشتراک برای یکسال (۱۲ شماره)

- ◇ ایران ۱۴۴۰۰ ریال
- ◇ آمریکا، کانادا و خاور دور معادل ۳۰ دلار
- ◇ اروپا معادل ۵۰ مارک
- ◇ خاورمیانه معادل ۲۸ دلار

شرایط اشتراک

- ۱- فرم اشتراک را پر کنید.
 - ۲- حق اشتراک را به حساب جاری ۱۹۷۰ به نام مجله زنان، بانک ملی ایران، شعبه سمیه (قابل پرداخت در شعبه سراسر کشور)، واریز فرمایید.
- اصل فیش بانکی و کارت فرم اشتراک (با کپی آن را) به نشانی ما پست کنید تا در اسرع وقت ترتیب اشتراک شما داده شود.

خوانندگان گرامی خارج از کشور، شما هم می‌توانید حق اشتراک خود را به نشانی زیر واریز نمایید و اصل فیش بانکی را همراه با فرم اشتراک کامل شده به نشانی ما بفرستید:

Saving A/C No: 5900
zanan Magazine
Bank Saderat Iran
Beirut Branch
Hamrae St.
Beirut, Lebanon

نشانی: تهران، صندوق پستی ۵۵۶۲ - ۱۵۸۷۵، مجله زنان
تلفن: ۸۳۶۴۹۸ - ۸۳۹۱۵۱
فکس: ۸۸۳۹۶۷۴

حسادت

این حس دردناک و تحقیر آمیز

دکتر ناتانیل براندن
ترجمه مرکان سپهر

خودش نتیجه گیری می کند. کسی که اعتماد به نفس قوی داشته باشد، هرگز تصور نمی کند فرد دیگری، که او بر کارهایش کنترلی ندارد، می تواند اعتماد به نفس او را خدشه دار کند و ارزش او را از بین ببرد. رفتار هیچ فرد دیگری نمی تواند بازتابی از ارزش ما باشد. البته در صورتی که ما آن رفتار را مورد تأیید یا حمایت قرار ندهیم. این درسی است که این زن باید فرا بگیرد.

حسادت معمولاً با نگرانی، احساس خطر، رنج، توهم طرد شدگی و انزوا، و غالباً خشم و عصبانیت نسبت به رابطه واقعی یا خیالی همسر فرد با دیگری است. برخی از افراد به این دلیل حسادت می ورزند که عمیقاً

حسادت و آزدگی واکنش نشان دهیم؛ چه اعتماد به نفس داشته باشیم و چه نداشته باشیم! در این صورت، اگر فردی که به او خیانت شده، علاوه بر احساس درد و رنج، شخصیت خود را نیز ویران شده ببیند، آنگاه می توانیم بگویم که او مشکل اعتماد به نفس دارد و این مشکل قبل از خیانت و بی وفایی همسر او نیز وجود داشته است. زنی ۳۹ ساله می گوید: «اگر شوهرم به من خیانت کند، پس من چه ارزشی دارم؟ او با این کارش اعتماد به نفس مرا به صفر می رساند.» مسأله این نیست که زن تحت این شرایط چه رنجی می کشد، طبیعی است که رنج می کشد. اما مشکل جایی آغاز می شود که او در مورد

اغلب از من می پرسند آیا حسادت همواره نشانه عدم اعتماد به نفس است و یا افرادی هم که اعتماد به نفس بالا دارند، این احساس آزار دهنده را تجربه می کنند؟

پاسخ کوتاه به این سؤال این است که حسادت غالباً - و نه همیشه - بازتابی از کمبود اعتماد به نفس است؛ اما در شرایطی خاص، حتی زنان و مردانی که اعتماد به نفس بالایی هم دارند، احساس حسادت می کنند. ❏

هنگامی که به شدت کسی را دوست داریم، طبیعی است که بخواهیم او هم وفادار باشد و در صورت خیانت، با احساس



در خود احساس کمبود می‌کنند و دائماً منتظرند که دست رد به سینه‌شان بخورد و طرد شوند. این افراد به شدت دچار عدم اعتماد به نفس هستند. اما علاوه بر خیانت و پیمان‌شکنی، شرایط دیگری نیز وجود دارد که می‌تواند در افراد - چه با اعتماد به نفس، چه با فقدان اعتماد به نفس - حسادت ایجاد کند:

- حسادت می‌تواند از این بدبینی کلی ناشی شود که عشق و سعادت، همیشه به طریقی از این می‌رود.

- برخی اشخاص زمانی دچار حسادت می‌شوند که می‌بینند فرد دیگری مورد محبتی واقع می‌شود که خود آنها بدان نیاز دارند.
- بعضی، هنگامی دچار این حالت می‌شوند که می‌بینند همسر آنها از دیگری تمجید می‌کند.

- در یک رابطه جدید نیز حسادت ممکن است بر اثر تجربه تلخ خیانت در روابط گذشته باشد.

روشن است که هر چه ما به خود مطمئنتر باشیم، اعتماد بیشتری به همسران خود

می‌سازند. از این رو بایستی واکنشهای مناسبی را فراگیریم که مفید واقع شوند.

هنگامی که یک خانم وکیل ۳۶ ساله، حس کرد شوهرش در مهمانی به او توجه ندارد، فوراً حالت خصمانه به خود گرفت. شوهرش هم اصلاً به روی خودش نیامورد و آنها چند روز با یکدیگر حرف نزدند. دفعه بعد که چنین اتفاقی افتاد، خانم از سر چاره‌جویی گفت: «وقتی رفتار تو را دیدم، کمی نگران شدم و احساس ترس کردم. این خیال به سرم زد که نکند به من بی‌توجه شده‌ای و دیگر مرا دوست نداری.» با این توضیح، او مسئولیت احساسات خویش را به عهده گرفت و برای ایجاد زمینه‌ای که در آن یک بحث محبت‌آمیز انجام شود، تلاش کرد. او می‌دانست که خشم و عصبانیت در چنین شرایطی قابل درک است، اما متوجه شد که با برخورد خشونت‌آمیز با همسرش به هیچ نتیجه‌ای نمی‌رسد. برخورد منطقی او موجب شد که شوهرش هم احساس نکند که مورد تهاجم واقع شده و بنابراین سعی نکرد از خود دفاع

آرام نمی‌گذارد. او را تشویق کردم به جای آنکه احساسات خود را از شوهرش پنهان کند، با او درباره تشویب و نگرانیهای خود صحبت کند. در خلال صحبت‌هایشان، کم‌کم روشن شد که شوهر او از این که مورد توجه دیگران قرار بگیرد، لذت می‌برد. البته شاید برای دامن زدن به جلب توجه دیگران عمل خاصی انجام نمی‌دهد، ولی برای منع آن هم اقدامی نمی‌کند. مرد پس از کمی مقاومت، پذیرفت که عاقلانه‌تر رفتار کند. زن نیز پذیرفت که تشویبها و نگرانیهای خود را کنترل کند و درباره آنها حرف بزند و به خاطر داشته‌باشد که شوهرش، پدر او نیست که خانواده را در ۱۲ سالگی او، به خاطر زن دیگری ترک کرده است.

اگر شما نیز از جمله کسانی هستید که رفتارتان حسادت شوهرانتان را برمی‌انگیزد، اولین مسئولیت شما این است که صادق باشید. اگر احساسات همسران خود را انکار کنید و به آن توجه نشان ندهید، صرفاً نگرانی آنان را عمیقتر کرده‌اید و در حقیقت این تصور را قوت بخشیده‌اید که حتماً مسأله‌ای وجود دارد که باید نسبت به آن حسادت نشان داد. زن ۴۱ ساله شاغلی می‌گوید: «وقتی شوهرم در مورد نحوه برخورد من با دیگری، با من حرف زد، اولین چیزی که گفتم این بود که خیالاتی شده‌است. البته احساس شوهرم را درک می‌کردم اما می‌ترسیدم با تأیید حرف او مورد انتقاد قرار بگیرم. خودم می‌دانم که گاهی با رفتارم، می‌خواهم جلب توجه کنم. با خودم خیلی کلنجار رفته‌ام و فکر می‌کنم علتش بیشتر آن است که همیشه در کودکی، در خانواده‌ام مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌ام. وقتی این مسأله را برای شوهرم توضیح دادم، او آرامتر شد. درک او نسبت به مسأله، مرا وادار کرد با احساساتم جدیتر برخورد کنم و کنترل بیشتری روی رفتار و طرز برخوردم داشته‌باشم و به این ترتیب عملی نابجا و یا کاری که سبب ناراحتی و نگرانی وی می‌شود، انجام ندهم.»

حسادت، موجه یا غیرموجه، دردناک و تحقیرآمیز است. وقتی خود یا همسران با آن دست به گریبانیم، باید با آن دلسوزانه برخورد کنیم و در جهت حل مسأله و رفع آن برآییم. وقتی که شهامت درک واقعیتی را که در پس هر رفتار ناراحت‌کننده‌ای نهفته است، بیابیم؛ با افزایش اعتماد به نفس، حسادت نیز زایل می‌شود. ■

● حسادت معمولاً با نگرانی، احساس خطر، رنج، توهم پردشدگی و انزوا و غالباً خشم و عصبانیت نسبت به رابطه واقعی یا خیالی همسر فرد با دیگری است.

● وقتی خود یا همسران با حسادت دست به گریبانیم، باید با آن دلسوزانه برخورد کنیم و درصدد حل مسأله و رفع آن برآییم.

کند. او به دقت به حرفهای زنش گوش داد و اعتراف کرد که بی‌توجهی کرده و به طرزی ناخواسته باعث رنجش همسرش شده‌است. کاملاً روشن است که مسأله، همان لحظه حل نشد؛ اما راه برای جستجوی عمیقتر و منطقیتر گشوده شد.

ما باید احساسات خود را بشناسیم، بر آنها مسلط باشیم، صادقانه در موردشان صحبت کنیم و اجازه ندهیم آنها ما را به سوی رفتاری سوق دهند که سبب ویرانی روابط شود. این امر زمانی هم که واکنش اصلی ما، عقب‌نشینی به سکوتی دردناک است، صدق می‌کند. تنها امید حل مشکل، در بیان و تبادل صادقانه احساسات است.

زن ۳۹ ساله‌ای از اینکه زنان دیگر به شوهر جذابش توجه نشان می‌دهند، به شدت گله داشت و می‌گفت حسادت و احساس بی‌اعتمادی نسبت به شوهرش، لحظه‌ای او را

داشته‌باشیم و بیشتر احساس کنیم که مورد توجه آنهایم، کمتر دچار حسادت در حالات افراطی آن می‌شویم. هر کسی گاهی دچار حس معمولی حسادت می‌شود، بدون اینکه واقعاً «فرد حسودی» محسوب گردد. تصور کنید ما در خود احساس تردید و تزلزل کنیم و مدام حس حسادت در ما برانگیخته شود. برای کنترل چنین احساساتی باید چه کار کنیم که به رابطه ما لطمه نخورد؟

هنگامی که دچار حسادت می‌شویم، اغلب با افسردگی و گوشه‌گیری عکس‌العمل نشان می‌دهیم، که سبب می‌شود طرف مقابل ما احساس ناراحتی و پردشدگی کند. عکس‌العمل متداول دیگر، ابراز خشم و عصبانیت است که حالتی خصمانه و تلافی به وجود می‌آورد. هر دو واکنش، موقعیت از پیش دشواری را، دشوارتر می‌کنند و تقریباً ایجاد هر گونه ارتباط متقابلی را غیرممکن



فقط حس!

- نمایشگاه نقاشی مریم شیرینلو
- گالری منصوره حسینی
- ششم تا دوازدهم آبان ۷۳
- سبیده خانبلوکی

این بار در گالری منصوره حسینی، تابلوهایی از نقاشیهای رنگ و روغن مریم شیرینلو به نمایش گذاشته شده است. وی با چسباندن کاغذ بر روی بوم یا تخته، کلاژ به وجود آورده است. موضوع این تابلوها، زنان و مردانی هستند با چشمانی تیره و گود افتاده، سرهای بزرگ شده، دهانهای باز مانده و دستهای استخوانی بالا رفته که گویی دعا می کنند یا کسی را به کمک می طلبند. آدمهای تابلوهای شیرینلو، با چهره های مات و رنگهای تیره و سرد پیکرشان، فضای بسیار سردی را ایجاد کرده اند.

چهره ها و پیکره ها همه متغیر (دفرمه) شده اند اما در این تغییر شکلها، گاهی نسبتها درست انتخاب شده اند: دستی کوچک و سری که به

طرز اغراق آمیزی بزرگ شده است. شیوه کار شیرینلو، کار اکسپرسیونیستهای آلمان را به خاطر می آورد. گویانکه در آثار آنان، ضرورت درونی دفرمه شدن چهره ها و پیکره ها، به خوبی مشهود است.

- آیا در کار شما دفرمه شدن مردها و زنها از منطق یا فکر خاصی مایه می گیرد؟

- نه فقط حس بوده. برای من، حس و فکر یکی شده اند.

شیرینلو در ایجاد کمپوزیسیون رنگ مناسب و ترکیب بندی کلی کار چندان موفق نبوده است اما بافتی خاص در کارش به وجود آورده و قلم پرشوری دارد.

- خانم شیرینلو در کارهای شما تنوع چندانی از نظر انتخاب موضوع و رنگمایه ها به چشم نمی خورد: تابلوهایی خاص که شروع حرکتی متفاوت در آینده باشد. آیا قصد دارید باز هم به همین شیوه کار کنید؟

- نمی دانم ممکن است این طور کار کنم. ممکن هم هست این طور کار نکنم. حس است دیگر!

گلهای چشم نواز

- نمایشگاه نقاشی آرزو کاتوزیان
- گالری کندلوس
- ۲۸ مهر تا پنجم آبان ۷۳
- سبیده خانبلوکی

در گالری کندلوس، شاهد برگزاری نمایشگاهی از نقاشیهای

رنگ و روغن آرزو کاتوزیان بودیم. بیشتر آثار وی شامل تابلوهایی است از گلهای زیبا و رنگارنگ که وی به شیوه طبیعت گرایانه ای، لطافت، ظرافت و زیبایی آنها را کاملاً به بیننده منتقل می کند. با ایشان گفت و گویی داشتیم که از این قرار است:

- خانم کاتوزیان، چند سال است نقاشی می کنید؟

- چهارده سال.

- تا به حال کپی کار کرده اید؟

- نه. برای کشیدن گل، خود گل را مدل قرار می دهم و برای پرتره و فیگور، مدل زنده را.

- فقط رنگ و روغن کار می کنید؟

- بله.

- آیا هدف شما از طبیعت گرا بودن، تنها این است که کارهایتان چشم نواز باشند؟

- خوب، دیدن یک شاخه گل یا یک میوه فرتنگ، برای همه خوشایند است. بعضی اوقات افراد نیاز دارند از دنیای خود بیرون بیایند و این گونه کارها، شاید بتوانند چنین تأثیری در بیننده بگذارند. البته من همیشه اول با حس شروع می کنم و در آن موقع به بیننده فکر نمی کنم. حالا اگر این حس به بیننده نیز منتقل شود، بسیار خوشحال می شوم.

- در کارهای شما، حس خوبی دیده می شود. شما توانسته اید لطافت گل و رنگ و جنس آن را به خوبی نشان دهید. در کنار ایجاد تأثیر

حسی، آیا پیام و یا فکر خاصی را نیز در نظر دارید؟

- نه، چون من معتقدم هیچ اجباری نیست که کار هنرمند حتماً دارای محتوا، شعار یا پیام خاصی باشد. هنرمند، چه در نقاشی، چه در موسیقی و هنرهای دیگر، باید حسی را که تجربه کرده، انتقال بدهد و هنر اصلی هم همین است.

- شما طبیعت گرا هستید. فکر می کنید وقتی که تا این حد به ساخت و ساز می پردازید، کار شما چه تفاوتی با کار دوربین عکاسی دارد؟

- فکر می کنم که کارهای من، با کار دوربین عکاسی تفاوت زیادی دارند. چرا که نقاش، سلیقه شخصی خودش را در کار دخالت می دهد، مثلاً در کمپوزیسیون رنگ یا فرمی که به کارش می دهد، به تدریج کار تکمیل می شود و بر اثر تجربه، کم کم مختص به خود هنرمند می شود.

- فکر می کنید سبک خاص خود را یافته اید؟

- نمی دانم. فکر می کنم دنبال کردن سبکی خاص کاملاً اشتباه است ولی به هر حال من هنوز در ابتدای راه هستم. شاید جهت دیگری را انتخاب کنم اما مسلم می دانم که به علت علاقه زیادی که به گل دارم، حتماً باز هم گل کار خواهم کرد. ممکن است پرتره کار کنم یا اینکه همین خط را دنبال کنم. آنچه که برای من مهم است، حس و انتقال آن است. سبک به طور ناخودآگاه، خودش به وجود می آید.



معرفی کتاب

زنان در بازار کار

ایران

کاره‌مهرانگیز

انتشارات روشنگران

۱۳۷۳

۲۴۶ صفحه

۳۰۰۰ ریال

کتاب زنان در بازار کار ایران، به دو فصل اصلی تقسیم شده است. فصل نخست، چند مقاله از کتاب نابرابریهای جنسیتی در بازار کار، به ترجمه پروین رئیسی فرد است. رئوس این فصل عبارتند از: تئوریهای نابرابری جنسیتی در بازار کار، عوامل مؤثر در نابرابری جنسیتی در بازار کار، آموزش و پرورش رسمی، محدودیتهای فرهنگی در مورد زنان، تقسیم کار در خانه و نتیجه‌گیریها و توصیه سیاستها.

فصل دوم، به زنان در بازار کار ایران اختصاص دارد. مهرانگیز کار، تحت هشت عنوان کلی دیروز، امروز، گذار از سالهای تندروی و نالمنی، موانع مشارکت زنان کارگر، موانع عمده فرهنگی، توصیه سیاستها، الحاق به مفاوله نامه منع تبعیض، دیدگاههای مذهبی و حضور زنان در بازار کار، به بحث می‌پردازد.

در بخش گذار از سالهای تندروی و نالمنی، مبحث مروری بر دلگتگیها می‌خوانیم: «زنان شاغل بعد از پیروزی انقلاب، زیر سلطه رفتار و عملکرد گروهها و دیدگاههای افراطی و سنتگرا، سالهای نخست این دوران حساس تاریخ ایران را که با جنگ نیز همراه شد، با نگرانی و دلپره و تشویش خاطر سپری کرده‌اند. در جلسه مورخه ۱۳۶۰/۱۱/۱۳

و سیاسی از دیدگاه مذهب، شرع، عقل و منطق مشخص می‌شود و نمونه‌هایی شاخص نیز از حضور زنان در عصر رسالت شاهد آورده می‌شود.



مجلس شورای اسلامی، خانم مریم بهر روزی نماینده مردم تهران، اولین سخنران قبل از دستور، ضمن انتقاد از پایمال شدن حقوق زنان ایرانی که در به ثمر رسیدن انقلاب نقشی چشمگیر داشته‌اند، پرده از روی آن وحشت عمیق و جانکاهی که بر قلب و روح زنان شاغل ایرانی چنگ انداخته بود، برداشت و خطاب به دولت وقت چنین گفت: «دولت محترم سیاست خودش را در روابط با زنان شاغل مشخص کند که آیا از این بخشنامه‌های قمر در عقربی که هر چند بیکار در وزارتخانه‌ها و ادارات حتی در آموزش و پرورش داده می‌شود، خیر دارد. زنانی که امید دارند در رژیم جمهوری اسلامی و در سایه حکومت عدل الهی از حقوق انسانی و اسلامی برخوردار باشند ولی متأسفانه از طرف عده‌ای ناآگاه به عناوین مختلف در جامعه سرکوب و عقب رانده می‌شوند... چرا با بخشنامه‌های خلاف قانون اساسی، نارضایستی ایجاد می‌کنید و ضد انقلاب را از طریق زنان به مقاصد شومشان می‌رسانید. از دولت عزیز و متعهد تقاضا می‌کنم اولاً جلوی برخوردهای تند و ناشایست و غیراسلامی انسانی که در بعضی از وزارتخانه‌ها و ادارات نسبت به کارمند زن انجام می‌شود، بگیرد و ثانیاً در روابط اداری تجدید نظر کند. شما می‌دانید با این جوئی که ایجاد شده، چه وحشتی در دل زنان شاغل انداخته‌اید؟ زنان مصونیت شغلی ندارند».

در بخش دیدگاههای مذهبی و حضور زنان در بازار کار، که صفحات پایانی کتاب را تشکیل می‌دهد؛ ضرورت حضور زنان در عرصه فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی

۶۷۲ص، چ ۴، ۵۸۰تومان.
روان شناسی رشد (مفاهیم بنیاد در روان‌شناسی کودک)/ حسن احمدی، شکوه‌السادات بنی‌جمالی، تهران، چاپ و نشر بنیاد، ۷۲، ۲۸۰ص، چ ۶، ۱۹۰تومان.

اولین دوست خود باشیم/ میلدر دنیومان، برنارد کوتیس، ترجمه هایده وهاب‌زاده، فزاروان، ۷۲، ۹۶ص، چ ۱، ۱۰۰تومان.
بیا با هم شادی را جستجو کنیم/ نیلوب راشینوف، ترجمه توراندخت تمدن، تهران، خاتون، ۷۲، ۳۵۲ص، چ ۲، ۳۰۰تومان

ادیان و مذاهب

— مفتاح التنزیل/ قدیسه درخشان، تهران، مؤلف، ۷۲، ۱۳۴ص، چ ۱، ۱۳۰تومان.
— عرفای کرمان/ پری ایران‌منش، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۷۲، ۱۳۶ص، چ ۱، ۱۲۰تومان.
سوغنامه فدک/ شرح خطبه حضرت زهرا(س)، محمد تقی تقوی، تهران، الزهراء، ۷۲، ۶۳۲ص، چ ۱، ۵۱۰تومان.

علوم اجتماعی

— روابط فرهنگی ایران و هند/ مینو سلیمی، تهران، وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۷۲، ۱۰۳ص، چ ۱، ۱۹۰تومان.
— فلسطین و اسرائیل رویارویی با عدالت/ جان گونگی، ترجمه سهیلا ناصری، تهران، وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۷۲، ۴۳۲ص، چ ۱، ۳۸۰تومان.

نقش و نفوذ چین در افریقا/ زهرا طاهری امین، وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۷۲، ۲۷۲ص، چ ۱، ۱۸۵تومان.

— حقوق بشر از دیدگاه مجامع بین‌المللی/ گردآورنده عالیه ارفعی، محمدرضا دبیری، تهران، وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۷۲، ۳۶۴ص، چ ۱، ۳۱۰تومان.

— دیکته شب برای دانش‌آموزان کلاس اول دبستان/ مریم لاریجانی،

کلیات

— در جستجوی افسانه‌های قدیمی/ اریک فون‌دنیکن، ترجمه شیرین رادان، تهران، فردوس، عطار، ۷۲، ۴۶۲ص، چ ۱، ۲۸۰تومان.
— آیا، چگونه، چرا؟/ ماری ال‌تینگ، ترجمه علی‌دانش، تهران، انجام کتاب، ۷۲، ۱۱۲ص، چ ۸، ۱۰۰تومان.
— آیا می‌دانید که؟/ مجموعه علمی برای نوجوانان، ارهونیک، ترجمه مینو دارستانی‌فراهانی، تهران، خشایار، ۷۲، ۱۱۲ص، چ ۳، ۷۰تومان.

— ۱۰۰۱ سؤال و جواب علمی/ بریجیت آردلی، ترجمه پوران طوافی تهران، خشایار، ۷۲، ۴ جلد، چ ۴، ۲۸۰تومان.

فلسفه و روان‌شناسی

— زندگی پس از زندگی/ ریموند مودی، ترجمه شهناز انوشیروانی، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۷۲، ۱۹۲ص، چ ۱، ۱۶۵تومان.
طالع‌بینی خورشیدی/ لیندا گودمن، ترجمه مریم زنگنه، تهران، سیمبرغ، ۷۲، ۵۲ص، چ ۱، ۴۵۰تومان.

رشد و شخصیت کودک/ پاول هنری ماسن... [و دیگران]، ترجمه مهشید یاسایی، تهران، نشر مرکز، ۷۲،

تهران، علوم و فنون، ۷۲، ۴۸ ص،
چ ۲، ۶۵ تومانی.
- سرعت در آموزش خواندن و
نوشتن برای دانش آموزان/ مریم
وقار، تهران، علوم و فنون، ۷۲،
۴۴ ص، چ ۴، ۴۵ تومانی.
- راهیان دانشگاه
(زیست شناسی)/ احمد آقاجانپور،
پریچهر آیین پزوه، تهران، جهاد
دانشگاهی، مؤسسه فرهنگی شریف،
۷۲، ۴۲۴ ص، چ ۱، ۱۸۰ تومانی،
(دوره کامل علوم تجربی).

زبان

- آزمون در آموزش زبان/
ریکام والت، ترجمه گیتی دیهیم،
تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۷۲،
۲۷۲ ص، چ ۱، ۲۹۵ تومانی.
- واژه نامه زبان شناسی و علوم
وابسته/ همدخت همایون، تهران،
مؤسسه مطالعات و تحقیقات
فرهنگی، ۷۲، ۵۲۰ ص، چ ۲،
۳۵۰ تومانی.
- فرهنگ دانش آموز فارسی -
فارسی/ فاطمه پروکلی، عباس
روزی طلب، تهران، فرهنگ و هنر،
۷۲، ۳۱۲ ص، چ ۱، ۳۵۰ تومانی.
- واژگان فارسی در زبان
اروپایی/ منیره احمد سلطانی، تهران،
آوای نور، ۷۲، ۸۰ ص، چ ۱،
۸۵ تومانی.

علوم خاص

پرسشها و مسائل بنیادی
فیزیک/ هلن هاجسون، ترجمه شاهده
سعیدی، تهران، فاطمی، ۷۲،
۳۴۴ ص، چ ۲، ۳۲۵ تومانی.

علوم کاربردی

- پرستاری بیماریهای اعصاب
(پرستاری داخلی - جراحی برونر)
برونر سودارث، ترجمه مرتضی
دلاورخان، پروانه بیشه بان، تهران، نشر
و تبلیغ بشری، ۷۲، ۳۹۲ ص، چ ۲،
۱۸۰ تومانی.
- پرستاری داخلی - جراحی
پرستاری - ارتوپدی/ برونر
سودارث، ترجمه مرتضی دلاورخان،
پروانه بیشه بان، تهران، نشر و تبلیغ
بشری، ۷۲، ۳۹۲ ص، چ ۲،
۱۸۰ تومانی.
- راز زیبایی و شادابی بدون
آرایش و دارو/ فروغ تحصیلی،

تهران، روزبهان، ۷۲، ۲۷۲ ص،
چ ۷، ۲۲۵ تومانی.
- تغذیه پزشکی و رژیمهای
درمانی/ هانریش کاسپر، ترجمه
فروغ اعظم طالبان، تبریز، نیما، ۷۲،
۵۸۴ ص، چ ۳، ۳۶۰۰ تومانی.
اورژانسهای شایع بیماریهای
زنان/ جی. ام. موناکان، ترجمه فریده
مورحد، تهران، دفتر نشر فرهنگ
اسلامی، ۷۲، ۱۷۶ ص، چ ۱،
۱۸۰ تومانی.
- مبانی تغذیه/ ه. انگزی، ترجمه
مینو فرزانی، تهران، چهر، ۷۲،
۵۲۰ ص، چ ۴، ۴۵۰ تومانی.
- آشپزی آسان/ منز به باقرزاده،
تهران، نیلوفر، ۷۲، ۶۴ ص، چ ۵،
۱۴۰ تومانی.
- آشپزی جدید/ هملین، ترجمه
مینا اعظامی، تهران، نشر موج، ۷۲،
۳۲۰ ص، چ ۱، ۴۵۰ تومانی.

هنر

- پنجمین جشنواره نمایشهای
سنتی و آیینی ۷۲/ به کوشش لاله
تقیان، تهران، نمایش، ۷۲، ۱۰۴ ص،
چ ۱.

ادبیات

- انشا و نامنگاری نوین/ افشار یا
راهنمای نویسندگی/ صدیقه قنبری،
تهران، افشار، ۷۲، ۲۱۶ ص، چ
مکرر، ۱۸۵ تومانی.
- پارک منسلید/ جین آستین،
ترجمه مریم حقیقی، تهران، کوشش،
۷۲، ۲۵۶ ص، چ ۲.
- علفها آواز می خوانند/
دوریس لسینگ، ترجمه آذر کریمی،
تبریز، نشر خنیا، ۷۲، ۳۰۴ ص، چ ۱،
۳۰۰ تومانی.

- انواع شعر و صناعات شعری
در زبان فرانسه/ ضیاءالدین دهشیری،
ژاله کهنویسی پور، تهران، دانشگاه
تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ،
۷۲، ۲۰۰ ص، چ ۱، ۱۵۰ تومانی.
- گابریل گارسیا مارکز
زندگینامه و نقد و بررسی آثار/
استفن میتا، ترجمه فروغ پوریواری،
تهران، روشنگران، ۷۲، ۳۰۴ ص،

علوم عملی

- مجموعه مصور دانستنیهای
مآمایی برای ماماها ی روستایی/
تهران، وزارت بهداشت درمان و

آموزش پزشکی، اداره کل بهداشت
خانواده و مدارس، ۷۲، ۱۰۴ ص،
چ ۱، ت ۱۵۰۰، اهدایی.

- نه ماه انتظار آبستنی و
مراقبتهای قبل و بعد از زایمان / ن.
ایست من، ترجمه منیر فیروزگوی و
مینو علی، تهران، خورشید، ۷۲،
۲۹۲ ص، چ مکرر، ت ۵۰۰۰،
۱۸۰ تومانی.

- بدنسازی و تناسب اندام برای
بانوان / مژگان هزارخانی، تهران،
دانش، ۷۲، ۶۴ ص، چ ۱۳، ت
۶۰۰۰، ۱۲۰ تومانی.

تاریخ و جغرافیا

- فرهنگ نامهای ایرانی/
گردآرنده فریده دانایی، تهران،
سهیل، ۷۲، ۲۳۲ ص، ۲۴۰ تومانی.
- اتحاد شوروی از تکوین تا
فروپاشی/ الهه کولایی، تهران،
وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و
انتشارات، ۷۲، ۳۴۲ ص، چ ۱،
۳۰۰ تومانی.

- نخبگان سیاسی ایران از
انقلاب مشروطیت تا انقلاب
اسلامی/ زهرا شجیعی، تهران،
سخن، ۷۲، ۴۲ ص، ۲۲۱۶ ص، چ ۱،
هر جلد ۳۵۰۰ تومانی

- حسنک وزیر/ ابوالفضل
محملمین حسین بیهقی، به کوشش
زهرا خانلری (کیا)، تهران، امیرکبیر،
۷۲، ۴۰ ص، چ ۱۳، ۴۸۰ تومانی.

کودکان و نوجوانان

- آمادگی برای خواندن (۱)
دوره آمادگی/ زینت توفیق، تهران،
کاشگر، ۷۲، ۶۴ ص، چ ۱،
۷۵ تومانی.

- اسب سفید و دژه سبز/ سرور
پویا، تهران، کانون پرورش فکری
کودکان و نوجوانان، ۷۲، ۲۸ ص،
چ ۳، ۳۸ تومانی.

- ایام هفته و مفاهیم آب و
هوا/ فریده صلیق افشار، تهران،
روزبهان، ۷۲، ۵۶ ص، چ ۱،
۱۳۰ تومانی.

پس کی برف می بارد؟/ سوسن
طاقدبسی، تهران، افق، ۷۲، ۱۶ ص،
چ ۱، ۵۰ تومانی.

- پیراهن بی بی نازنین/ نویسنده و
تصویرگر زهره پریخ، تهران، کانون

پرورش فکری کودکان و نوجوانان،
۷۲، ۲۰ ص، چ ۱، ۴۴ تومانی.

- پینوکیو/ کارلو کلودی، ترجمه
سبا بابایی، تهران، افق، ۷۲، ۲۴ ص،
چ ۱، ۵۰ تومانی.

- حواستو جمع کن/ فهیمه
سیدناصری، تهران، ذکر، ۷۲، ۲ ص،
چ ۲، ۲۰ تومانی.

- دخترک کبریت فروش/ هانس
کریستین آندرسن، ترجمه مریم بنیایی،
تهران، قلدیانی، ۷۲، ۲۴ ص، چ ۲،
۶۰ تومانی.

- درباره هوا/ ماری گریبین،
جان گریبین، ترجمه محمود سالک،
غلامحسین اعرابی، تهران، انتشارات
مدرسه، ۷۲، ۴۴ ص، چ ۲،
۱۰۰ تومانی.

- دنیای عجیب مورچه ها/
فرانسیس ساین، ترجمه ژاله راستانی،
تهران، ریحان، ۷۲، ۳۲ ص، چ ۲،
۶۰ تومانی.

- دوست مهربان/ پروین علیپور،
تهران، انتشارات مدرسه، ۷۲،
۲۸ ص، چ ۱، ۸۰ تومانی.

- ریاضی/ لیلی انگجی، شیراز،
راهگشا، ۷۲، ۲۸ ص، چ ۲،
۳۵ تومانی.

فیل کوچولو دماغت کو؟/ مینو
قاسمی، تهران، کانون پرورش فکری
کودکان و نوجوانان، ۷۲، ۲۰ ص،
چ ۱، ۲۴ تومانی.

- قاسم باشک/ سرور پویا،
تهران، کانون پرورش فکری کودکان
و نوجوانان، ۷۲، ۱۶ ص، چ ۴،
۲۶ تومانی.

- قصه گویی/ تصویرگر زهره
پربرخ، تهران، کانون پرورش فکری
کودکان و نوجوانان، ۷۲، ۴ ص،
چ ۱، ۴۰ تومانی.

- لالایی مادر/ فاطمه شعبانی،
تهران، کاشگر، ۷۲، ۲۴ ص، چ ۱،
۶۰ تومانی.

- ماهیگیر کوچک/ بتی واترتون،
ترجمه رضا شیرازی، تهران، پیام
آزادی، ۷۲، ۱۶ ص، چ ۳،
۴۰ تومانی.

معمای سیب/ یان کوپ، ترجمه
مینا فروزش، تهران، الفبا، ۷۲،
۳۶ ص، چ ۱، ۸۰ تومانی.

- نجات کره زمین/ مهین
سلامی، تهران، پارس، ۷۲، ۱۶ ص،
چ ۱، ۵۰ تومانی



۱۲ آذر

روز جهانی معلولین

www.iran-archive.com

کمیته هماهنگی معلولین و سالمندان کهریزک (خیریه)
تلفن: ۰۲۱-۵۹۴۰۳۱ و ۰۲۱-۵۹۲۹۰۶

یک سبد لطافت و زیبایی

حوله پوشش

هدیه به لطافت دستهای مادران



صنایع پوشش ایران

نمایشگاه ها و فروشگاه ها

تهران ، خیابان ولیعصر ، روبروی پارک ملت ، نبش ارمغان ، تلفن : ۵-۲۳۳۶۰۵۲

رشت ، کیلومتر ۷ جاده رشت انزلی ، کارخانه پوشش ، تلفن : ۵-۲۳۳۶۱۱

ساری ، خیابان ۱۸ دی ، ساختمان حسن زاده ، تلفن : ۲۳۳۶۲۱

مشهد ، (خیابان نخریسی) فدائیان اسلام ، جنب مسجد حقیقی ، تلفن : ۰۲۱-۷۱۹-۳۱۶۹۵